سیمای کاظمین

آرام دجله

تألیف: حسن ایدارم

بسم الله الرحمن الرحیم

سیمای کاظمین - آرام دجله

نویسنده:

حسن ایدرم

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

سیمای کاظمین آرام دجله

مشخصات کتاب

سرشناسه : ایدرم، حسن، ۱۳۴۴-

عنوان و نام پدیدآور : سیمای کاظمین: آرام دجله/تالیف حسن ایدرم.

مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۱۶۷ ص.؛۱۲ × ۲۱س‌م.

شابک : :۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۰۹۵-۶ ۱۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتاب حاضر قبلا در سال‌های مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۶۳] - ۱۶۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : زیارتگاه‌های اسلامی -- عراق -- کاظمین.

موضوع : کاظمین -- تاریخ.

رده بندی کنگره : DS۷۹/۹/ک۲/الف۹ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۹۵۶/۷۵

شماره کتابشناسی ملی : ۱۲۰۸۸۰۸

ص:۱

اشاره

ص:۲

ص:۳

ص:۴۰

ص:۵

ص:۶

ص:۷

ص:۸

مقدمه مؤلف

ص:۹

«بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبٌّ غَفُورٌ» (۱) بویی چون ز شهر یار آمد ما روی بدان دیار داریم

ما را نبود به شهر کاری ما کار به شهریار داریم (فیض)

تجلّی خدا، این برترین و زیباترین در عرصه هست‌ها، هر چند که با نبود والیان برگزیده‌اش، نمودی کامل در هویت و ساختار تمدن اسلامی نیافت اما همین اندک پاگرفته را هم یارای آن هست، گستره‌های زیبایی را از این

۱- بخشی از آیه ۱۵ سوره سبأ، در توصیف شهر سبأ

ص: ۱۰

تجلّی، در حیات پیراسته انسانی به رخ بکشد، حیاتی توأمان با آرامش، «اصْلُها ثابِتٌ وَ فَرعُها فی السَّماءِ» (۱) آنچه اکنون پیش رو دارید، کوششی در بازشناخت نگاره دینی شهر کاظمین است، شهری که با دربرگرفتن دو پیکر از پاک‌ترین انسان‌ها، دجله (۲) جان را به آرامش فراخوانده و آرامش را به خروش دجله‌وار. ادب اقتضا دارد که بر پیشی‌جویان این سوی و مقصد، فروتنی و سپاس را نثار کنیم که سابقان مقربانند. (۳)امید که قرین خشنودی شما هم شود.

حسن ایدرم

قم

۱- قسمتی از آیه ۲۴ سوره ابراهیم علیه السلام

۲- کلمه دجله معرّب به معنای تند و تیز، در زبان پهلوی باستان است. فرهنگ معین، ج ۵، ص ۵۲۰

۳- مضمون آیه ۱۰ و ۱۱ سوره واقعه،« وَ السبِقُونَ السبِقُونَ* أُوْلِئکَ الْمُقَرَّبُونَ»

ص: ۱۱

بخش اول کاظمین «آرام دجله»

دشت کاظمین

۱ ۵ مساحت عراق را دشت‌هایی تشکیل می‌دهد که از رسوبات دجله و فرات به وجود آمده‌اند. شهر کاظمین نیز بر دشتی واقع شده که در شرق و جنوب شرقی، دارای انحنا است. این انحنا باعث شده رودخانه دجله- تنها منبع آبی منطقه- در این نقطه حرکتی کند یافته، سطح رسوبات در دشت کاظمین افزایش یابد و رفته رفته با کاهش بستر رود، زمینه مساعدی برای بروز سیل ایجاد گردد و با گذشت زمانی طولانی، رودخانه دجله تغییر مسیر دهد. (۱) از طرفی با وجود رسوبات فراوان و گل و لای حاصل از

۱- این تغییر مسیر یک بار تحقق یافته

ص: ۱۲

آن، مناطق مسکونی از رودخانه دجله فاصله گرفته و به جای آن، در اطراف رودخانه، باغ‌های زیادی تشکیل شده است. (۱)

کاظمین بزرگ

کاظمین، اکنون یکی از شهرهای بزرگ عراق است که در شمال غربی بغداد (۲) بین طول جغرافیایی ۱۵/ ۴۴ و

۱- الجغرافیهٔ الاجتماعیهٔ لمدینهٔ الکاظمیهٔ الکبری، ص ۱۱- ۱۳

۲- بغداد بزرگ‌ترین شهر عراق، مرکز استان بغداد و پایتخت این کشور است که در وسط آن قرار دارد. خود نام« بغداد» نامی ایرانی است که در زمان ساسانیان به آن منطقه نهاده شد. بغداد در روزگار عباسیان به پایتختی برگزیده شد و در همان زمان هم نام‌آور گشت؛ به‌گونه‌ای که نمادی برای سرزمین‌های اسلامی سده‌های میانه بود. شاید بغداد جدید در کنار شهر قدیمی بغداد که در ۵۰ مایلی شمال بابل واقع شده بود، ساخته شده است. این شهر جایگزین تیسفون پایتخت شاهنشاهی ایران و دمشق پایتخت امپراتوری اموی شد. با سرنگونی عباسیان به دست مغول‌ها بغداد نیز ویران و مردمش کشتار شدند. در سال‌های دورتر بغداد و پیرامون آن میان ترکمانان و عثمانیان و آنگاه صفویان دست به دست می‌شد. سرانجام به‌عنوان بخشی از عثمانی شناخته شد تا این‌که پس از جنگ جهانی دوم و تکه‌تکه شدن عثمانی، زیر نظر انگلیسی‌ها به‌عنوان مرکز کشور تازه تأسیس عراق درآمد. طراحی این شهر به‌صورت دایره‌ای با قطر ۲ کیلومتر بود که این شهر را به‌عنوان« شهر گرد» معروف ساخت.

در سال ۱۹۳۲، محله‌های بزرگ بنا بر تقسیم مذهبی، عبارت بودند از:

اعظمیه: سنی‌نشین، کاظمیه: شیعه‌نشین، کراده: مختلط، منصور: مختلط، دوره: مختلط، بغدادالجدیده: مختلط، شهرک صدر: شیعه نشین، شهرک حریه: مختلط؛ هم‌اکنون شهر بغداد از مناطق زیر تشکیل شده است:

اعظمیه، کرخ، کراده، کاظمیه، منصور، شهرک صدر، رشید، رصاله، نهم نیسان.

منبع: ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد

ص: ۱۳

۳۳/ ۴۴ و عرض ۲۱/ ۳۳ و ۲۴/ ۳۳ قرار دارد.

شهر از ناحیه قسمت قدیمی به تدریج گسترش یافته و به شهرک‌ها و آبادی‌های اطراف متصل شده است. مرزهای طبیعی شهر، نهر دجله در شرق و شمال شرقی، اراضی «ذات السلاسل» در طرف غرب، ناحیه «تاجی» در شمال و بخش مرکزی «کرخ»، و نهر خرّ در جنوب می‌باشد.

بخش مرکزی و قدیمی شهر از پنج محله زیر تشکیل شده است:

۱. شیوخ، مشتمل بر باب‌الانبار که قدمت آن به عصر خلفای عباسی می‌رسد.

۲. تِل که سهیلات و ام‌النومی و نوجیه را در بردارد.

۳. دباغ‌خانه،

۴. قطّانه،

۵. عکیلات.

ص: ۱۴

چهار محله نخست در چهار جهت اصلی حرم قرار گرفته و عکیلات در جنوب همه آن‌ها واقع است. مناطقی که به قسمت‌های اصلی شهر افزوده شده و شهر بزرگ کاظمین را تشکیل داده‌اند و هم اکنون بیشتر جمعیت شهر نیز در آن به سر می‌برند، عبارتند از: ۱. عطیفه ۲. سلام ۳. حریه ۴. نور ۵. نواب. « (۱) تا سال ۱۳۹۲ ه. ق. دو پل، کاظمین را به بغداد متصل می‌کرد؛ پل ائمه قسمت شمالی کاظمین را به شهر اعظمیه، و پل «صرّافیه» هم قسمت جنوبی شهر را به عیواضیه متصل می‌کرد. (۲)

نمایش تصویر

۱- الجغرافیهٔ الاجتماعیهٔ لمدینهٔ الکاظمیهٔ الکبری، ص ۹ و ۴۷- اطلس بغداد، ص ۲۴- ۲۵، تاریخ کاظمین، ص ۱۳

۲- همان، ص ۱۵

ص: ۱۵

جمعیت

از آغاز قرن حاضـر، جمعیت شـهر کاظمین فزونی چشمگیری یافته؛ انگیزه‌های معنوی و مادی زمینه‌ساز این افزایش بوده‌اند. در سال ۱۹۶۵ م. جمعیـت ایـن شـهر، به بیش از ۲۵۰۰۰۰ نفر رسـید. بـا این همه شـهر کـاظمین، بـا آن‌که بالاـترین مساحت را در بین چهار فرمانـداری اسـتان بغـداد به خود اختصـاص داده، کم‌ترین تراکم را داراست. البته، جمعیت شـهر کـاظمین، در موسم‌های دینی ثابت نمی‌ماند.

بر اساس تخمینی، تعداد زائران این شهر در سال ۱۹۷۵ م.

بـالغ بر ۵ میلیـون نفر بـوده. در ترکیـب جمعیـت از نظر دینی، شـیعیان در اکـثریت هسـتند. در ترکیـب نژادی شـهر هـم اکـثریت با عرب‌هاست، امّا اقلیت‌های دیگری نیز در شـهر وجود دارنـد. ایرانیان تا سال ۱۹۶۹ اقلیت مهم و بانفوذی را در شـهر کاظمین تشکیل می‌دادهانـد و تنهـا ایرانیان مُقیم در این سال به ۳۳۰۹ نفر می‌رسـید. فراتر آن‌که عراق سـرزمین اختلاط دو نژاد آریایی- سامی بوده، عرب محض در آن یا وجود ندارد یا اندک شمارند.

آب و هوا

معـدل سالیانه حرارت در کاظمین، به ۵/ ۲۲ درجه سانتی‌گراد می‌رسـد. با داشـتن چنین معدلی، هوای کاظمین باید معتدل باشد، امّا نبود نسبی رطوبت در هوا و ابرهای

ص: ۱۶

مؤثر بر کاهش گرمایی که زمین از تابش خورشید به دست می‌آورد، باعث شده هوای منطقه کمی گرم به نظر رسد. این خصیصه در بیش‌تر مناطقی که از دریا دورند، عمومیت دارد.

بارش باران در منطقه کم است و معدل آن ۱۰۵ میلی‌متر در سال است. بارندگی در اوایل فروردین و مهر به صورت رگباری بوده و صدمات فراوانی به محصولات کشاورزی وارد می‌سازد. (۱)

کشاورزی و دامداری

وجود هوای گرم و خشک و زمین‌هایی که مملو از رسوبات رودخانه دجله است، زمینه مساعدی برای کشت انواع محصولات کشاورزی در منطقه کاظمین است، امّا بارش باران به اندازه کافی نیست و ارتفاع سطح زمین هم بین ۳۲ و ۳۶ متر می‌باشد. از این رو مسأله آبیاری و سدسازی در پیشرفت کشاورزی منطقه اهمیت به‌سزایی را دارا بوده و از عهد ساسانی به آن توجّه شده است. مزیت دیگر این منطقه برای کشاورزی، مسطح بودن آن است، به گونه‌ای که کاربرد ماشین‌آلات کشاورزی را مقدور ساخته و در نتیجه، از هزینه‌های تولید کاسته است.

۱- الجغرافیة الاجتماعیة لمدینة الکاظمیة الکبری، ص ۱۹

ص: ۱۷

امّا دامداری در منطقه کاظمین به رشد مطلوبی نرسیده و علّت آن، کم بودن سطح مراتع طبیعی و نبودن زمین‌هایی است که مخصوص تهیه علوفه باشد. (۱)

صنعت

در گذشته در شهر کاظمیه بافندگی‌دستی شهرت خاصی را دارا بود.

اهمیت این صنعت به اندازه‌ای رسیده بود که علاوه بر رفع نیاز داخلی، به ایران هم صادر می‌شد. اما با توسعه کارگاه‌های ماشینی و به صرفه نبودن بافندگی‌دستی، بازار آن به کسادی گرایید.

از جمله حِرَف قدیمی که از عهد عباسی در عراق رایج بوده و شهر کاظمین در آن آوازه‌ای به هم رسانیده، صنعت دباغی است. این صنعت از نظر ارزش، دومین صنعت عراق است. کارگاه‌های دباغی که نوعی اشتغال خانوادگی را به وجود می‌آورد، ابتدا در مرکز شهر، در محله دباغخانه، واقع شده بود، اما به علت آلوده‌سازی محیط زیست به خارج شهر انتقال یافت. (۲) جالب توجه این که اولین کارخانه‌ای که بعد از استقرار حکومت مشروطه در عراق احداث شد، کارخانه

۱- الجغرافیهٔ الاجتماعیهٔ لمدینهٔ الکاظمیهٔ الکبری، ص ۱۳، ۵۰- ۵۱

۲- همان، ص ۱۲۵

ص: ۱۸

ریسندگی و بافندگی «فتاح پاشا» در کاظمیه بود. «(۱)

معماری همگرا

در شهر کاظمین نوعی بناهای سنتی وجود دارد که دارای ویژگی‌های خاص خود است. همه خانه‌ها سرداب دارند. در وسط خانه، حیاطی قرار دارد که در زبان محلی به آن «حوش» می‌گویند. گرداگرد این حیاط اتاق‌ها واقع شده‌اند. خانه به طور معمول دو طبقه بوده، اتاق‌های آن کوچکند. دیوار ساختمان بلند بوده و به خانه‌های مجاور متصل است. نزدیکی ساختمان‌های رو به رو، به اندازه‌ای است که تنها راه باریکه‌ای بین آن‌ها وجود دارد که عبور ماشین از آن بسیار مشکل است.

این ساختمان‌ها در محلّه‌های قدیمی کاظمین، که حرم را در احاطه خود دارند، و در جنوب خیابان امام حسین علیه السلام، به چشم می‌خورند.

ساختمان‌ها در اطراف حرم شکل دایره‌ای به خود گرفته‌اند. این شکل، خصوصیاتی را در گذشته ایجاب می‌کرد. از جمله آن که از نظر سیاسی شهر را از آسیب محاصره نگه می‌داشت و انجام آن را با مشکل رو به رو می‌نمود. مهم‌تر آن که ساختار دایره‌ای شهر، گویای نقشی

۱- موسوعهٔ العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۱۸۹- ۱۹۰ به نقل از الدلیل العراقی الرسمی، ص ۸۸۷

ص: ۱۹

بوده که حرم در به وجود آوردن شهر در نگاه مردم داشته.

علاقه همجواری هم از انگیزه‌های مهم در ترسیم این نوع از ساختار بوده است. از این‌رو در نزد مردم کاظمین بر خلاف ساکنان دیگر شهرهای اطراف دجله، نزدیک بودن به حرم، ارزش والایی داشته و قیمت زمین‌های آن چندین برابر است. در واقع، نوعی ترجیح زیبایی معنوی حرم بر جلوه‌های زیبایی طبیعی دجله وجود دارد.

شهر از نگاه دور، مانند انگشتری رخ می‌نماید که حرم را به‌سان نگین در آغوش دارد.

از جهت اقتصادی هم این ساختار به سهولت رفت و آمد از دورترین نقطه تا مرکز شهر (حرم) کمک کرده و از نظر آب و هوا هم باعث می‌شود که از حرارت خورشید در تابستان کاسته شود؛ چون پنجره ساختمان‌ها، کوچک و کوچه‌ها هم تنگ و باریک است.

اسامی شهر

منطقه شهر کاظمین از سال ۱۸۳ ه. ق. که امام موسی بن جعفر علیهما السلام در آن‌جا به خاک سپرده شد، رفته رفته از «مقابر قریش» به «مشهد موسی بن جعفر» و «مشهد کاظمی» تغییر نام داد. امّا نامگذاری آن به «کاظمین» یا گاهی اوقات به «جوادین»، در سال‌های اخیر رواج یافته است. اکنون به این شهر، کاظمین یا «کاظمیه» می گویند. در عرف عامیانه گاهی

ص: ۲۰

به کـاظمین به اختصـار «کـاظم» گفته می‌شود. « (۱) کـاظمین که به معنـای دو کـاظم است، برای کـاربرد «تغلیب» در جمع دوتـایی (تثنیه) می‌باشـد. روش تغلیبی این است که گاهی در جمع دوتایی که باید مفردهای آن یکسان باشـند، حالت یکسانی وجود ندارد. برای همین بـا نـام یکی از مفردها را که به لحاظی بر دیگری برتری دارد، تثنیه می‌بندنـد. اما این‌که چرا برخی جوادین گفته‌انـد و به مسأله برتری نسبی در تغلیب توجّه ننموده‌انـد، به این جهت است که گوهرهای وجودی امامان علیهم السـلام از یک نور بوده و هیچ یک بر دیگری برتری ندارند؛ مگر در تقدّم در وجود.

از این رو تغلیب به هر دو صورتش صحیح می‌باشـد. در معنـای لفـظ کاظم بایـد گفت او کسـی است که شـدت خشم خود را نگه می‌دارد. (۲) ایـن صـفت، در قرآن، از صـفات متقیـن شـمرده شـده اسـت. « آل عمران، ۱۳۴،« الَّذِیـنَ یُنفِقُـونَ فِی السَّرَّآءِ وَالضَّرَّآءِ وَالْکٰظِمِینَ الْغَیْظَ وَالْعَافِینَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ یُحِبُّ الْمُحْسِنِینَ»» کاظم صـفت برجسته امام موسی بن جعفر علیه السلام است. در «مطالب السؤول» کمال‌الدین شافعی آمده، او برای حلم بی‌اندازه و گذشت فراوانش نسبت به افرادی که به او ستم

۱- . موسوعهٔ العتبات المقدسهٔ، ج ۱۰، ق ۳، ص ۳۰- تاریخ کاظمین، ص ۲۱

۲- . همان، ص ۴۰

ص: ۲۱

می‌داشتند، کاظم نام گرفت؛ آن‌حضرت در برابربدی‌آنها به آنان نیکی می‌کرد. (۱)هم‌چنین می‌توان بردباری امام علیه السلام بر شراره‌های اندوه وانفسایی که هر امام از رنج دیگران بر خود هموار می‌ساخته و از مدار رضا و تسلیم به حق خارج نمی‌شده را علّت این نامگذاری دانست؛ چنان‌که در زیارت ایشان آمده:

اللّهم و کما صَبَرَ علی غَیْظِ الْمِحَنِ و تَجَرَّعَ غُصَصَ الکُرَبِ و اسْتَسْلَمَ لِرضاکَ وَ أَخْلَصَ الْطَّاعَةَ لَکَ و مَحَضَ الخُشوعَ. (۲)

۱- موسوعة العتبات المقدّسة، ج ۹، ص ۳۸

۲- ... خدایا بر او درود فرست چنان‌که برشدت محنت‌ها تاب آورد و اندوه بلاها را در خود فرو برد و برای رضای تو تسلیم بود و طاعت را برای تو ناب کرد و فروتنی را محض.

همان، ج ۱۰، ق ۳، ص ۴۷، مفاتیح‌الجنان، زیارت موسی بن جعفر علیه السلام

ص:۲۲

ص: ۲۳

بخش دوم کاظمین در نگاره زمان

[تاریخ عمومی شهر کاظمین

] سرزمین آباد

نقش خاص جغرافیایی منطقه کاظمین موجب گشت که از آغاز تمدن بشری در بین‌النهرین، این سرزمین هم مورد توجّه قرار گیرد. به گفته برخی از محققان، این منطقه، بخشی از نواحی پایتخت دولت «کشی» بود. این پایتخت که «کاریکالزو» نامیده می‌شد، توسط پادشاهی به همین نام، در ۱۵۰۰ ق. م. ساخته شد. اکنون بقایای آن که تل بزرگی است و به آن «عقرقوف» گفته می‌شود، در ۲۵ کیلومتری کاظمین قرار دارد. «(۱)»

در عهد ساسانی از این منطقه به‌عنوان باغ یکی از پادشاهان ایرانی که «تسوج قطربل» نامیده می‌شد، یاد شده است. «(۲)»

۱- موسوعهٔ العتبات المقدسهٔ، ج ۹، ص ۳۸

۲- همان، ج ۹، ص ۱۱- ۱۲، الجغرافیهٔ الاجتماعیهٔ لمدینهٔ الکاظمیهٔ الکبری، ص ۲

ص: ۲۴

نمایش تصویر

ص: ۲۵

شُونیزی

برخی از مورخان همچون خطیب بغدادی گفته‌اند که مقابر قریش که بعداً مشهد کاظمین نام گرفت، پیش‌تر مقبره شونیزی صغیر نام داشت. شونیزی نام دو برادر بوده که هر یک در دو آرامگاه جداگانه در منطقه کاظمین دفن شده‌اند. «(۱)» گفته شده، لفظ شونیزی عربی بوده و به معنای دانه سیاه می‌باشد. از این رو احتمال دارد، اطلاق این اسم، بعد از دوره ساسانیان باشد. «(۲)»

مقبرهٔ الشهداء [آرامگاه شهیدان]

اولین آرامگاهی که مسلمان‌ها در منطقه کاظمین به وجود آورده‌اند، مقبرهٔ الشهداء بوده است. این آرامگاه محل دفن مجاهدانی بوده که در درگیری با خوارج، قبل از جنگ نهروان به شهادت رسیده‌اند.

مقابر قریش

منصور دوانیقی بعد از رسیدن به حکومت، در سال ۱۴۵ ه. ق. در صدد برآمد پایتختی را برای حکومت خود

۱- موسوعهٔ العتبات المقدسهٔ، ج ۹، ص ۲۳ به نقل از تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۲۰
۲- تاریخ حرم کاظمین، ص ۱۳

ص: ۲۶

بنیان نهد. مکان این پایتخت مزرعه‌ای به نام مبارکه- که به کشاورزان بغدادی تعلّق داشت و در غرب دجله و رو به روی قریه بغداد واقع بود- انتخاب شد. دلیل این انتخاب هم بلندی آن نسبت به قسمت شرقی دجله بود، تا یارای مقاومت در برابر طغیان‌های دجله را داشته باشد. «(۱)» سرانجام بنای این شهر مدوّر که مدینهٔالسلام نام گرفت، در تاریخ ۱۴۹ ه. ق. پایان پذیرفت. «(۲)» اما شادمانی منصور از برپایی چنین پایتختی دیری نپایید و در سال ۱۵۰ ه. ق. پسرش، جعفر اکبر، وفات یافت. از این رو منصور برای گرامی‌داشت مقام فرزند از دست رفته، قبرستانی اختصاصی در شمال شهر جدید، برای قریشیان ایجاد کرد. «(۳)» این شد که این گورستان جدید، قبرستان قریش نام گرفت.

غربت یک مرگ

هارون در سال ۱۷۹ ه. ق. تصمیم گرفت قبل از مرگ، مسأله خلافت بعد از خود را حل کند. او با دوراندیشی‌ای

۱- تاریخ حرم کاظمین، ص ۱۳- ۱۴، الجغرافیهٔ الاجتماعیهٔ لمدینهٔ الکاظمیهٔ الکبری، ص ۲۴

۲- همان، ص ۱۳- ۱۴، موسوعهٔ العتبات المقدسهٔ، ج ۹، ص ۲۲، الجغرافیهٔ الاجتماعیهٔ لمدینهٔ الکاظمیهٔ الکبری، ص ۲۵

۳- همان، ص ۱۵- ۱۴

ص: ۲۷

که در امر خلافت روا می‌داشت، دریافته بود که بعد از او نزاع‌های خانوادگی زیادی برای دستیابی به پست خلافت درخواهد گرفت. تصمیم هارون این بود که سه تن از فرزندان برجسته خود را انتخاب کرده تا هر یک بعد از دیگری به خلافت برسند. برای عملی ساختن این تصمیم از همه افراد برجسته نقاط مختلف کشور دعوت کرد تا به حج آمده تا او این امر مهم خود را با آنان در میان گذارد. «(۱)» اما هارون هنوز خیال آسوده‌ای نداشت. امام موسی بن جعفر علیه السلام با آن قدرت بزرگ معنوی در مدینه، خطر تهدیدکننده‌ای برای آینده خلافت بود. هارون که پیش از این توانسته بود از اظهارات برادرزاده «(۲)» منحرف امام علیه السلام، دستاویز مناسبی برای دستگیری امام علیه السلام بیابد، هنگام رفتن به موسم حج دستور بازداشت امام علیه السلام را صادر کرد. «(۳)» این بازداشت چهار سال طول کشید. اما هارون نتوانست خللی در اراده شکست‌ناپذیر امام علیه السلام به وجود آورد. امام علیه السلام زندان را عبادتگاه خود ساخته بود و هارون خود را در برابر این اراده، سخت خُرد و ناچیز می‌دید. او حتی

۱- منتهی‌الآمال، ج ۲،« در بیان شهادت موسی بن جعفر علیه السلام»، بحارالأنوار، ج ۴۸، ص ۲۰۸- ۲۰۷

۲- علی بن اسماعیل بن جعفر

۳- منتهی‌الآمال، ج ۲،« در بیان شهادت موسی بن جعفر علیه السلام»، بحارالأنوار، ج ۴۸، ص ۲۰۹

ص: ۲۸

نتوانست حداقل توبه‌نامه‌ای صوری از امام علیه السلام بگیرد، تا بر ناتوانی خود سرپوشی گذارد. این سرسختی امام علیه السلام باعث شد، هارون آخرین اقدام خود را اجرا کند.

هارون به عباس بن محمّد- که قبلًا برای اجرای فرمان قتل امام علیه السلام اعلام آمادگی کرده بود- دستور کشتن آن حضرت را داد. عباس هم به زندانبان امام علیه السلام، سندی بن شاهک، دستور داد تا ایشان را از طریق مسموم کردن غذا به شهادت برساند. ولی امام علیه السلام که از نیت شوم آن‌ها آگاه بود، از خوردن آن غذای مسموم خودداری کرد. سندی هم برای برآوردن مقصود، از رسیدن هر نوع غذا به امام علیه السلام جلوگیری کرد تا این‌که امام علیه السلام بعد از سه روز مجبور شد به خوردن غذای مسموم تن در دهد.

هارون هم برای این‌که در معرض اتهام قتل امام علیه السلام قرار نگیرد، گروه کثیری از بزرگان بغداد را به نزد موسی بن جعفر علیه السلام فرا خواند تا از حال و روز او با خبر شوند. سندی ابن شاهک در حضور این جمع، وضعیت مناسبی را که امام علیه السلام در آن به سر می‌برد، برای حاضرین تشریح کرد. اما امام علیه السلام نگذاشت نقشه هارون عملی شود و با بیان این که سندی به دستور هارون او را سم خورانده، آن‌ها را از مرگ خود تا سه روز دیگر آگاه ساخت. «(۱)»

۱- موسوعهٔ‌العتبات المقدّسهٔ، ج ۹، ص ۵۶- ۵۷؛ منتهی‌الآمال، ج ۲،« در بیان شهادت موسی بن جعفر علیه السلام»

ص: ۲۹

از طرفی علی بن موسی‌الرضا علیه السلام که در مدینه به سر می‌برد، به دستور پدر، مدت چهار سال بود که در دهلیز خانه به خواب می‌رفت تا این‌که این عمل در شب ششم رجب ۱۸۳ ه. ق. به پایان رسید. حضرت آن شب از محلی که در آن می‌خوابیدند، با طیّ‌الأرض، به بغداد رفت تا مراسم خاکسپاری پدر را به جا آورد. هر چند این حضور به گونه‌ای انجام شد که حاضران در انجام آن مراسم، با حجابی که خداوند متعال بر چشمانشان افکنده بود، نتوانستند آن را درک کنند. «(۱)» امام علیه السلام را بر پل رصافه قرار دادند و چهره‌شان را گشودند تا مردم باور کنند حضرت به مرگ طبیعی از دنیا رفته است. عموی هارون، سلیمان بن جعفر، آخرین ترفند دستگاه خلافت را اجرا کرد. او جلودار شد تا مراسم دفن امام علیه السلام انجام گیرد. «(۲)» سرانجام روز جمعه، پیکر امام علیه السلام که از طرف خیل گسترده مردم بغداد به همراه عموی هارون و مسؤولان مملکتی مشایعت می‌شد، به قبرستان قریش برده شد و در نزدیکی قبر عیسی بن عبداللّه نوفلی دفن گردید. سن شریف امام علیه السلام به هنگام شهادت، ۵۵ سال، و مدت امامت ایشان ۳۵ سال بود. «(۳)»

۱- بحارالأنوار، ج ۴۸، ص ۲۴۶

۲- همان، ص ۱۴۸- موسوعة العتبات‌المقدسة، ج ۹، ص ۵۷

۳- همان، ج ۴۸، ص ۲۳۴- منتهی‌الآمال، ج ۲

ص: ۳۰

غم دیگر

معتصم در آغـاز سال ۲۲۰ ه. ق. امام جواد علیه السـلام را از مـدینه به بغداد فراخواند. امام علیه السـلام تغییر سـیاست حکومت را به خـوبی احسـاس کرد و دریـافت که این دعـوت، دعـوتی معمـولی نیست. از این‌رو، فرزنـد ارشـد خود، علی النقی علیه السـلام را در حضور جمعی از شیعیان برجسته به نیابت معرفی کرد.

بعـد از آن، به همراه همسـرش، ام فضل (دختر مأمون) که خویشانش در بغداد به سـر می‌بردند، به بغداد رفت و در ۲۸ محرم ۲۲۰ ه. ق. به آن‌جا رسید.

بعـد از ورود امام علیه السـلام به بغـداد، معتصم یک سال ایشان را در حبس نگه داشت و به هیـچ کس اجازه ملاقات با حضـرت را نـداد. او در این مـدت به انتظـار فرصتی بود تـا نقشه خود را علیه امام علیه السـلام عملی کنـد و او را به قتل رسانـد. به همین جهت، گروهی از محرمان اسـرار را فرمان داد تا به دروغ شـهادت دهند که حضـرت قصد توطئه علیه حکومت را دارد. اما امام علیه السـلام پذیرای تهمت نشد و گفته‌های شاهدان را منکر شد. معتصم شاهدان را حاضر ساخت تا گواهی دروغین خود را نزد امام علیه السلام تکرار کنند. در این‌جا گوشه‌ای از معجزات خلافت الهی آشکار شد. حضرت دست نیاز به آسمان بلند کرد و فرمود:

ص: ۳۱

معبودم! اگر اینان بر من دروغ بسته‌اند، جانشان را بگیر.

حاضـران در مجلس به جایگاه شـهود نگاه کردنـد. آن محل به سـختی لرزیـد و هربار که از لرزش می‌ایسـتاد، گواهان با صورت به زمین پرت می‌شدند. معتصم که هراسان شد، به حضرت عرض کرد:

ای فرزند رسول خدا! من از آنچه گفته‌ام، توبه می‌کنم. از خداوند متعال بخواهید زمین را برای ما آرام کند.

حضرت جواد علیه السلام دست طلب برگشود و عرض کرد:

خدای من! زمین را ساکن فرما و جان رفته حاضران را به ایشان بازگردان.

اما این معجزه تأثیری در دل سـنگ معتصم نگـذاشت و از کبر و سـرمستی او هیـچ نکاست. این بار احمـد بن ابی دؤاد «(۱)»، قاضی القضـاة، که بر مقـام فقهی امـام جواد علیه السـلام رشک می‌برد، آتش کینه را در دل معتصم افروخت و معتصم بار دیگر تصـمیم به قتـل امام علیه السـلام گرفت. او جعفر، فرزنـد هارون را با خود همرأی کرد و هر دو، ام‌فضل (دختر مأمون) را که به علّت توجّه امام علیه السـلام به مادر امام هادی علیه السـلام، و ترجیـح او بر خود که عقیم بود، بر ایشان خشـمناک بود، به قتل امام ترغیب کردنـد و شاید هم ناسازگاری روحیه

۱- در منتهی الآمال« ابن ابی داود» آمده است

ص: ۳۲

درباری ام‌فضل با آن زندگی بی‌پیرایه امام، ناخشنودی او را که رؤیای بازگشت به دربار را داشت، افزون ساخته بود.
جعفر به نزد خواهرش رفت. ام‌فضل و جعفر هر دو از یک پدر و مادر بودند و سخن جعفر در ام‌فضل مؤثر بود. او نقشه خود را با وی در میان گذاشت و موافقت او را جلب کرد. بالأخره، ام‌فضل که قساوت را از پدر به ارث برده بود، پارچه‌ای را به سم آغشت و ... نقشه اجرا شد. سم در بدن حضرت نفوذ کرد. حضرت که حرارت سم را در خود احساس می‌کرد. چهره‌شان دگرگون گشت. ام‌فضل به گریه افتاد. او پشیمان شده بود. اما پشیمانی سودی نداشت.
حضرت به او فرمود: این چه گریه‌ای است؟ خدا را قسم می‌دهم تو را به فقری جبران‌ناپذیر و دردی آشکار مبتلا کند. «(۱)» امام هادی علیه السلام که در مدینه به سر می‌برد؛ با احساس مرگ پدر، با زمین‌پیمایی الهی (طی‌الأرض)، به طرفهٔ‌العینی خود را به بغداد رساند و مراسم تدفین پدر را به جا آورد. هر چند حکومت می‌خواست این مراسم در سکوت انجام گیرد، اما حضور دوازده هزار نفری شیعیان بغداد در این مراسم، فضای غمبار سکوت را شکست.

۱- نفرین مزبور در حق ام‌فضل تحقّق یافت و او در پنهانی‌ترین عضو خود به مرض ناسور مبتلا شد. درمان این مرض او را به فقر کشاند، اما باز سودی نداشت. سرانجام به همین مرض هلاک شد

ص: ۳۳

شیعیان حضرت را به قبرستان قریش آوردند و در پشت مزار جدّ بزرگوارشان، حضرت امام موسی کاظم علیه السلام، دفن کردند. خاک ماتم ریخت بر فرقش ملک از ماتمش کوه، مندک شد و آه و ناله و بار غمش «(۱)»

بذر نخستین

در «الدّرالنظیم» نوشته شیخ جمال‌الدّین یوسف بن حاتم عاملی، شاگرد محقق حلی، آمده که: امام موسی کاظم علیه السلام زمینی را که در آن دفن شده‌اند، پیش از مرگ خریده بودند. مسعودی نیز در اثبات‌الوصیهٔ خود این مطلب را گفته است. «(۲)» اگر این روایت درست باشد، گویای اهمیت و ارزش قبرستان قریش است. وقتی امام جواد علیه السلام وفات یافتند، مدفن او را نزد قبر جدّ بزرگوارشان و در پشت آن قرار دادند. «(۳)»

معزّالدّوله

در سال ۳۳۴ ه. ق. معزالدوله وارد بغداد شد و

۱- نگاهی گذرا بر زندگانی امام جواد علیه السلام، از ص ۱۲۹- ۱۳۹ و ص ۱۶۶- الامام الجواد من المهد إلی اللحد، ص ۴۰۷. موسوعهٔ العتبات المقدسهٔ، ج ۹، ص ۲۲۳. منتهی‌الآمال، ج ۲.

۲- تاریخ حرم کاظمین، ص ۲۲۰ به نقل از اثبات‌الوصیهٔ، ص ۱۶۴

۳- تاریخ الامامین، ص ۵۳

ص: ۳۴

حکومت به صورت عملی در اختیار وی قرار گرفت و خلافت تنها سند مشروعیتی شد برای حکمرانی آل‌بویه. از این تاریخ به بعد مشهد کاظمین از جهات گوناگون مورد توجّه بود.

در سال ۳۳۶ ه. ق. بنای حرم تجدید شد و ساختمانی نو بنا گردید. بنای ساختمان از آجر بود و در میان آجرها هم گل ارمنی را که با شیر مایع و موی بز خمیر شده بود، می‌گذاشتند تا بنای حرم که از جانب رود دجله تهدید می‌شد، دوام بیشتری یابد. از اجزای این بنا دو قبه مجلل از چوب ساج بود که به صورت دو کاسه واژگون بر فراز ساختمان حرم خودنمایی می‌کرد. این گنبدها بزرگ بودند و فضای داخلی آن‌ها می‌توانست عده زیادی از زائران را در خود جای دهد. بر روی قبرها ضریحی از چوب ساج که با منبت‌کاری‌های زیبا آراسته شده بود، قرار داده شد. رو به روی بنای حرم صحنی ایجاد شد که دیوار بلندی آن را احاطه می‌نمود. در شمال آن هم مسجدی بنا گردید.

معزالدوله برای به وجود آوردن امنیت در کاظمین که از شهر بغداد دور افتاده بود، عده‌ای از سربازان خود را به همراه ساز و برگ نظامی برای حفاظت در آن‌جا گمارد. او برای تثبیت معنوی حرم نیز تا یک کیلومتری مشهد کاظمین را شعاع حرم قرار داد. هر کس که خود را در این شعاع

ص: ۳۵

می‌رساند، از تعقیب و مجازات در امان می‌ماند. «(۱)» معزالدوله که کوشیده بود با دعوت از عالمی چون:

ابن‌قولویه به بغداد، و دادن مرجعیت فقهی به ابن‌جُنَید- از بزرگان فقه شیعه- به توسعه فرهنگ تشیع بپردازد، در اطراف صحن هم حجره‌هایی برای سکونت دانش‌جویان شیعی بنا گذاشت و در ضلع شرقی آن، مدرسی برای تدریس عمومی فراهم آورد. «(۲)» او هم‌چنین به همراه وزرا و شخصیت‌های برجسته حکومتی‌اش، در هر پنجشنبه به زیارت حرم آمده و شب جمعه، در خانه بزرگی که در اطراف حرم بنا کرده بود، بیتوته می‌نمود و سپس بعد از زیارت مجدد، بعد از ظهر جمعه به بغداد برمی‌گشت. معزالدوله در سال ۳۵۲ ه. ق.

دستور رسمی برگزاری مراسم سوگواری برای امام حسین علیه السلام در ماه محرم را داد. طبق این دستور در روز عاشورا، دکان‌ها و بازار در بغداد تعطیل می‌شد و مردم با سر دادن شیون و زاری و سر و سینه‌زنان و در حالی که گنبد پوشانده با گلیمی را با خود حمل می‌کردند، روانه حرم می‌شدند. «(۳)» معزالدوله در سال ۳۵۶ ه. ق. پس از ۲۱ سال

۱- تاریخ حرم کاظمین، ۲۷- ۲۶، به نقل از صدی‌الفؤاد، ص ۱۲- ۱۱، تاریخ کاظمین، ص ۷۶- ۷۴، موسوعهٔ العتبات المقدسهٔ، ج ۹، ص ۱۶۳ به نقل از تاریخ‌الامامین، ص ۵۳- ۵۵

۲- همان، ص ۷۷

۳- موسوعهٔ‌العتبات المقدسهٔ، ج ۹، ص ۱۶۳ به نقل از تاریخ‌الامامین، ص ۵۳- ۵۵

ص: ۳۶

حکومت مستقل در بغداد، چشم از جهان فرو بست.

ابن‌قولویه بر جنازه وی نماز خوانـد. جسـد او را در معزّیه، خانه شخصـی او در شماسـیه بغداد، به امانت گذاشـتند تا این‌که عزّالدوله بختیـار، فرزنـدش، حکومت را در دست گرفت. او مقبره با شـکوهی برای پـدر در جوار حرم بنا کرد و سـرانجام در سال ۳۵۸ ه. ق. جسد پدرش را با تشریفات کامل به این آرامگاه انتقال داد. «(۱)»

عضدالدوله

او در سال ۳۶۹ ه. ق. دیواری را در اطراف ساختمـان حرم کـاظمین بنا کرد. «(۲)» در سال ۳۷۱ ه. ق. عضدالـدوله برای رفاه زوار و اهالی کرخ، بیمارستان عضدی را در قسمت غربی بغداد، بین کرخ و کاظمیه، افتتاح نمود. «(۳)» در عاشورای ۳۷۳ ه. ق. عضدالدوله وفات یافت. جسـدش را در آرامگاه ویژه‌ای که خود در کنار حرم مهیا کرده بود، به خاک سپردنـد. «(۴)» در سال ۳۷۸ ه. ق. زمانی که شرف‌الدوله، پسر

۱- تاریخ کاظمین، ص ۸۰

۲- همان، ص ۲۸- ۲۹، تاریخ الامامین، ص ۵۷- ۵۸

۳- الجغرافیهٔ الاجتماعیهٔ لمدینهٔ الکاظمیهٔ، ص ۳۲ و تاریخ الامامین، ص ۵۸- ۵۷

۴- موسوعهٔ العتبات المقدسهٔ، ج ۹، ص ۱۱۶ به نقل از المنتظم، ج ۷، ص ۱۲۰

ص: ۳۷

عضدالدوله، در بغداد به سر می‌برد، وزیر ترک زبان او، ابوطاهر سباش، با حفر نهر بزرگی، از نهر دجیل اقدام به آبرسانی به مشهد کاظمین کرد. پیش‌تر اهالی و زوار مجبور بودند برای دسترسی به آب، یا چاه بکنند، یا مسافت‌های طولانی بپیمایند. «(۱)»

حرم در آتش

با قدرت یافتن سلاجقه، آل‌بویه که در بحبوحه نزاع‌های خانوادگی، شکوه گذشته خود را از دست داده بودند، به انتهای قدرت خود رسیدند. ابوکالیجار، سلطان بویه‌ای، به ناچار در سال ۴۳۹ ه. ق. با طغرل صلح کرد و دیالمه عراق تابع سلجوقی‌ها شدند.

گروهی از سنّیان متعصب، در سال ۴۴۳ ه. ق. در یک درگیری با شیعیان به داخل حرم هجوم برده، چراغ‌های طلا، نقره، پرده‌ها و دیگر اشیای قیمتی حرم را غارت نمودند. دامنه غارت، آرامگاه‌ها و ساختمان‌های مربوط به حرم را فرا گرفت. فردای آن روز، فتنه‌گران، با جمعیتی بیش‌تر، به حرم حمله برده، تمامی آرامگاه‌ها

۱- موسوعهٔ العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۱۰۹، تاریخ حرم کاظمین، ص ۲۹- ۲۸، تاریخ کاظمین، ص ۸۲- ۸۱، الجغرافیهٔ الاجتماعیهٔ لمدینهٔ الکاظمیهٔ، ص ۳۲

ص: ۳۸

را آتش زدند. آتش، ضریح و گنبدهای چوبی حرم را هم در خود فرو برد. «(۱)» هبةالدّین،- رئیس مبلّغان فرقه فاطمی- (م ۴۷۰ ه. ق.) در این باره شعری سرود که ترجمه آن چنین است:

«چرا این آسمان خشک نمی‌شود. چرا کوه‌ها به حرکت در نمی‌آیند و چرا خورشید و ستارگان تاریک نمی‌گردند و آنچه در زیر آسمان است، چرا در زمین فرو نمی‌رود؟ چرا زمین نمی‌شکافد، آن را چه می‌شود که آرامش دریاها را به هم نمی‌زند؟ چرا به دنبال اشک‌چشم، خونابه جاری‌نمی‌شود تا رودها را در خود غرق کند؟ قبر موسی بن جعفر شکافته شد. پس‌قیامت کی‌به پامی‌شود؟ حریم او با آتش شعله‌ور می‌شود. در حالی که آتش بر زائر او حرام است.» «(۲)»

روز انتقام

در ذی‌حجه سال ۴۵۰ ه. ق. هنگامی که طغرل در شورش برادرش، ابراهیم ینال، در همدان گرفتار بود و

۱- موسوعة العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۹۶- ۹۷ و تاریخ حرم کاظمین، ص ۲۹- ۳۰

۲- تاریخ حرم کاظمین، ص ۳۱- ۳۲ به نقل از دیوان هبةالدین، ص ۲۵۶

ص: ۳۹

بغداد از سپاهیان ترک خالی شد، بساسیری «(۱)» به همراه قریش بن بدران، به بغداد حمله آورد و به آسانی آن را فتح نمود.

روز فتح بغداد، پیشاپیش سپاه بساسیری، پرچم‌های سفید مصری در اهتزاز بود. بر بالای سر بساسیری، هم علم‌هایی افراشته بود که نام مستنصربالله، خلیفه فاطمی، مصر بر آن نوشته شده بود. «(۲)» ورود بساسیری مورد استقبال شیعیان قرار گرفت.

آزادی عمل شیعیان بالا گرفت و در تمامی عراق، در اذان «حی علی خیرالعمل» گفته شد. بساسیری از عاملان آتش‌سوزی در حرم کاظمین انتقام گرفت و عدالت را در شهر برقرار نمود. «(۳)» به گفته برخی محققان، بساسیری در طول یک سال

۱- بساسیری مورد علاقه سید مرتضی بود و در سال ۴۳۹ ه. ق. اقدام به بنای گنبدی بر مرقد عسکریین در سامرا کرد. بساسیری با آل‌مزید، حاکمان شیعی حله نیز پیوند خویشاوندی داشت و با آنان هم‌پیمان بود. او توانست نزد خلیفه وقت ارج و قرب بالایی بیابد تا حدی که به نام او در منابر عراق خطبه می‌خواندند، اما رفته رفته بین او و خلیفه اختلافی پیش آمد. پس از آن، بساسیری با خلفای فاطمی مصر ارتباط برقرار کرد

۲- البدایهٔ والنهایهٔ، ج ۱۲- / ۱۱، ص ۱۰۳- / ۸۵؛ دائرةالمعارف، ج ۵، ص ۴۱۰؛ اعیان‌الشیعه، ج ۳، ص ۵۶۶- ۵۶۵ به نقل از مجالس‌المؤمنین

۳- همان، ج ۱۲، ص ۹۸- ۹۶

ص: ۴۰

حکومتش، حرم را که در طول شورش‌ها آسیب فراوانی دیده بود، مرمت کرد. «(۱)» دو صندوق چوبی جدید، بر هر یک از مرقدهای شریف گذاشته شد و گنبدی از ساج بر پایه‌های چوبی از همان جنس بنا گردید و حرم که پیش‌تر دارای دو گنبد بود یک گنبدی گشت. از طرف جنوب مشهد هم تالاری بزرگ به همراه مسجد و مأذَنَه ساخته شد. «(۲)»

مَجدُالمُلک

در سال ۴۶۶ ه. ق. رود دجله طغیان کرد. این طغیان بزرگ که با توفان همراه بود، مشهد را در آب فرو برد و به دیوارهای آن، و قسمتی از ساختمان‌ها آسیب رساند. «(۳)» با حضور فردی شیعی چون مجدالملک، ابوالفضل براوستانی قمی، در پست وزارت برکیارق بن ملکشاه سلجوقی، حرم کاظمین، همچون دیگر مشاهد ائمه، مورد توجّه قرار گرفت. در سال ۴۹۰ ه. ق. مجدالملک دستور بازسازی حرم کاظمین را داد.

۱- تاریخ حرم کاظمین، ص ۳۳ به نقل از مشهد الکاظمین، ص ۷

۲- موسوعة العتبات، ج ۹، ص ۱۶۵ به نقل از تاریخ الامامین، ص ۶۲- تاریخ حرم کاظمین، ص ۳۲ به نقل از صدی الفؤاد، ص ۱۲- ۱۳، تاریخ کاظمین، ص ۸۹

۳- همان، ج ۹، ص ۱۲۰- ۱۲۱ به نقل از المنتظم، ج ۹، ص ۲۸- ۲۹، تاریخ کاظمین، ص ۹۲- ۹۴

ص: ۴۱

حرم با بنایی محکم دوباره ساخته شد و دیوارهایش باکاشی زینت یافت. دو صندوق چوبی از ساج بر روی دو قبر شریف گذاشته شد و مسجدی که در شمال حرم قرار داشت، تعمیر گشت. هم‌چنین دو مناره بلند هم برای مشهد احداث گردید. در کنار حرم نیز استراحتگاه بزرگی که اتاق‌هایی در آن وجود داشت، برای زائران فراهم آمد. این بازسازی، تا سال ۵۱۷ ه. ق. پایدار ماند. «(۱)» در عاشورای ۵۱۷ ه. ق. با ورود پیروزمندانه مُستَرشِدُ باللّه که به جنگ امیر شیعی حلّه، دبیس بن صدقه، نورالدوله، رفته بود، در بغداد جشنی برپا شد.

عده‌ای نیز از این فرصت استفاده کرده و در هجومی جمعی، به غارت مشهد کاظمین پرداختند. آن‌ها پنجره‌های حرم را کندند و گنجینه‌ها و نفایس آن را ربودند. با مطلع شدن علویان که در خانه‌های خود مراسم سوگواری را انجام می‌دادند، آن‌ها به دیوان خلافت شکایت بردند و خلیفه هم پس از اطلاع از این رویداد، در ضمن دستوری، این غارت را محکوم کرد و نظرخادم را به آن‌جا فرستاد تا غارتگران را به مجازات رساند. نظرخادم به مشهد رفت و فرمان خلیفه را اجرا نمود. او هم‌چنین توانست بعضی از

۱- موسوعهٔ العتبات المقدسهٔ، ج ۹، ص ۱۶۵- ۱۶۶، به نقل از تاریخ الامامین، ص ۶۳، تاریخ حرم کاظمین، ص ۳۴، تاریخ کاظمین، ص ۹۴- ۹۵

ص: ۴۲

اموال به غارت رفته حرم را بازگرداند. «(۱)»

خلافت ناصر

در ۵۵۴ ه. ق. طغیان آب دجله، بغداد را به زیر آب برد.

از این سیل، کاظمیه هم در امان نماند. «(۲)» در ۵۶۹ ه. ق. باز طغیان دجله مسأله‌ساز شد. سیل، باعث بسته شدن راه منطقه حربیه به حرم گردید. مردم کاظمیه با بیل و کلنگ از شهر بیرون شتافتند تا با احداث سدی خاکی، شهر و حرم را از آسیب نگه دارند. اما با بالا آمدن بیش‌تر آب، این سد هم نتوانست کاری انجام دهد. «(۳)» با شروع خلافت ناصر لدین‌اللّٰه از ۵۷۵ ه. ق. بغداد، شاهد تغییر مهمی در سیاست سنتی خلافت عباسی شد. او نسبت به شیعیان توجّه بیش‌تری نمود؛ چنان‌که برخی از مورخان او را دارای گرایش شیعی دانسته‌اند. منطقه کاظمیه، به خصوص مشهد آن، در دوران حکومت ناصر، به سرعت در مسیر توسعه و ترقی حرکت خود را ادامه داد.

از اولین کارهایی که ناصر به آن دست زد، تعمیر مشهد

۱- موسوعة العتبات المقدسة، ج ۹، ص ۱۲۱ به نقل از المنتظم، ج ۹، ص ۲۴۳، تاریخ حرم کاظمین، ص ۳۵، تاریخ کاظمین، ص ۹۶

۲- همان، ج ۹، ص ۱۹۰- تاریخ حرم کاظمین، ص ۳۵

۳- . همان، ص ۱۶۵- ۱۶۶ به نقل از تاریخ الامامین، ص ۶۴، تاریخ کاظمین، ص ۹۷- ۹۸

ص: ۴۳

کـاظمی بـود. این تعمیر، بـا نظـارت وزیر قمی او، مؤیدالـدّین محمّـد بن محمّـد، انجـام گرفت. صـندوق چوبی زرانـدود شـده‌ای بر مرقدهای شریف گذاشتند؛ رواق و تالاری از نو بنا گردید و به بهترین شکل تزیین شد. صحن هم به نوبه خود، توسعه پیدا کرد و بر تعـداد حجره‌های پیرامون آن، افزوده گشت. گلدسـته‌های موجود در حرم هم تزیین شدنـد. از جمله اقـداماتی که ناصـر برای منطقه کاظمیه انجام داد، ایجاد دیوار محله کاظمیه بود؛ چون دیواری که مشـهد در پیرامون خود داشت، برای حفظ آن از دست غارتگران و جلوگیری از طغیان‌های دجله کافی به نظر نمی‌آمد. ناصـر همچنین دارالایتامی را در راسـتای صـحن شـریف بنا گذاشت. مایحتاج این دارالایتام، از طرف خود خلیفه تأمین می‌شد.

در ایام ناصـر، مشـهد منطقه امن قرار داده شد و هرگاه مجرمان و افراد نیازمند به آن‌جا پناه می‌بردند، به دستور خلیفه از جرایم آن‌ها گذشت می‌شد و نیازمندی‌های فقرا هم برآورده می‌گردید. «(۱)» در سال ۵۹۷ ه. ق. خلیفه ناصر، سید نصیرالدّین ناصر

۱- موسوعهٔ العتبات المقدسهٔ، ج ۹، ص ۱۶۶ به نقل از تاریخ الامامین، ص ۶۵- موسوعهٔ العتبات المقدسهٔ، ج ۱۰، ق ۱، ص ۱۰۶ به نقل از مختصر الخلفا، ص ۱۱۲- ۱۱۱- تاریخ حرم کاظمین، ص ۳۶ به نقل از صدی الفواد، ص ۱۳- تاریخ کاظمین، ص ۹۹

ص: ۴۴

ابن مهدی علوی رازی را که از اهالی مشهد موسی بن جعفر علیه السلام بود، به وزارت خود گمارد. «(۱)» در سال ۶۰۴ ه. ق. در ماه رمضان، ناصر فرمان داد که خانه‌هایی در محله‌های بغداد، از جمله کاظمین، ساخته شود. هدف از ایجاد این خانه‌ها، دادن افطاری به فقرا بود و به همین جهت به آن‌ها دارالضیافه می‌گفتند.

در سال ۶۰۸ ه. ق. به دستور خلیفه، در حجره‌های صحن شریف کاظمی، مدرسه علمیه به پا شد. ناصر که می‌کوشید بین شیعه و سنی به جای کدورت‌های گذشته، انس و الفت برقرار شود، مُسْنَد احمد بن حنبل را- که از معتبر ترین کتاب‌های اهل سنت شمرده‌می‌شود-، جزو کتب درسی قرار داد که توسّط علی صفی‌الدّین محمّد بن معدالموسوی، فقیه امامی، تدریس می‌شد. گروهی از اندیشمندان و فقها هم برای پیشرفت این مدرسه کتاب‌های زیادی وقف کردند. هم‌چنین از طرف ناصر، برای طلاب مدرسه، کمک هزینه‌ای تعیین شد. «(۲)» ناصر در آخرین شب رمضان ۶۲۲ ه. ق. وفات کرد و پسرش ظاهر به خلافت رسید. در ابتدای حکومت ظاهر،

۱- موسوعهٔ العتبات المقدسهٔ، ج ۹، ص ۱۲۳ به نقل از مرآهٔ الزمان، ج ۸، ق ۱، ص ۴۷۶

۲- همان، ج ۹، ص ۱۲۳ و ص ۱۶۷- تاریخ حرم کاظمین، ص ۳۷- تاریخ کاظمین، ص ۱۱۰- ۱۱۱

ص: ۴۵

در کاظمین آتش‌سوزی بزرگی اتفاق افتاد. آتش به صندوق‌ها، ضریح و گنبد شریف سرایت کرد. خلیفه ظاهر، بعد از آتش‌سوزی، تعمیرات حرم را آغاز نمود امّا عمرش وفا نکرد و در سال ۶۲۳ ه. ق. چشم از جهان فرو بست. «(۱)»

آخرین خلیفه

مستنصر، فرزند ظاهر، در سال ۶۲۳ ه. ق. به خلافت رسید. تعمیرات حرم که ناتمام مانده بود، با نظارت احمد جمال‌الدّین تداوم یافت. گنبدی نو به شکل مخروطی بر حرم افراشته شد؛ گلدسته‌ها تکمیل شد و تالار و صحن حرم توسعه پیدا کرد؛ دو صندوق چوبی زیبا و منبت‌کاری شده بر روی قبرها گذاشته شد. اکنون یکی از آن‌ها که بر قبر امام موسی بن جعفر علیه السلام گذاشته می‌شد، در موزه آثار عربی بغداد نگهداری می‌شود. «(۲)» بعد از بازسازی‌هایی که مستنصر در کاظمیه انجام داد، علت عمده‌ای که در اواخر خلافت عباسی باعث توسعه و عمران کاظمیه گردید، این بود که معتصم- آخرین خلیفه عباسی- فرمان داد از برگزاری مراسم سوگواری محرّم در تمامی شهرهای عراق به جز مشهد کاظمین جلوگیری شود.

این مسأله موجب شد که توجّه شیعیان نسبت به سکونت در

۱- موسوعهٔ العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۱۰۶- تاریخ کاظمین، ص ۱۱۱

۲- تاریخ حرم کاظمین، ص ۳۹- تاریخ کاظمین، ص ۱۱۲- ۱۱۱

ص: ۴۶

کاظمیه، معطوف گردد و گسترش جمعیت نیز به نوبه خود عمران و آبادی کاظمیه را به همراه آورد. «(۱)» در شوال ۶۴۶ ه. ق. باز رودخانه دجله طغیان کرد. بر اثر این حادثه، قسمتی از دیوار حرم کاظمین فرو ریخت. «(۲)» در ذی‌حجه همان سال بار دیگر خروش دجله بغداد غربی را به زیر آب برد و تمام حرم زیر آب رفت؛ به گونه‌ای که تنها قسمتی از گنبد حرم پیدا بود. امّا این سیل تنها باعث از دست رفتن تزیینات داخلی حرم گردید. «(۳)» معتصم، دستور بازسازی حرم را داد. هنگام مرمت دیوارهای حرم، ظرف سفالینی پیدا شد که در آن هزار درهم قدیمی به چشم می‌خورد. شماری، از سکّه‌ها یونانی، و شماری، سکه‌های ضرب شده عهد اسلامی بودند. سکّه‌های ضرب بغداد و واسط، مربوط به سال ۱۳۰ ه. ق. در میان این گنجینه وجود داشت. خلیفه دستور داد، از این سکه‌ها، در تعمیر حرم استفاده شود. مردم سکّه‌ها را به بالاترین قیمت خریدند. شماری از سکّه‌ها به بزرگان هدیه شد و در عوض، آنان نیز برای بازسازی حرم کمک‌های شایان نمودند. «(۴)»

۱- موسوعهٔ العتبات المقدسهٔ، ج ۹، ص ۱۰۶- تاریخ کاظمین، ص ۴۲- ۴۱

۲- همان، ج ۹، ص ۱۱۰

۳- . همان، ج ۱، ص ۱۱۰

۴- همان- تاریخ حرم کاظمین، ص ۴۲

ص: ۴۷

عهد مغول

بغداد سال ۶۵۶ ه. ق. در آتش خشم مغول سوخت.

هشتصد هزار شیعه و سنی کشته شدند و ویرانی عظیمی به جا ماند. هنگامی که نبرد برای تسخیر شهر بغداد ادامه داشت، هولاکو فرمان داد که منجنیق‌ها کاظمین را هدف قرار دهند. حرم طعمه حریق شد و خساراتی دید. حرم کاظمین تنها حرمی بود که در هجوم مغولان به عراق آسیب دید. چون با اقداماتی که گروه اعزامی شهر حلّه به دربار هولاکو انجام دادند، توافق شد که نجف، کربلا و دیگر مشاهد، از خطر حمله مغولان، در امان باشند. «(۱)» این مظلومیت مشهد کاظمیه، گواه صادقی است بر این‌که نقش خواجه نصیرالدین طوسی که بعد از آزادی از اسارت اسماعیلیه، در اسارت دیگری گرفتار آمده بود، در بارگاه مغولان اندک بود و در واقع، تأثیر خواجه بر هولاـکو در مرحله بعد صورت گرفت و در ابتدای امر وجود نداشت. «(۲)» امیر قراتای مغول، سید عمادالدّین عمر بن محمّد قزوینی را که مردی با دین و منصف بود، جانشین خود ساخت. قزوینی هم شهاب‌الدّین علی بن عبداللّه را به

۱- موسوعة العتبات المقدسة، ج ۹، ص ۲۱۷- ۲۱۶

۲- تاریخ تشیع در ایران، ص ۳۶۲ به نقل از البدایة و النهایه، ج ۱۳، ص ۲۶۸- ۲۶۷

ص: ۴۸

ریاست اوقاف تعیین نمود و دستور بازسازی مسجد جامع خلیفه و حرم امام کاظم علیه السلام را داد. «(۱)» در سال ۶۵۷ ه. ق. از طرف هولاکو این کار به علاءالدّین عطا ملک جوینی واگذار شد. جوینی که شیعی بود، در زمره اولین اقدامات خود، تعمیر و بازسازی حرم مطهر کاظمین را قرار داد. رواق، روضه، صحن و دیوارهای حرم به کاشی‌های زیبای معرق و بسیار نفیس آراسته شد. نمونه این کاشی‌ها، ممکن است کاشی‌هایی باشد که در موزه آستانه قم موجود بوده و عکس سه سوار مغول بر آن‌ها نقش شده است.

شیعه بودن اکثر وزرای ایلخانان، نفوذ خواجه نصیرالدّین طوسی بر اوقاف و نقابت آل‌طاووس، دلایلی هستند که گویای استحکام و زیبایی ساختمان حرم و شکوفایی توسعه کاظمین در این دوران است. «(۲)» جوینی در سال ۶۷۱ ه. ق. وفات کرد و بعد از آن که خواجه نصیرالدین طوسی بر او نماز گزارد، در یکی از ایوان‌های رواق غربی دفن شد. در ۱۸ ذی‌حجه همین

۱- تاریخ حرم کاظمین، ص ۵۶- ۵۵ به نقل از جامع التواریخ، ج ۲، ص ۲۹۳، موسوعة العتبات المقدسة، ج ۹، ص ۲۱۹ به نقل از الحوادث الجامعة، ص ۲۳۳

۲- موسوعة العتبات المقدسة، ج ۹، ص ۱۶۸، به نقل از تاریخ الامامین، ص ۷۱- تاریخ کاظمین، ص ۱۱۹- ۱۱۸

ص: ۴۹

سال، خواجه نصیرالدین طوسی حیات را بدرود گفت و در حرم کاظمین دفن گردید.

در سال ۷۲۵ ه. ق. دجله طغیان کرد و کاظمیه در آب فرو رفت. در این طغیان، مشهد آسیب‌هایی دید که در سال ۷۲۶ ه. ق. از طرف سلطان ابوسعید دستور مرمت آن داده شد. «(۱)» از کاظمین و مشهدش، در نوشته برخی از سیاحان ومورخان هم‌عصر با ایلخانان، و کمی بعدتر، گزارش‌های کوتاهی به چشم می‌خورد.

ابن‌خلکان (م ۶۸۰ ه. ق.) در وفیات الاعیانش، در شرح امام موسی بن جعفر علیه السلام، در یاد کردش از کاظمین، از حرم آن، سخن به میان آورده و گفته است:

«قبر ایشان در آن‌جا مشهور بوده و زیارتگاه است.

حرم باشکوه و بزرگی آن‌جاست که دارای چراغ‌هایی از طلا و نقره و انواع وسایل و فرش‌های کمیاب است.» «(۲)» ابن‌بطوطه سیّاح، در توصیف دیدار خود از شهر بغداد در تاریخ ۷۲۷ ه. ق. از کاظمین یاد کرده و گفته است:

«در این طرف [غرب بغداد]، قبر موسی بن جعفر علیه السلام،

۱- تاریخ کاظمین، ص ۱۱۹

۲- وفیات الأعیان، ج ۴، ص ۳۹۵ به نقل از تاریخ حرم کاظمین، ص ۵۰

ص: ۵۰

پدر علی بن موسی‌الرضا علیه السلام، بوده و در کنار آن، قبر حضرت جواد علیه السلام قرار دارد. روی این دو قبر، ضریح چوبی کار گذاشته شده؛ سطح آن را با ورق‌های نقره پوشانیده‌اند.» «(۱)» ابوالفداء (م ۷۳۲ ه. ق.) ضمن شرح حال امام کاظم علیه السلام در تاریخ خود سخنی درباره کاظمین دارد:

«قبر [امام] کاظم [علیه السلام] در آن‌جا مشهور و معروف است. حرم بزرگی دارد و در غرب بغداد واقع است.» «(۲)»

سلطان اویس

در سال ۷۶۵ ه. ق. دجله طغیان کرد و بغداد در آب فرو رفت؛ در مشهد کاظمین آب به راه افتاد و آسیب‌هایی جدی به آن وارد شد. مشهد به این حال باقی ماند تا این که سلطان اویس جلایری در سال ۷۶۹ ه. ق. دستور مرمت آن را صادر کرد؛ رواق و صحن در ضمن این بازسازی تعمیر گردید و مهمانسرایی برای استراحت زائران ساخته شد؛ بر روی مرقدهای شریف هم دو صندوق خاتم گذاشته شد که دارای نقوش زیبا و کتیبه‌های برجسته‌ای از آیات قرآنی و

۱- تاریخ حرم کاظمین، ص ۵۷، به نقل از رحله ابن‌بطوطه، ج ۱، ص ۱۴۱

۲- همان منبع، ص ۵۸ به نقل از تاریخ ابی‌الفداء، ج ۲، ص ۱۶

ص: ۵۱

غیر آن بود. برخی گفته‌انـد این دو صـندوق بر روی صـندوق‌های مستنصـری گذاشـته شـد؛ هم‌چنین روضه شـریف با کاشـی تزیین گشت و دو گنبـد و دو منـاره بلنـد برای آن ساخته شـد. سـلطان اویس علاوه بر این کارها، اموال زیادی را بین خـدمتگزاران حرم و فقرایی که سـاکن کـاظمیه بودنـد، پرداخت نمود و خانه‌هـایی نیز برای‌شـان ساخت. با اقـدامات سـلطان، کلیه ساختمان‌های حرم که احتیاج به مرمت داشت، اصلاح شدند. «(۱)»

آغاز درخشش

با ورود پیروزمندانه شاه اسـماعیل صفوی به بغداد در بیست و پنجم جمادی‌الثانی ۹۱۴ ه. ق. این شـهر از دست ترکمن‌ها خارج شد. در همین سال، شاه اسـماعیل مسؤولیت تعمیر و مرمت مشـهد امام موسـی کاظم علیه السـلام را بر عهده امیر دیوان، خادم بیک، قرار داد.

اصلاحات انجام گرفته از طرف شاه اسماعیل، فراوان بود و تا سال ۹۳۵ ه. ق. ادامه یافت. این اصلاحات عبارت بودند از:

۱. تمامی بنای قدیمی حرم فرو ریخته شد و روضه، رواق و صحنی نو ایجاد شد.

۱- موسوعهٔ العتبات المقدسهٔ، ج ۹، ص ۱۶۹ به نقل از تاریخ الامامین، ص ۷۲- ۷۱- تاریخ حرم کاظمین، ص ۶۰- ۵۹

ص: ۵۲

۲. گنبدهای زیبای جدیدی ساخته شد و با کاشی‌های رنگارنگ آراسته گردید.

۳. به جای دو مناره، چهار مناره بنیان گذاشته شد و مناره‌ها تا سطح بام حرم بالا آمد.

۴. دیوارهای حرم از جهت بیرونی و درونی با کاشی‌های الوان تزیین شد.

۵. مسجدی که امروزه به مسجد صفوی مشهور است در شمال حرم به وجود آمد.

۶. صحن توسعه یافت و حجره‌هایی برای طلاب و زوار در آن تعبیه گردید.

۷. درهای حرم و رواق نقره‌پوش گردید و دو صندوق خاتم جدید بر روی مرقدهای شریف کار گذاشته شد.

۸. چراغ‌آویزهای طلایی و نقره‌ای در حرم آویخته شد و روضه و راهروهای آن با فرش‌های گران‌قیمت مفروش شد. «(۱)»

اتراک در کاظمین

سلطان سلیمان قانونی در ۲۴ جمادی‌الاول ۹۴۱ ه. ق. با شکست دادن نیروهای شاه طهماسب صفوی، بغداد را به

۱- موسوعهٔ العتبات المقدسهٔ، ج ۹، ص ۱۲۹ به نقل از تاریخ العراق بین الاحتلالین، ص ۳۴۲- تاریخ حرم کاظمین، ص ۷۴- ۶۱- تاریخ کاظمین، ص ۱۲۱

ص: ۵۳

تصرف در آورد. سلطان عثمانی به هنگام زیارت خود از کاظمین، دستور داد کاستی‌هایی را که در بنای حرم به چشم می‌خورد، اصلاح کنند. «(۱)» منبر آجری نیز در زمان حکومت وی در گوشه جنوب غربی مقصوره جامع صفوی ساخته شد. این منبر کاشی‌کاری شده که در سال ۹۴۱ ه. ق.

ساخت آن به پایان رسید، در هر جمعه مورد استفاده سخنرانان قرار می‌گرفت. «(۲)» در سال ۹۷۸ ه. ق. ساختمان مناره‌ای که در شمال شرقی حرم واقع است، تمام شد. این مناره، به دستور سلطان سلیم عثمانی، ساخته شد.

ضریح فولادی

بغداد در ۲۳ ربیع‌الاول ۱۰۳۲ ه. ق. در زمان شاه عباس کبیر، بار دیگر، در سیطره حکومت صفوی قرار گرفت. در همین اوان او دستور ساخت، ضریحی فولادی را برای مرقدهای شریف کاظمین داد تاآن‌ها را از دست اندازی های غارتگران مصون دارد.

با تسلّط دوباره عثمانی‌ها بر عراق، فرصتی نشد تا مراسم اهدای این ضریح فولادی انجام گیرد. تا این‌که در

۱- موسوعهٔ العتبات المقدسهٔ، ج ۹،، ص ۱۳۰ به نقل از تاریخ العراق بین الاحتلالین، ج ۴، ص ۳۵- ۳۴

۲- تاریخ کاظمین، ص ۱۲۳- ۱۲۲

ص: ۵۴

سال ۱۱۱۵ ه. ق. این ضریح که با کاروانی بزرگ از دانشمندان دینی و وزرا به رهبری شیخ‌الاسلام، شیخ جعفر کمره‌ای، همراهی می‌شد، از ایران به کاظمین انتقال یافت.

ضریح، بسیار بزرگ و با شکوه بود. جملاتی از سوره دهر و آیات دیگری از قرآن مجید و قطعات شعری، بر آن برجسته شده بود.

هنگام نصب ضریح، جشنی بزرگ برپا شد و هزاران ایرانی و عراقی در آن حاضر شدند. «(۱)»

غارت حرم

بغداد بار دیگر در ۲۳ شعبان ۱۰۴۸ ه. ق. به دست سلطان مراد عثمانی افتاد. وی فرمان داد: «هر کجا ایرانی‌ها را یافتید، آن‌ها را بکشید.» بسیاری از آن‌ها که پیش از این به پادگان ارتش عثمانی پناه آورده بودند، کشته شدند. در بین کشته‌شدگان، ۳۰۰ زائر وجود داشت که در آن ایام به زیارت کاظمین آمده بودند. بعد از این کشتار، لشکریان عثمانی به کاظمیه هجوم بردند و به غارت حرم پرداختند.

در این هجوم چراغ‌آویزهای طلا و نقره و اشیای قیمتی حرم به تاراج رفت. «(۲)»

۱- موسوعة العتبات المقدسة، ج ۹، ق ۱، ص ۱۷۱- تاریخ حرم کاظمین، ص ۷۹- ۷۸

۲- لمحات اجتماعیة من تاریخ العراق الحدیث، ج ۱، ص ۱۱۴- موسوعة العتبات المقدسة، ج ۹، ص ۱۷۱

ص: ۵۵

هدایای نادر

حسن پاشا، والی عراق در سال ۱۱۱۱ ه. ق. از طرف عثمانی‌ها به بازسازی در حرم مطهر پرداخت و سقف‌های حرم را مرمت و تزیین کرد. «(۱)» در سال ۱۱۵۳ ه. ق. نادرشاه هدایای ارزشمندی را توسّط یکی از امیرانش برای مکان‌های مقدس فرستاد. والی بغداد بعد از ثبت هدایای مذکور اجازه داد که نماینده حکومت ایران آن را در مکان‌های تعیین شده قرار دهد. «(۲)»

اصلاحات قاجار

در سال ۱۲۰۷ ه. ق. به امر محمّد شاه قاجار، تعمیراتی در حرم انجام گرفت. این تعمیرات عبارت بودند از:

۱. طلاکاری گنبدهای حرم و سرمناره‌های آن.

۲. سه گلدسته بزرگ حرم که تا بام حرم بیش‌تر ارتفاع نداشتند، به سطح گلدسته‌ای که توسّط سلطان سلیم تکمیل شده بود، رسانده شد و همه گلدسته‌ها سقف‌دار شدند.

۳. با خرید خانه‌های اطراف حرم، صحن از قسمت جنوب و غرب توسعه یافت.

۴. ایوان صفه که در مسیر رواق جنوبی قرار دارد،

۱- تاریخ کاظمین، ص ۱۲۵

۲- موسوعهٔ العتبات المقدسهٔ، ج ۹، ص ۱۲۶ به نقل از دوحهٔ الوزرا، ص ۴۶- تاریخ حرم کاظمین، ص ۸۱

ص: ۵۶

طلاکاری شد.

۵. سطح رواق و روضه با مرمر سفید جذابی مفروش گشت. «(۱)» در سال ۱۲۳۱ ه. ق. به دستور فتحعلی شاه، کاشی‌های بسیار نفیس عصر شاه اسماعیل صفوی از دیوارهای داخلی حرم کنده شد و به جای آن شیشه‌های کوچک گذاشتند. این آیینه‌کاری هر چند باعث فزونی درخشش ظاهری حرم شد، ولی ارزش هنری کاشی‌های صفوی را نداشت. «(۲)» فتحعلی شاه دستور طلاکاری گنبد و مناره‌های حرم را داد. طلای لازم برای این کار از بازمانده طلای قدیمی بارگاه امام حسین علیه السلام فراهم گردید. سطح داخلی گنبدهای حرم نیز با مینیاتورهای زیبا، آب طلا و انواع رنگ‌های جذاب آراسته شد. «(۳)» ناصرالدّین شاه در سال ۱۲۷۰ ه. ق. شیخ‌العراقین را به عراق فرستاد تا بر بازسازی عتبات نظارت کند. کار بازسازی حرم کاظمین با اتمام اصلاحات در کربلا و سامرا، در تاریخ ۱۲۸۱ ه. ق. آغاز شد. این تعمیرات عبارت بودند از: محکم‌سازی پایه‌های حرم، تجدید بنای سطح بیرونی دیوار و کاشیکاری حرم؛ هم‌چنین دو دکه بزرگ در جلو

۱- تاریخ حرم کاظمین، ص ۸۲- ۸۱- تاریخ کاظمین، ص ۱۲۶- ۱۲۵

۲- همان

۳- همان، ص ۸۳

ص: ۵۷

حرم که از دو طرف جنوبی و شرقی به آن متصل بودند، با نمای سنگ مرمر ساخته شد. در داخل دکه‌ها جاهایی برای نگهداری اثاثیه زائران و اطاق‌هایی برای آنان به وجود آمد. «(۱)»

مدحت پاشا

با افزایش چشمگیر زوّار کاظمین، و کافی نبودن وسایل حمل و نقل بین بغداد و کاظمین، مدحت پاشا حکمران عثمانی در عراق، در سال ۱۲۸۹ ه. ق. بر آن شد که خط راه آهنی به طول ۷ کیلومتر بین بغداد غربی و کاظمیه ایجاد کند. «(۲)» مدحت پاشا اصلاحاتی در ساختار حکومتی کاظمیه به عمل آورد. با ضمیمه شدن مناطق مجاور به کاظمیه، این شهر از نظر اداری وسعت یافت و شهرستانی که شهر کاظمیه مرکز آن بود، به وجود آمد. این شهرستان در استان بغداد قرار داشت. «(۳)»

۱- تاریخ حرم کاظمین، ص ۹۵

۲- موسوعة العتبات المقدسة، ج ۱۰، ص ۲۵۳- ۲۵۲ و ص ۱۳۶ به نقل از تاریخ العراق بین الاحتلالین، ج ۷، ص ۲۴۱- ۲۴۰، ایجاد این خط، از نوترین دستاوردها در زمینه حمل و نقل در شرق شمرده می‌شد، اما با گسترش وسایل حمل و نقل ماشینی، به تدریج واگن اسبی از رونق افتاد و در سال ۱۳۶۳ ه. ق. به فعالیت آن خاتمه داده شد

۳- همان، ص ۲۵۲- ۲۵۳

ص: ۵۸

فرهاد میرزا

بـا پایـان گرفتن قرن دوازدهم، حرم در اوج شـکوه و هنر قرار گرفته بود. امـا صـحن خاکی آن، با دیواری از آجر معمولی و حوض آبی که در وسـط صـحن قرار داشت، حرم را گـل‌آلود کرده و به آن آسـیب می‌رسانـد و مـانعی برای برقراری نمـاز جماعت بود. تا این‌که فرهـاد میرزا، عموی ناصـرالدّین شـاه، هزینه ساخت و اجرای طرح بزرگ و عظیم صـحن را به عهـده گرفت. این طرح در ۱۷ ذی‌قعده ۱۲۹۶ ه. ق. شروع شد. طرح، شامل قسمت‌های زیر بود:

۱. ساختن سرداب‌هایی در طبقه زیرین صحن برای دفن مردگان.

۲. ایجاد دیوارهای دو طبقه برای صحن. طبقه اول این دیوارها مشتمل بر اتاق‌ها و ایوان‌های کوچک بود.

طبقه دوم هم دارای دیوار بلندی بود که چند اطاق جدا از هم در آن وجود داشت و حصار بر آن تکیه می‌کرد.

۳. سنگ‌فرش کردن کف صحن با سنگ‌های سیاه‌تراش ایرانی.

۴. ایجاد دو ستون بزرگ در طبقه دوم صحن، برای نصب دو ساعت بزرگ بر فراز ایوان‌های داخلی سر در شرقی و جنوبی.

ص: ۵۹

قرن سیزده

در سال ۱۳۰۲ ه. ق. در زمان حکمرانی «مشیر هـدایت پاشا»، پلی چوبی بین شـهر کاظمیه و محلّه اعظمیه که در شـمال غربی بغداد شرقی قرار داشت، احداث شد. در سال ۱۳۱۷ ه. ق. بنای سرای کاظمیه پایه‌گذاری شد.

در روز پنجشنبه ۱۷ جمادی‌الثانی سال ۱۳۲۴ ه. ق.

اولین ضریح نقره‌ای بر مرقد شریف کاظمین گذاشته شد.

مخارج ساخت این ضـریح را سلطان بیگم، دختر مشیرالدوله بر عهده گرفتند. مقدار نقره به کار رفته در این ضریح، بالغ بر ۲۵۰۰۰۰ مثقال بود و هزینه آن تا نصب ۵۰۰۰۰ تومان شد.

ص: ۶۰

ص: ۶۱

بخش سوم کاظمین در چشمان یک زائر

اشاره

این بخش در دو قسمت ارائه شده است: قسمت نخست، نگاه کوتاهی دارد به زندگی دو امام بزرگوار، امام موسی کاظم علیه السلام، و امام جواد علیه السلام و قسمت دیگر هم نگاهی دارد به وضع کنونی حرم و شمه‌ای از آداب آن.

فصل اوّل: نگاهی کوتاه به زندگی دو امام علیهما السلام

باب الحوائج

حضرت کاظم علیه السلام روز یکشنبه، هفتم صفر ۱۲۸ ه. ق.

در ابواء، منزلی بین مکه و مدینه، به دنیا آمد. مادر بزرگوار آن حضرت کنیزی به نام حمیده بود. او درجاتی از فرزانگی را دارا بود؛ چنان‌که حضرت صادق علیه السلام زنان را برای فراگیری علوم شرعی به نزد او می‌خواند.

نام حضرت، موسی، و کنیه مشهورشان، ابوالحسن و

ص: ۶۲

ابوابراهیم است. لقب‌هایش عبارتند از: کاظم، صالح، باب الحوائج، صابر و ... کاظم به معنای فرو برنده خشم است؛ زیرا آن حضرت دشمنانش را با آن که بر او ستم روا می‌داشتند، هیچ‌گاه نفرین نمی‌کرد. به گفته ابن‌اثیر، مورخ نامی، آن حضرت به کسانی که به او بدی می‌نمودند، خوبی روا می‌داشت و این، رویه همیشگی آن حضرت بود ... در عراق، آن حضرت به باب الحوائج معروفند؛ زیرا هر که توسّلی به حضرتش نموده، به حاجت خود رسیده است.

از عبادت‌های شورانگیز آن حضرت، روایات زیادی نقل شده است. از زمزمه‌های عاشقانه اوست:

«عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِکَ فَلْیَحْسُنِ العَفْوُ مِنْ عِنْدِکَ.»

گناه بنده‌ات بزرگ است، پس باید نیکو باشد گذشت از طرف تو.

این امام بزرگوار هم‌چون پدرانش، بر زخم‌های فقرا مرحم بودند. شبانه، زنبیل‌های نقره و طلا، آرد و خرما را خود به دوش گرفته، به دردمندان هدیه می‌کردند. او کرامت آنان را پاس می‌داشت و بی‌آن‌که شناخته شود، نزدشان می‌رفت. وقتی هم به ایشان خبر می‌رسید، فردی در تنگنای مالی است، برای او صُرَّه دیناری می‌فرستاد.

متوسط همیان‌های حضرت، سیصد دینار و در فراوانی، ضرب‌المثل بود. صوت حضرت در تلاوت قرآن بسیار

ص: ۶۳

زیبا بود و قرآن را با حزن می‌خواند؛ به گونه‌ای که هر که آن را می‌شنید، ژاله اشک مژگانش را خیس می‌کرد. «(۱)» دوران پیشوایی آن حضرت که از سال ۱۴۸ ه. ق.

شروع شد، دوران ویژه‌ای از نظر مبارزات بود. بنی‌عباس که رفته رفته همان رویه بنی‌امیه را در پیش می‌گرفتند، خود را مواجه با شورش‌های پی در پی شیعیان می‌دیدند. از این رو، فضایی تلخ و آکنده از فشار را بر حضرت تحمیل نمودند و سال‌ها حضرت را در زندان انداختند. در یکی از دعاهایی که در زیارت آن حضرت آمده، این وضعیت تلخ چنین توصیف شده:

«الْمُعذَّبِ فِی قَعْرِ السُّجُونِ وَ ظُلَمِ الْمَطامِیرِ ذِی السَّاقِ المَرْضُوضِ بِحَلَقِ القُیُودِ»

بزرگواری که در سیاه‌چال‌های زندان و سلول‌های تاریک تحت شکنجه و عذاب بود، که ساق پایش از فشار حلقه‌های کُند و زنجیر شکسته و له شد. «(۲)» در نگاهی تاریخی، از مبارزات آن حضرت تجلیل برجسته‌ای شده است:

«... زندگی امام موسی بن جعفر علیه السلام فوق‌العاده پرماجرا و شورانگیز است و به نظر، اوج حرکت

۱- موسوعهٔ العتبات المقدسهٔ، ج ۹- منتهی‌الآمال، ج ۲

۲- مفاتیح‌الجنان،« زیارت موسی بن جعفر علیه السلام»

ص: ۶۴

مبارزاتی ائمه، مربوط به دوران زندگی این بزرگوار است ... گاه چیزهایی در زندگی آن حضرت دیده می‌شود که بیننده را مبهوت می‌کند. مثلًا از بعضی روایات بر می‌آید که ایشان چندی دور از چشم عمّال حکومت مخفی و یا متواری بوده‌اند؛ یعنی دستگاه هارون در تعقیب آن حضرت بوده و ایشان را پیدا نمی‌کرده است. خلیفه کسانی را می‌برده و شکنجه می‌کرده [است] که بگویند موسی بن جعفر علیه السلام کجاست؟ و این یک امر بی‌سابقه‌ای در زندگی ائمه علیهم السلام است. از جمله، ابن‌شهرآشوب در مناقب روایتی نقل می‌کند که چنین چیزی از آن برمی‌آید: «دَخَلَ مُوسی بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام بَعْضَ قُرَی الشَّام مُتَنَكِّراً هارِباً.» «(۱)» درباره هیچ یک از ائمه علیهم السلام چنین چیزی نداریم. اینها نشان‌دهنده جرقه‌هایی در زندگی امام موسی بن جعفر علیه السلام است و با ملاحظه این‌هاست که معنای آن زندان و حبس ابد کذایی معلوم می‌شود و الّا هارون، اول که به خلافت رسید، به مدینه آمد و موسی بن جعفر علیه السلام را مورد تکریم قرار داد ...» «(۲)»

۱- موسی بن جعفر علیه السلام گریزان و ناشناس در بعضی از روستاهای شام وارد شدند

۲- عنصر مبارزه در زندگانی ائمّه علیهم السلام، ص ۳۸

ص: ۶۵

باب المراد

حضرت جواد علیه السلام در دهم رجب ۱۹۵ ه. ق. در مدینه متولد شد. چنان‌که حضرت امام عصر- روحی له فداه- در دعایی که به آن حضرت منسوب است، نام ایشان را در زمره امامان تولد یافته در رجب قرار داده است. مادر حضرت، کنیزی به نام «سبیکه»، از خاندان ماریه قبطیه، کنیز پیامبر صلی الله علیه و آله، بود و حضرت رسول صلی الله علیه و آله او را چنین ستوده:

بهترین کنیزهاست که دهانی پاک و رحمی نجیب دارد.

حضرت رضا علیه السلام او را «خیزران» نام نهاد.

کنیه حضرت جواد علیه السلام، ابوجعفر ثانی بوده و القاب معروف او عبارتند از: مرتضی، قانع، منتجب، تقی و جواد.

در عراق، امام جواد علیه السلام به باب المراد معروفند. با آن‌که حضرت در سن نه سالگی، و به گفته‌ای در ۱۷ سالگی، ردای امامت بر دوش نهاد، ظهور ولایت و علوم الهی از چشمه معرفتش، همه را به این باور رساند که او امام است.

طبرسی در اعلام الوری از او چنین یاد کرده است: امام جواد با سن کم خود به پایه‌ای از دانش، حکمت و ادب رسید که کسی از پیران هم به پای او نمی‌رسید. از وسعت دانش فقهی او و احاطه‌اش بر احکام الهی و ژرفنای تفکرش، مطالب شگفت و خیره‌کننده بسیاری نقل شده است. آن حضرت، از جهت علمی و عملی، برترین فرد زمان خود بود؛ همان‌طور در تقوا، عبادت، بخشش و در همه فضیلت‌ها.

ص: ۶۶

زندگی امام جواد علیه السلام از نظر سیاسی تداوم راه پدر بود.

مأمون کوشید علاقه امام را به خود جلب کند و او را به دارالخلافه نزدیک سازد. هدف مأمون این بود که بین امام و پایگاه‌های مردمی آن حضرت فاصله ایجاد شود. از این رو دختر خود، امفضل را به همسری او درآورد. اما امام با درایت و دوراندیشی ویژه یک امام، نقشه مأمون را عقیم گذاشت و اصرار ورزید که به مدینه بازگردد. از پندهای به یادگارمانده امام جواد علیه السلام که نشانگر عمق بینش فرا انسانی اوست، این می‌باشد:

«الثِّقَةُ بِاللَّهِ ثَمَنٌ لِكُلّ غالٍ و سُلَّمٌ لِكُلّ عالٍ.»: اطمینان به خداوند متعال، بهای هر چیز ارزشمند، و نردبان اوج و بلندی است.

«مَنِ انْقَطَعَ إِلى غَيْرِاللَّهِ، وَكَّلَهُ اللَّهُ الَيْهِ.»: کسی که توجه‌اش تنها معطوف به غیر خدا باشد، خدا کارش را به او واگذارد.

«عِزُّ الْمُؤْمِنِ غِناهُ عَنِ النَّاسِ.»: عزّت مومن، بی‌نیازی او از مردم است.

«لاتَضُرُّكَ سَخَطُ مَنْ رِضاهُ الْجَوْرُ.»: خشم کسی که خشنودیش ظلم است، به تو آسیبی نمی‌رساند.

«القَصْدُ إِلَى اللَّهِ بِالقُلُوبِ، أَبْلَغُ مِنْ اتْعابِ الْجَوارِحِ بِالْاعْمالِ.»: توجّه قلبی به خدا، رساتر از رنج دادن اعضای بدن به اعمال است. «(۱)»

۱- نگاهی گذرا بر زندگی امام جواد علیه السلام- موسوعهٔ العتبات المقدسهٔ، ج ۹- منتهی‌الآمال، ج ۲- پیشوایان ما

ص: ۶۷

فصل دوم: نگاهی به وضع کنونی حرم و شمه‌ای از آداب آن

دور نمای حرم

بارگاه نورانی امام موسی کاظم و امام جواد علیهما السلام، در مرکز بخش اصلی شهر کاظمین واقع است. از دوردست که به حرم می‌نگری، دو قبه از طلا به شکل شلجمی نمودارند که در تابش آفتاب جذابیت خاصی پیدا می‌کنند. به نظر می‌رسد که هنرمندان طراح حرم خواسته‌اند از این درخشش ظاهری در بیان موقعیت هدایتگری امامان بهره جویند. از طرفی کاربرد اشکال مدوّر در نحوه ساختمان قُبّه‌ها نوعی انعطاف را نشان داده، از خشونت شکل بنا می‌کاهد. گذشته از این موجب می‌شود که سقف تا نهایت بالا بیاید و فضای زیر سقف دلگشا گردد.

گلدسته‌های واقع در چهار گوشه بام حرم، چشم‌انداز جالبی دارند. این گلدسته‌های کوچک و توپر طلاکاری شده، بر فروغ و روشنی حرم افزوده‌اند.

در چهار زاویه بام رواق آن نیز، مأذنه‌های مرتفع و مجوّفی قرار دارد که از دیواره حوضچه تا نوک میله سر آن‌ها تذهیب شده و دارای کتیبه‌های متعددی به خط کوفی و ثلث است.

ص: ۶۸

این زیبایی‌ها در کنار هم چنان جمع شده‌اند که مشهد کاظمین در میان مشاهد ایران و عراق، در حُسن منظره شاخص گشته است.» (۱)

گذری در حرم

هنر با آمیزه عشق، معجونی بود که توانست غبار عبور تندباد تاریخ را از سر و روی حرم بشوید و بعد از گذشت قرن‌ها به آن طراوت بدهد. اکنون بر جای جای حرم، اثر دستانی است که تعهّد و عشق به آن‌ها گرما و صمیمیت می‌داد؛ هنرمندانی که شور از دل داشتند و نفسشان ذکر حق بود.

و چنین شد که ساختمان حرم، ظهوری معنوی یافته تا بتواند به خوبی حضور گوهران عصمت را در جان آشنا و ناآشنا نقش کند؛ حضوری پاک و روحانی که انسان را در خود فرو برده، او را به قرابت خویش فرا می‌خواند.

هر چند وصف این زیبایی‌ها هرگز نمی‌تواند لذت حضور را در آن پاره بهشت بدهد، ولی وصف‌العیش نصف‌العیش.

گاه صدق

آن گاه که زائر به کاظمین می‌آید، احساس قرابت و

۱- تاریخ کاظمین، ص ۳۳ و ۴۸- ۴۷

ص: ۶۹

نزدیکی می کند؛ گویی بانکی از درون، او را به حرم می‌خواند.

محمل رحلت ببند ای ساربان کز شوق یار می‌کشد هر دم به رویم قطره‌های خون قطار جامی

چنان مستی بر او سایه می‌انـدازد که اختیار از کَفَش می‌رود. اما بایـد قبل از آنی که به این بارگاه نور در آید، با غسل زیارت، خود را از آلودگی پاک کند تا طراوت حضور را به جان بیابد.

اول از آلا‌یش تن پـاک شو پس به حریمِ درِ او خـاک شو خـاک شـدن و رجوع به اصـل خویش همـان قرابت معهود است. امامـان علیهم السـلام آن نور بندگی‌انـد که در زمین منعکس شده‌انـد تا آدمی نور ربوبی را در خود بجویـد و بیگانه با اصل خویش نباشد. خلیفه خدا از آن رو خلیفه است که نور حق را می‌نمایاند و هر کس هم می‌خواهد نوری از این انوار الهی به دل خویش بتاباند، باید دل از تیرگی گناه برگیرد.

آنچه نه پـاکست از آن پـاک شو بر در او بـا دل صـد چـاک شو زائر بـا سـکینه و وقـار به کوی دوست روانه می‌شود. وقـتی به حرم شریف رسید، نزد درب آن

ص: ۷۰

می‌ایستد و می گوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ اكْبَرُ، لا الهَ الَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ اكْبَرُ، وَ الْحَمْدُللَّهِ عَلى هِدايَتِهِ لِدينِهِ، وَ التَّوْفيقِ لِما دَعا الَيْهِ مِنْ سَبيلِهِ.

اللَّهُمَّ انَّکَ أَكْرَمُ مَقْصُودٍ وَ اكْرَمُ مَأْتِيٍّ، و قَدْ أَتَيْتُکَ مُتَقَرِّبًا أِلَيْکَ بِابْنَىْ نَبِيِّکَ صَلَواتُکَ عَلَيْهِما وَ عَلى آبائِهِمَا الطَّاهِرينَ وَ ابْنائِهِمَا الطِّيِّبينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لاتُخَيِّبْ سَعْيى، وَ لاتَقْطَعْ رَجائى، وَ اجْعَلنى بِهِمْ عِنْدَکَ وَجيها فِى الدُّنْيا وَ الآخِرَةِ، وَ مِنْ الْمُقَرَّبينَ.» «(۱)» معبودی جز اللَّه نیست و اللَّه برتر از توصیف است و بر هدایتی که او مرا به دینش نموده، او را می‌ستایم.

معبودم! تو بهترین هدف و کریم‌ترین فردی هستی که نزد او می‌روند و من در حالی که به دو فرزند پیامبرت- که درود تو بر آنان و پدران و فرزندان پاکشان باد- به سویت نزدیکی می‌جویم.

معبودم! بر محمّد و آل محمد درود فرست! تلاشم را بی‌فایده مساز و امیدم را قطع نکن و به وسیله آنان مرا در دنیا و آخرت آمرزیده، مرا از نزدیکان قرار ده.

۱- مصباح الزائر، ص ۲۰۰- ۱۹۸ به نقل از بحارالأنوار، ج ۱۰۲

ص: ۷۱

ای دل ز الطاف اله یافته‌ای در حرم قرب راه

درب‌های حرم مطهر

حرم مطهر دارای ده درب است که هر یک به نامی خوانده می‌شود و شاید هر درب، ادبی در خور خویش داشته باشد. چه این‌که حرم ملک تصرف آنان است و کاری بی‌خواست آن‌ها در آن‌جا تحقّق نیابد. این درب‌ها در دیوارهایی به قطر ۲۰ سانتی‌متر و به طول بیش از ۱۲۰ متر، که بر گرد حرم افراشته است، پراکنده شده‌اند. در دیوار شمالی دو درب باز می‌شود؛ یکی از صحن مراد که به باب جواهریه معروف است و دومی هم از صحن قریش که باب قریش نام دارد. در دیوار شرقی هم سه درب قرار گرفته است. باب فرهادیه در گوشه شمال شرقی دیوار، باب رجاء بین وسط دیوار و شمال آن، و درب بزرگی در وسط آن به نام باب مراد. در دیوار غربی نیز باب صافی در گوشه جنوب غربی و باب صاحب‌الزمان که در میانه دیوار جای گرفته، قرار دارد.

درب‌های دیوار جنوبی هم عبارتند از: باب مغفرت که در ثلث شرقی دیوار است، درب بزرگی که در وسط دیوار است و به باب قبله معروف است. از این درب‌ها سه درب اصلی است که عبارتند از:

۱. باب صاحب‌الزمان ۲. باب قبله ۳. باب مراد. این سه

ص: ۷۲

درب، ارتفاع زیادتری داشته و اطراف آن‌ها نیز کاشیکاری شده است. «(۱)»

صحن

صحن شریف با فضایی باز و گسترده، خیل عظیم زائران را در خود جای می‌دهد. هر زائر بعد از اذن‌خواهی و با گذاشتن پای راست خود و گفتن این دعا: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ فی سَبیلِ اللَّهِ وَ عَلی مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ السَّلامُ عَلی اوْلِیاءِ اللَّهِ»، انگیزه خود را صفای بیش‌تری داده، با خلوصی افزون‌تر مهیای حضور در حرم می گردد.

صحن از سه طرف، بناهای حرم را در میان خود گرفته است. تنها در ضلع شمالی صحن بریده می‌شود. در آن‌جا مسجد جامع صفوی قرار دارد که به دیوار حرم متصل است.

حرم مطهّر از دو قسمت جنوبی و شمالی تشکیل شده که با یکدیگر مرتبطند.

قسمت جنوبی، بارگاه امام کاظم علیه السلام، و قسمت شمالی، بارگاه امام جواد علیه السلام است. با این‌که این دو قسمت از نظر ساختمان مستقلند، ولی صحن، آن‌ها را به صورت

۱- تاریخ کاظمین، ص ۴۸- تاریخ حرم کاظمین، ص ۱۹۴- ۱۸۴

ص: ۷۳

یک بنا در آورده است.

صحن از چهار طرف، دارای هفتاد حجره است که در گذشته، مخصوص دانش‌پژوهانی بوده که بر گرد حرم، جان خویش را صیقل می‌دادند، ولی اکنون این حجره‌ها به صورت آرامگاه‌های خانوادگی درآمده‌اند. هر چند بنای صحن یک طبقه است، ولی در هر زاویه از زوایای چهارگانه آن، دو اتاقک ایوان‌دار باریک، در دو گوشه راهروها بنا کرده‌اند؛ به طوری که در قسمت پایانی هر ضلع، یک اتاقک قرار گرفته است. «(۱)» همچنین در دو طرف ایوان‌های بلندی که در وسط جنوبی و شرقی و غربی صحن قرار دارند، نیز دو اتاقک زیبا و کم عرض بر فراز دو حجره باریک اطراف ایوان وجود دارد. با تکرار این اتاقک‌ها که در فاصله‌های معیّن انجام گرفته و در اصطلاح معماران به آن شکم‌دریدگی می‌گویند، زیبایی روح‌افزایی به صحن داده شده است.

طبقه زیرین صحن، سردابه‌ای است برای آنانی که بعد از مرگ، می‌خواهند جسمشان در وزش همیشگی نسیم حیاتبخش حرم قرار داشته باشد. «(۲)»

۱- تاریخ کاظمین، ص ۳۱- ۳۴- ۳۵

۲- همان، ص ۳۱- ۳۵

ص: ۷۴

تا روضه

پس از گذر از صحن، تا رسیدن به روضه که ضریح مقدس را دربرگرفته، باید از طارمه‌ها گذشت. در اطراف رواق‌های شرقی و غربی و جنوبی، سه طارمه وسیع قرار دارد. این طارمه‌ها سقف داشته، مستطیل شکل‌اند و به وسیله نرده‌های آهنی مشبک، از صحن جدا گشته است.

اما رواق شمالی به هیچ یک از طارمه‌ها محدود نشده است. چون دیوار آن، متصل به مسجد صفوی است. در وسط طارمه شرقی یا طارمه باب مراد و چسبیده به دیوار حرم، ایوان طلایی بزرگی است که ناصرالدّین شاه قاجار در سال ۱۲۸۵ ه. ق. طلای تذهیب آن را اهدا کرد. این ایوان به ایوان ناصری هم معروف است. در وسط طارمه جنوبی، طارمه قبله، ایوان بزرگی مزین به طلا و آیینه‌کاری شده، متصل به دیوار حرم وجود دارد که از میانه آن درب رواق طلایی باز می‌شود. «(۱)» بعد از طارمه‌ها، رواق‌های حرم قرار دارند. این رواق‌ها از چهار طرف روضه را در میان خود دارند. رواق‌ها از ارتفاع چهارمتری به بالا ـ با بهترین اشکال هندسی آیینه‌کاری شده‌اند. «(۲)» گویی هنرمندان مسلمان خواسته‌اند

۱- تاریخ حرم کاظمین، ص ۱۸۳- ۱۷۱- تاریخ کاظمین، ص ۴۰- ۳۸

۲- همان، ص ۱۵۸

ص: ۷۵

اقتدا به قرآن نمایند و قصر لجه‌ای سلیمان را که وسیله حقیقت‌یابی ملکه سبا گردید، «(۱)» به گونه‌ای خاص ترسیم کنند تا هر کس را که در این وادی با قرب به اولیای حق، جویای اوست، رهنمون شوند.

رواق‌های حرم

رواق‌های حرم عبارتند از:

۱. رواق شمالی؛ این رواق از جهت شمالی به مسجد صفوی وصل است و از طرف جنوب خود به روضه راه دارد.

۲. رواق غربی؛ این رواق از جانب شرقی متصل به روضه است و از طرف غرب به طارمه صحن قریش متصل بوده و از شرق خود متصل به روضه است.

۳. رواق شرقی؛ رواق مزبور از جهت غرب به روضه راه دارد. رواق شرقی با سه در، از جهت شرقی به طارمه باب مراد متصل است.

۴. رواق جنوبی؛ از شمال متصل به روضه، و از طرف جنوب هم وصل به طارمه قبله است. این رواق نیز با طارمه مذکور، به وسیله سه در، ارتباط دارد. «(۲)»

۱- اشاره به ایه ۴۴. از سوره نمل

۲- تاریخ کاظمین، ص ۱۷۳- ۱۵۸

ص: ۷۶

روضه

جای سر است این که تو پا می‌نهی پای ندانی که کجا می‌نهی
دور شو از خواهش نفس و هوی انک فی اقدس وادٍ طُوی
چون که در آیی به سوی روضه آ از سر اخلاص و نیاز و دعا
روضه که آمد ز ریاض بهشت خشت خشتش همه عنبر سرشت
بر سر هر کنگره‌اش تا فلک جای گرفتست ملک بر ملک

هر که در این روضه زمانی نشست تا ابدالدهر ز اندوه رست زایر با رسیدن به روضه شریف، به مقصود نزدیک می‌شود. روضه به منزله قلب حرم است و آداب مخصوصی دارد. زائر باید فزون‌تر از گذشته خلوص را نمایان ساخته، طمأنینه و آرامش را در گفتار و رفتار خود حاکم نماید. هر چند که اگر زائر آشناتر باشد، شوق، مجال تکلّف را از او می‌گیرد و خود به خود آرامش و قرار بر جان او سایه می‌اندازد.

روضه دو امام علیهما السلام، مشترک، و ضریح هر دوی آنان در وسط آن قرار گرفته است؛ اما همین روضه مشترک، به دو

ص: ۷۷

قسمت تقسیم شده است: قسمت جنوبی که روضه امام کاظم علیه السلام، و قسمت شمالی که روضه امام جواد علیه السلام است و دو راه باریک و تنگ، آن‌ها را به هم متصل می‌سازد.

درب‌های روضه

برای ورود در روضه، شش در وجود دارد که از رواق‌ها به طرف روضه‌ها گشوده می‌شود. پیش‌تر روضه دارای سه درب و سه دریچه بود که برای آسان‌تر شدن رفت و آمد زائران، دریچه‌ها را به درب‌های ورود و خروج تبدیل کرده‌اند.

این شش درب عبارتند از:

۱. درب جنوبی روضه امام کاظم علیه السلام؛ این درب طلایی بوده و ساخت اصفهان است.

۲. درب شرقی روضه امام کاظم علیه السلام؛ این درب هم طلایی بوده و ساخت اصفهان است.

۳. درب غربی روضه امام کاظم علیه السلام؛ درب مزبور به سعی و اهتمام دو تاجر شوشتری مهیا شده است.

۴. درب شمالی روضه امام جواد علیه السلام؛ این درب نقره‌ای است و اهداکننده آن ایرانیان بوده‌اند. بر این درب، این بیت شعر نقش بسته:

چه در گهی که باب المراد نامندش شفیع خلق، امام جواد خوانندش ۵. درب شرقی روضه امام جواد علیه السلام؛ این درب نقره‌ای است و اهداکننده آن نیز ایرانیان بوده‌اند. بر پیرامون لنگه‌های این در اشعاری فارسی نوشته شده است.

۶. درب غربی روضه امام جواد علیه السلام؛ این درب نقره‌ای است و مانند درب شرقی، بر اطراف لنگه‌های آن اشعار فارسی نوشته شده است. «(۱)»

اذن ورود

قبل از آن‌که زائر پا در روضه گذارد، بهتر است که اذن ورود بخواهد. بر قسمت بالای چهار چوب درب جنوبی روضه امام کاظم علیه السلام، بر ورقه‌ای از مینا، این اذن نوشته شده است:

«أَللّهُمَ إِنّی وَقَفْتُ عَلی بابٍ مِنْ أَبْوابِ بُیُوتِ نَبِیِّک صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ قَدْ مَنَعْتَ النَّاسَ أَنْ یَدْخُلُوا الّا بِإِذْنِهِ فَقُلْتَ: یا ایُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لاتَدْخُلُوا بُیُوتَ النَّبِیِّ الّا أَنْ یُؤْذَنَ لَکُمْ.»

خدایا من بر در یکی از درهای خانه‌های پیامبرت- درود تو بر او و خاندانش باد- ایستاده‌ام و تو مردم را از این‌که بدون اذن او وارد خانه‌اش شوند، بازداشته‌ای و گفته‌ای: «ای کسانی که ایمان

۱- تاریخ حرم کاظمین، ص ۱۵۸- ۱۴۰

ص:۷۸

ص: ۷۹

آورده‌اید، داخل خانه‌های پیامبر نشوید. مگر این‌که شما را رخصت دهد.»

«أَللَّهُمَ إِنّی أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صاحِبِ هذَا الْمَشْهَدِ الشَّریفِ فی غَیْبَتِهِ، کَما أَعْتَقِدُها فی حَضْرَتِهِ، وَ أَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَکَ وَ خُلَفائَکَ عَلَیْهِمُ السَّلامُ أَحْیاءٌ عِنْدَکَ یُرْزَقُونَ، یَرَوْنَ مَقامی وَ یَسْمَعُونَ کَلامی، وَ یَرُدُّونَ سَلامی، وَ أَنَّکَ حَجَبْتَ عَنْ سَمْعی کَلامَهُمْ، وَ فَتَحْتَ بابَ فَهْمی بِلَذیذِ مُناجاتِهِمْ.»

خدایا چنان‌که در زمان حضورشان احترام داشتن آن‌ها را باور داشتم، اینک نیز که آنان از دیده‌ها پنهانند، احترام آن‌ها را معتقدم و می‌دانم که رسول و امامانت- درود تو بر آنان- نزد تو زنده‌اند و روزی می‌برند؛ آنان جای مرا دیده و سخنم را می‌شنوند، و پاسخ سلامم را می‌دهند، هر چند خود مرا از شنیدن کلامشان مانع شده‌ای و تنها دریچه فهم اندیشه‌ام را با لذت نجواهایشان در دل آشنا ساخته‌ای.

«وَ إِنّی أَسْتَأْذِنُکَ یا رَبِّ أَوَّلًا وَ أَسْتَأْذِنُ رَسُولَکَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ أَسْتَأْذِنُ خَلیفَتَیْکَ الْامامَیْنِ الْمَفرُوضَیْنِ عَلَیَّ طاعَتُهُما مَوْسَی بْنَ جَعْفرٍ وَ مُحَمَّدَ بْنِ عَلیٍّ الجَوادَ وَ الْمَلائِکَةَ الْمُوَکَّلینَ بِهذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبارَکَةِ ثالِثًا.»

ص: ۸۰

خدایا من ابتدا از تو رخصت می‌خواهم، و بعد از رسولت، و در مرتبه سوم، از دو امامت که پیرویشان را بر ما فرض نموده‌ای، امام موسی بن جعفر علیه السلام و محمّد بن علی جواد و از فرشتگانی که بر این بقعه مبارک گمارده‌ای.

«أَأَدْخُلُ یا اللَّهُ أَأَدْخُلُ یا رَسُولَ اللَّهِ أَأَدْخُلُ یا حُجَّتَیِ اللَّه أَأَدْخُلُ یا مَلائِکَةَ اللَّهِ الْمُقَرَّبینَ الْمُقیمینَ فی هـذَا الْمَشْهَدِ، فَاذَنا لی یا مَوْلَیَیَّ فی الدُّخُولِ أَفْضَلَ ما أَذِنْتُما لِاحَدٍ مِنْ أَوْلِیائِکُما؛ فَانْ لَمْ اکُنْ اهْلًا لِذلِکَ فَانْتُما اهْلٌ لِذلِکَ.»

ای معبودم! وارد شوم؟ ای رسول خدا! وارد شوم؟

ای حجت‌های خدا! وارد شوم؟ و ای فرشتگان مقربی که در این مشهد اقامت دارید! آیا وارد شوم؟ ای مولاهای من! مرا در ورود اذن دهید، اذنی برتر از آنچه برای دوستانتان تاکنون داده‌اید، و اگر خود شایسته آن نمی‌باشم، شما شایسته چنین رفتاری هستید. «(۱)»

زیارت

وقتی زائر به روضه درآمد، زمان آن می‌رسد که پیش از هر چیز به زیارت بپردازد. زیارت به مأثور این ویژگی را

۱- تاریخ حرم کاظمین، ص ۱۴۸- ۱۴۵

ص: ۸۱

داراست که زائر مطمئن می‌شود سخنی برخلاف ادب بر زبان نرانده و هر چه گفته، شایسته بوده است.

برای هر کدام از امامان علیهما السلام، امام کاظم علیه السلام و امام جواد علیه السلام، زیارت ویژه‌ای است؛ همان گونه که می‌توان هر دو امام را با یک زیارت جامع زیارت کرد. یکی از آنها زیارتی است که مفید، شهید و مؤلف مزار کبیر آن را نقل نموده‌اند.

«السَّلامُ عَلَیْکُما یا وَلیَّیِ اللَّهِ! السَلامُ عَلَیْکُما یا حُجَّتَیِ اللَّهِ! السَّلامُ عَلَیْکُما یا نُورَیِ اللَّهِ فی ظُلُماتِ الْارْضِ!»

سلام بر شما ای اولیای خدا! سلام بر شما ای حجّت‌های خدا! سلام بر شما ای نورهای خدا در تاریکی‌های زمین!

«أَشْهَدُ أَنَّکُما قَدْبَلَّغْتُما عَنِ اللَّهِ ما حَمَّلَکُما، وَ حَفِظْتُما مَا اسْتَوْدِعْتُما، وَ حَلَّلْتُما حَلالَ اللَّهِ وَ حَرَّمْتُما حرَامَ اللَّهِ.»

گواهی می‌دهم شما رسالتی را که خدا بر دوشتان نهاده بود، رسانده‌اید و ودیعه‌های او را پاس داشته، حلال او را حلال، و حرام او را حرام دانسته‌اید.

«وَأَقَمْتُما حُدُودَ اللَّهِ وَ تَلَوْتُما کِتابَ اللَّهِ وَ صَبَرْتُما عَلَی الْاذی فی جَنْبِ اللَّهِ مُحْتَسِبَینِ حَتّی

ص: ۸۲

أَتاکُمَا الْیَقینُ.»

و حدود الهی را بر پا کردید و کتاب او را بر خواندید و تا جایی که امکان داشت، بر آزارها و اذیت‌هایی که به شما در راه خدا می‌رسید، صبر و تحمّل نشان دادید، تا آن‌که یقین، شما را فرا رسید و موسم رفتنتان آمد.

«أَبْرَءُ إِلَی اللَّهِ مِنْ أَعْدائِکُما وَ أَتَقَرَّبُ إِلَی اللَّهِ بِوِلایَتِکُما أَتَیْتُکُما زائِراً عارِفاً بِحَقِّکُما مُوَالِیًا لِاوْلیائِکُما مُعادِیًا لِاعْدائِکُما مُسْتَبْصِراً بِالْهُدَی الَّذِي أَنْتُما عَلَیْهِ، عارِفًا بِضَلالَةِ مَنْ خَالَفَکُما، فَاشْفَعا لی عِنْدَ رَبِّکُما؛ فِانَّ لَکُما عِنْدَاللَّهِ جاهاً عَظیمًا وَ مَقامًا مَحْمُودًا.»

برای خدا، از دشمنان شما بیزاری جسته، با دوستی‌تان به او نزدیکی می‌جویم. به زیارت شما آمده‌ام، در حالی که به هدایتی که شما بر آن بوده‌اید، روشنی گرفته و به گمراهی کسی که شما را مخالفت کرده، پی برده‌ام. پس نزد خدا مرا شفاعت کنید. همانا شما در نزد خداوند منزلت بلند و مقام ستوده دارید.

سپس تربت [ضریح] را ببوس و گونه راستت را بر آن بگذار و بعد به سوی سرهای مقدس برو و بگو:

«السَّلامُ عَلَیْکُما یا حُجَّتَیِ اللَّهِ فی أَرْضَه وَ سَمائِه عَبْدُکُما وَ وَلِیُّکُما وَ زائِرُکُما مُتَقَرِّبٌ إِلَی اللَّهِ

ص: ۸۳

بِزیارَتِکُما.»

سلام بر شما ای حجّت‌های خدا در زمین و آسمان! غلام شما و دوستتان زائر شماست و به وسیله زیارتتان به خدا تقرّب جسته است.

«أَللَّهُمَّ اجْعَلْ لی لِسانَ صِدْقٍ فی أَوْلیائِکَ الْمُصْطَفَینَ، وَ حَبِّبْ الَیَّ مَشاهِدَهُمْ

وَ اجْعَلْنی مَعْهُمْ فی الدُّنْیا وَ الآخِرَهِْ، یا أَرْحَمَ الرَّاحِمینَ!»

خداونـدا برایم زبـانی راست دربـاره اولیای برگزیـده‌ات قرار داده، و مشـهدهایشان را محبوبم گردان، و مرا در دنیا و آخرت با آنان قرار ده، ای مهربان‌ترین مهربانان!

پس از آن دو رکعت نمـاز زیـارت برای هر یـک از دو امـام گزارده، به آنچه دوست داری، دعـا می‌کنی، و به هنگام بازگشت، این چنین امامان را تودیع می‌نمایی:

«السَّلامُ عَلَیْکُما یا وَلِیَّیِ‌اللَّهِ أَسْتَودِعُکُما اللَّهَ وَ أَقْرَأُ عَلَیْکُما السَّلامَ آمَنّا بِاللَّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ بِما جِئْتُما بِهِ وَ دَلَلْتُما عَلَیْه.»

سلام بر شما ای اولیای خدا! شما را به خدا می‌سپارم و بر شما درود می‌فرستم، در حالی که به خدا و رسولش و آنچه شما آورده‌اید و بر آن راهنمایی

ص: ۸۴

کرده‌اید، به باور رسیده‌ام.

«اللّهُمَ اکْتُبْنا مَعَ الشَّاهِدین. اللَّهُمَّ لاتَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زیارَتی ایّاهُما، وَ ارْزُقْنی مُرافَقَتَهُما، وَ احْشُرْنی مَعَهُما، وَ انْفَعْنی بِحُبِّهِما، وَ السَّلام عَلَیْکُما وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُه.» «(۱)» خدایا! مرا از زمره شاهدان قرار ده و نگذار این زیارت، آخرین زیارتم برای آن‌ها باشد. خدایا! دوستی‌شان را روزیم کن، و مرا با آنان محشور ساز، و با محبت آن‌ها به من سود رسان. سلام و رحمت خدا بر شما باد.

توصیفی از روضه‌ها

چنان‌که گفته شد: روضه‌های حضرت کاظم علیه السلام و حضرت جواد علیه السلام، به یکدیگر متصلند. امّا حرم موسی بن جعفر علیه السلام، دارای مزایای فراوانی است که موجب اختلاف شایان بین دو حرم گردیده است.

در حرم موسی بن جعفر علیه السلام بهترین آینه‌کاری جهان انجام گرفته است. حرم به ارتفاع یک متر، از سنگ مرمر پوشیده شده و بر بالای آن هم به ارتفاع یک متر و نیم از کاشی معرّق و گره‌سازی شده که از بقایای کاشی‌های شاه

۱- مزار الکبیر، ص ۱۷۸، مزار الشهید، ص ۵۹ به نقل از بحارالأنوار، ج ۱۰۲، ص ۱۴

ص: ۸۵

اسماعیلی و سلطان محمد تکلو است، وجود دارد. در بالاتر آن نیز کتیبه کمربندی به عرض نیم متر، با زمینه لاجورد بسیار زیبای ثلث قرار دارد که حروف آن از کاشی‌های زرد رنگی بریده و گره‌سازی شده است. عمل تراش حروف چنان ماهرانه انجام گرفته که تشخیص نوشته بودن آن یا گره‌ساز بودنش، دشوار می‌نماید؛ چنان‌که بیش‌تر مردم آن را نوشتنی می‌شمرند.

چیزی که باعث زیبایی افزون حرم موسی بن جعفر علیهما السلام گردیده، چهار کتیبه مربع و گچبری است که بر روی آن‌ها به خط ثلث برجسته و طلایی‌رنگ و بر روی زمینه سیاه، سوره «هل اتی» گچبری شده است. هر کتیبه، مشتمل بر شانزده ترنج زیبا و برجسته بوده و در میان آیه‌ها یک ترنج قرار گرفته است.

نکته جالب آن است که از دو مربع شرقی و از دو مربع غربی و از یک مربع شرقی و یک مربع غربی سه سوره کامل درست می‌شود. درون روضه هم قندیل‌های متعدد طلای مرصع و چلچراغ‌های بلورین و ساعت‌های دیوارکوب و قطعات نفیس از خاتم مرصّع به عاج و پرده‌های ترمه زربافت و مرواریددوزی شده و کتیبه‌های گوناگون مروارید قاب گرفته شده، زینت‌بخش آن

ص: ۸۶

شده‌اند. «(۱)» ناگفته نماند این گونه پرداخت‌های تجمّلی از بار معنوی حرم می‌کاهد؛ چه این‌که زینت‌هایی این چنین، جایی رواست که تهی از زیبایی درون باشد و باید بین هنر که آمیزه جان آدمی است و تجمّل که زینتش ظاهری است، تفاوت قایل شد؛ زیرا هنر می‌تواند جلوه‌های عشق و ایمان باشد، اما تجمّل چنین نیست.

قسمت شمالی روضه منوره که حرم مخصوص امام محمدتقی علیه السلام شمرده می‌شود، از بسیاری جهات همانند حرم امام کاظم علیه السلام است، امّا مزایای حرم امام کاظم علیه السلام را ندارد.

ضریح

ضریح نقره‌ای که هم اکنون مرقدهای شریف دو امام علیهما السلام را در برگرفته، اهدایی بانو حاجیه سلطان است که در سال ۱۳۲۴ ه. ق. جای ضریح بزرگ فولادی را گرفت.

اما همین ضریح نیز در ۱۳۵۹ ه. ق. توسط دولت عراق مرمت و بازسازی شد. سبب این همه تعمیر و تعویض این است که اعراب عادت دارند هنگام التجا و حاجت‌خواهی، خود را به پنجره‌های ضریح بیاویزند و آن را به شدت تکان دهند.

۱- تاریخ کاظمین، ص ۱۱۸ و ۲۱۴

ص: ۸۷

ضریح مزبور هم اینک بسیار زیبا و به شکل مربع مستطیل است. عرض آن پنج متر و طولش شش متر بوده و ارتفاع آن ۲/۷۵ متر است. در چهار طرف ضریح، درگاه‌ها قرار گرفته، این درگاه‌ها با شبکه‌های زیبا و مقاطع کوثر رمانی بوده و کتیبه‌هایی به خط ثلث و نستعلیق، اطراف آن را در برگرفته‌اند. سقف داخلی ضریح، از چوب ساخته شده و مزیّن به نقوش هندسی و گل و بوته است.

در ضلع شرقی ضریح، طرف پایین پای امامان، در زیبایی از نقره و دارای قلمزنی‌هایی ممتاز و ریزه‌کاری‌ها و کنده‌کاری‌های جالب به همراه گل‌بوته‌های ظریف و خطوط زیبای نستعلیق قرار دارد که با قفل بزرگی از نقره بسته شده است. این در در شب‌های جمعه، مقارن نصف شب، برای غبارروبی و جمع‌آوری نذورات باز می‌شود.

بر فراز ستون‌های چهارگانه ضریح که در زوایای آن قرار دارند، در دو طبقه، هشت قندیل فولادی از آثار گرانبهای صفوی قرار دارد. بر روی این قندیل‌ها، کتیبه‌هایی از آیات قرآنی، روایات و اسمای جلاله، با دقت کنده‌کاری شده و بعد، وسط آن را با طلا پُر کرده‌اند. «(۱)»

جلوه‌گاه هنر

وقتی وهابیون صندوق خاتم امام حسین علیه السلام را

۱- تاریخ کاظمین، ص ۲۲۶- ۲۲۲- تاریخ حرم کاظمین، ص ۱۴۳- ۱۴۲

ص: ۸۸

سوزاندند، آنانی که بر ارزش هنری صندوق‌های مشاهد واقف بودند، بر آن شدند این صندوق‌ها را در لفافه‌ای نقره قرار دهند تا از آسیب‌های احتمالی مصون بماند. بر روی صفحه‌های نقره‌ای نیز گُل و بوته‌های ظریفی کنده‌کاری شد تا تصور شود تنها صندوق‌های نقره‌ای بر تربت‌ها قرار گرفته‌اند.

و بدین‌گونه، سالیان دراز این صندوق‌ها در پرده استتار ماند. کلیدداران مشاهد نیز از وجود چنین صندوق‌هایی بی‌خبر بودند. سرانجام راز بر ملا شد و صندوق خاتم تربت امام علی علیه السلام از پوشش نقره‌ای خود خارج شد. بر ملا شدن این راز، کلیددار کاظمین را هم‌چون باقی کلیدداران، واداشت تا به کاوش پردازد و صندوق‌های کاظمین نیز هویدا شود. نفوذ رطوبت روی خاتم‌ها را سیاه ساخته و از جذبه هنری آن کاسته بود. برای همین از خاتمکار شهیر ایران، صنیع خاتم، خواسته شد تا مرمت این صندوق‌ها را بر عهده گیرد. او نیز با دقت بسیار، این آثار برجسته را بازسازی کرد. صنیع هشت قطعه شمش خاتم را خود بر حواشی دو صندوق افزود. بعد از مرمت، برای حفاظت صندوق‌ها از گرد و غبار، آن‌ها را با شیشه‌های کلفت پوشاندند. صندوق‌های مزبور که شاهکارهای کم‌نظیری از بزرگ‌ترین اساتید خاتم ایران، در قرن دهم هجری است، به جهاتی، گوی برتری را از دیگر

ص: ۸۹

صندوق‌های مشاهد ربوده‌اند.

بـا این همه، صـندوق بارگـاه حضـرت جواد علیه السـلام بر صـندوق بارگـاه امام کاظم علیه السـلام برتری دارد؛ زیرا ریزه‌کاری‌ها و نازک‌کاری‌هـای بسـیار دقیق و ظریفی دارد که جز با ذره‌بین‌های حساس نمی‌توان آن را مشاهـده کرد. از ویژگی‌های این صـندوق آن اسـت که در جهت جنـوبی آن، یعنی در پشت روی مبـارک و بـدنه‌ای که به طرف صـندوق امـام کـاظم علیه السـلام قرار دارد، ستاره‌هایی نمودار است که با کمال زیبایی و مهارت ساخته شده و در فواصـلی، روی صندوق به کار برده شده‌اند. استادان فن چنان مهارت نشان داده‌انـد که گویی آن سـتاره‌ها نورافشانی می‌کنند، و چه مناسب جای آن را طراحی کرده‌اند، بر روی سـینه جواد علیه السـلام؛ باشد تا فروزش جان آن عزیز را چون ستارگانی بنمایانند. هر چند این ستاره‌ها در میان دو صندوق واقعند، ولی تلألؤی آن، دیده‌ها را نوازش می‌دهد. «(۱)»

نگاره شعر

شهریار در شعری زیبا، شوری از عشق به کاظمین را در نگاره شعر درآورده:

۱- تاریخ کاظمین، ص ۲۳۶- ۲۲۷

ص: ۹۰

همه پاس ادب باشی خدا را همه دست ادب بر سینه یارا

حریم حُرمتی در پیش داری که سر گُم می‌کند خود، دست و پا را

چراغ مُصطفی بر گُنبدش بین به سر در، ذوالفقار مرتضی را

در این‌جا، آسمان‌ها آستان بُوس چه جای سر برآوردن شما را

ادب راه نَفَس بندد به سینه نفس، نای گلو گیرد صدا را

جهان ما نباشد ظُلمتی بیش مگر یابی در این روزن ضیا را در این معراج قلبی جلوه‌ای است به عرشِ دل، جمال کبریا را

به خلوتخانه خاطر خلوصی مگر یابی در این خلوت خدا را

کمند چاه کُن، حَبل‌المتین را چراغ راه کن، نورالهُدا را

در این محراب عرشی بازیابی دو شمع معبد آل‌عبا را

دو خضری کاندرین ظلمت فروزند چراغ چشمه آب بقا را

ص: ۹۱

چراغ هفتمین، موسی بن جعفر که زندانی کند، شمس الضّحا را
به زیر قبّه باب الحوائج اجابت ملتزم باشد دعا را
از این در جو به هر قفلی که بسته است کلید همّت مُشکل گشا را
شب تودیع، در زندان هارون مگر نگشود خود، زنجیر پا را
امام نهّمش، فرزندِ فرزند زیارت کُن، جواد ابن الرّضا را
که از نه سالگی با آن کرامات صَفی بود و وصی شد انبیا را
به مهرش، پیشوازِ اهل حاجت به لطفش بدرقه، حاجت روا را
قدم آهسته، کاین‌جا بس ملائک جماعت تنگ می‌یابند جا را
در این آب و هوا، ارواح علوی به جان دریافته نشو و نما را
چه داروخانه قدسی که در وی توان جُستن به هر دردی دوا را
و گر داروی عشقی درچشیدی از این دارالشّفا جُستی شفا را

ص: ۹۲

حریمی، هدیه ناچیز و مسکین سر از پا برنمی‌گیرد، حیا را

به امیدی که این شاهان عرشی نرانند از درِ رحمت گدا را

مکُن، گر قفلی از این درگرفتی فراموش از دُعای خیر ما را

غباری بس به هر چشمی که مسکین از این در، چشم دارد، توتیا را هم از شیخ مؤید «(۱)» بانیِ خیر بماند ذکر خیری، شهریارا «(۲)»

۱- شیخ مؤید از خادمان حرم شریف امام موسی بن جعفر علیه السلام بود که به ایران آمده و به دیدار استاد شتافته بود.

۲- شهریار و انقلاب اسلامی، ص ۱۰۶- ۱۰۴

ص: ۹۳

بخش چهارم کاظمین در گستره دین

[جغرافیای دینی شهر کاظمین

] کاظمین در روایات

ابن‌سنان می گوید: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم؟ چه ثوابی دارد کسی که پدرتان را زیارت کند؟ حضرت فرمود: بهشت برای اوست. پس او را زیارت کن. «(۱)» زکریّا بن آدم نیز از آن حضرت نقل نموده که ایشان فرموده‌اند: خداوند بغداد را به جهت قبر ابوالحسن علیه السلام نجات داده، و حضرت این شعر دِعْبِل را زمزمه کردند:

و قُبْرٌ ببغـدادَ لِنَفْسٍ زَکیّـهٍ تَضَـمَّنها الرحمنُ فی الغُرفَـات مویه کن بر مزار آن پـاک نهاد- امام موسـی کاظم علیه السـلام- در بغـداد، خداوند مهر، او را در غرفه‌های بهشت جای داده

۱- بحارالأنوار، ج ۱۰۲، ص ۲ به نقل از مناقب ج ۳، ص ۴۴۲

ص: ۹۴

است. «(۱)» در تهـذیب هم از زکریـا نقل شـده است که خداونـد بغـداد را برای وجود قبرهای حسـینیان نجات داده است. «(۲)» در عیون‌الأخبار از ابراهیم بن عقبه روایت شده است که او به ابوالحسن سوم (امام هادی علیه السـلام) نامه نوشت و از فضیلت زیارت ابا عبداللَّه الحسین علیه السلام و زیارت ابوالحسن و ابی‌جعفر علیهم السلام پرسش نمود، آن حضرت در جواب نوشتند:

زیارت اباعبداللَّه علیه السلام مقدّم است و زیارت آن دو، از نظر پاداش، جامع‌تر و برتر است.

وشا روایت کرده که به حضرت رضا علیه السلام عرض کردند:

چه فضیلتی دارد کسی که قبر ابوالحسن علیه السلام را زیارت کند؟

حضرت فرمودند: ثواب کسی را دارد که قبر اباعبداللَّه علیه السلام را زیارت کند. «(۳)» باز وشا گفته است: که به حضرت رضا علیه السـلام عرض کردم: آیا زیارت قبر ابوالحسن علیه السـلامماننـد زیارت قبر امام حسـین علیه السـلام است؟ حضـرت فرمودند: آری. «(۴)» از حسین بن یسار واسطی نقل شده که به حضرت عرض کرده است، آیاقبر ابوالحسن در بغداد را زیارت کنم؟ حضرت هم به او فرموده‌اند: اگر ناچار هستی، از پشت‌پرده انجام بده؛ «(۵)» هم‌چنین حضرت رضا علیه السلام در جواب

۱- بحارالأنوار، ج ۱۰۲، ص ۲ به نقل از التهذیب، ج ۶، ص ۸۱

۲- همان، به نقل از الکافی ج ۴، ص ۵۸۳ و التهذیب، ج ۶، ص ۸۲

۳- همان، ص ۳ به نقل از ثواب الأعمال، ص ۸۹

۴- همان، ص ۳، به نقل از کامل‌الزیارات، ص ۲۹۹

۵- همان، به نقل از همان، ص ۲۹۸

ص: ۹۵

برخی از یارانش که در مورد رفتن بر سر قبر پدرشان سؤال نموده بودند، فرمودند: در مساجدی که پیرامون قبر وجود دارد، نماز گذارید. «(۱)» احمد بن عبدوس از پدرش رحیم، نقل نموده که او به حضرت رضا علیه السلام گفته است: فدایت گردم! زیارت قبر ابوالحسن علیه السلام در بغداد سختی و مشقت دارد. می‌رویم و از پشت دیوار به ایشان سلام می‌دهیم. چه ثوابی دارد کسی که ایشان را زیارت کند؟ حضرت فرمودند: به خدا قسم! ثواب کسی را دارد که به زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله برود. «(۲)» همین‌طور از حسین بن یسار واسطی نقل شده که از حضرت رضا علیه السلام درباره فضل زائر قبر پدرشان سؤال نموده و حضرت علیه السلام در جواب او گفته‌اند: فضل زائر او مانند فضل زائر پدرش حضرت رسول صلی الله علیه و آله است. باز می‌گوید: پرسیدم اگر ترسیدم و نتوانستم داخل شوم، حضرت علیه السلام فرمودند: از پشت دیوار سلام بده. «(۳)»

کاظمین در حکایات

طبری از زبان ابوالحسین بن ابی‌بغل می‌نویسد:

مسؤولیتی را از جانب ابی‌منصور بن صالحان بر

۱- بحارالأنوار، ج ۱۰۲، ص ۲، به نقل از کامل‌الزیارات، ص ۲۹۹

۲- همان، به نقل از همان، ص ۳۰۰

۳- همان، ص ۲، به نقل از همان، ص ۲۹۹

ص: ۹۶

عهده گرفتم و ماجرایی بین ما به وقوع پیوست.

ماجرایی که سبب شد تا من مخفی شوم. ابومنصور در جستجو و تعقیب من برآمد و من ترسیدم و اختفای خود را ادامه دادم. پس از مدتی شب جمعه به زیارت مقابر قریش رفتم و شب را برای دعا و نیایش ماندگار شدم. آن شب، باد و باران بود. از ابوجعفر قیم خواستم، درهای مشهد را ببندد و تلاش کند آن‌جا خلوت شود تا من در سکوت و خلوت راز و نیاز خود را انجام دهم تا از افرادی که از آن‌ها واهمه داشتم، در امان بمانم. ابوجعفر هم درها را بست.

شب به نیمه رسید و باران شدت گرفت و مردم را از مزار دور کرد. من ماندم تا زیارتم را به جا آورم و نماز بخوانم. در این حال و احوال بودم که صدای گام‌هایی را در نزد قبر مولای ما، موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم. دیدم مردی زیارت می‌کند. او بر آدم و دیگر پیامبران اولوالعزم و ائمه اطهار یک به یک سلام داد تا این‌که نوبت به صاحب‌الزمان علیه السلام رسید و او از آن حضرت علیه السلام یاد نکرد. در شگفت شدم. پیش خود گفتم، شاید او را فراموش کرده، یا این‌که او را نمی‌شناسد و شاید هم بر مذهب دیگری باشد. وقتی آن مرد از زیارت خود فارغ شد، به نزد قبر مولای ما، ابی‌جعفر علیه السلام رفت و مانند ما زیارت اول را به جا

ص: ۹۷

آورد. بعد دو رکعت نماز خواند. چون او را نمی‌شناختم، از او ترسان شدم. او جوان کاملی بود.

لباس سفیدی بر تن داشت و با گوشه‌های عمامه‌اش تحت‌الحنک کرده بود و ردایی هم بر دوش نهاده بود که شل بود و مقداری از آن بر زمین افتاده بود. او رو به من کرد و گفت: ای ابوالحسین ابی‌بغل درباره دعای فرج چه می‌دانی؟ گفتم: آقای من آن کدام دعا است؟ او گفت: دو رکعت نماز می‌خوانی و می گویی.

ای کسی که زیبایی را نمایان کرده، زشتی را می‌پوشانی! ای کسی که بر جریره سرزنش نمی کنی و پرده کسی را نمی‌دری! ای بزرگ! ای نیکو درگذرنده! ای بخشش گسترنده‌ای که دست‌هایش را به رحمت گشوده! ای کسی که پایان نجواها به او می‌رسد و شکواها هم نیز! ای کمک کننده بر کمک‌خواهان، ای آغازگر نعمت‌ها قبل از آنی که شایستگی آن باشد! ای خدای من! ای آقای من! ای مولای من! ای فریادرس! ای منتهای رغبتم! به حق این اسماء و به حق محمّد و آل طاهرینش از تو می‌خواهم که مرا از غم برهانی و حالم را اصلاح سازی. بعد از این دعا هر خواسته‌ای که داری می‌طلبی. پس از آن گونه راستت را بر زمین می گذاری و ۱۰۰ مرتبه در سجده می گویی: یا محمّد

ص: ۹۸

یا علی یا علی یا محمّد. کفایت کنید مرا، که شما مرا بس هستید. مرا یاری دهید که تنها شما یاران منید.

بعد گونه چپت را بر زمین گذارده، می گویی ادرکنی (دریابم) و آن را خیلی می گویی و پس از آن می گویی: (فریادرس) تا این که نفست قطع شود و سرت را بلند می کنی. آن وقت خداوند حاجت تو را روا می‌دارد. بعد که مشغول دعا و نماز شدم او رفت.

وقتی فارغ گشتم، پیش ابوجعفر قیّم رفتم تا از او درباره آن جوان سؤال کنم و بگویم او چگونه به حرم آمد. دیدم درها به همان صورت اوّل بسته مانده‌اند. ابوجعفر قیم به من گفت: او مولای ما صاحب زمان علیه السلام بود.

بعد ابوالحسین داستان خود را ادامه داد و چگونگی رهایی خود را از گرفتاریی که داشت شرح و بیان کرد. «(۱)» علامه مقرّم می گوید:

شش سال بود که در کمر، سرین چپ و ساق پا تا پشت پا، دردی را احساس می کردم تا جایی که گاهی رکوع نماز را به اشاره انجام می‌دادم و رفتن به حرم هم برایم مشکل شده بود. روزی که دریافتم وسایل پزشکی از درمان من عاجزند، به کاظمین آمدم. روز

۱- . بحارالأنوار، ج ۶، ص ۳۰۸.

ص: ۹۹

شهادت امام جواد علیه السلام، آخر ذی‌القعده، به ایشان که باب المراد هستند، توسل جستم. از آب زعفرانی که معمولًا در مراسم سوگواری ایشان موجود بود، گرفتم و بر محل‌های دردم مالیدم و مابقی آن را هم نوشیدم. سه ماه به انتظار لطف و مرحمتش ماندم. پس از زیارت اربعین راهی مرقد مقدس شدم تا پناهنده آن بزرگوار شوم. ده روز مقیم کاظمین شدم و به ایشان متوسل گشتم. اما نسیمی از عنایات قدسی آن حضرت بر من وزیدن نگرفت و از بهبودی خود مأیوس شدم. هنگام فجر، نزدیک ضریح رفتم و با ناراحتی، در حالی که خود نمی‌دانستم چه بر زبان می‌آورم، شکوه‌ها کردم ... جدّ بزرگوارش، حضرت امام موسی کاظم علیه السلام و حضرت علی اصغر را شفیع قرار دادم. بعد، از حرم خارج شدم و به قصد عیادت یکی از برادرانم، از بازار استرآبادی گذشتم. بعد از احساس نکردن درد، گمان کردم به دلیل راه نرفتن روی آن پا و وارد نشدن فشار بر آن است. قدری بررسی کردم و بیش از دو ساعت راه رفتم، امّا به برکت توجّه حضرت جواد علیه السلام به بنده‌ای از بندگانش، از آن لحظه تاکنون که بیش از ده سال می‌گذرد، هیچ دردی احساس نکردم.

ص: ۱۰۰

کراماتی که بان عمر کم شد از ابوجعفر زبان یا خامه کِی یارای گفت و اکتساب آمد

«حَکَم» نامی که از اعیان شیعه بودی کشتندی سرش ببریده دیدندی به دکان بر تراب آمد

به تن، شد سربه‌پیوستی و کردش چون مسیح احیا ز عیسی، کی سر ببریده احیا در کتاب آمد؟ «(۱)»

آثاری از گذشته

۱. صندوق مستنصری

صندوق مزبور متعلق به مرقد شریف امام موسی کاظم علیه السلام است و به دستور مستنصر خلیفه عباسی ساخته شد. ساخت این صندوق در سال ۶۲۴ ه. ق. به پایان رسید.

صندوق از چوب توت ساخته شده و ضخامت تخته‌های آن به ۵/ ۵ سانتیمتر می‌رسد. صندوق، مستطیل شکل، و سطح آن، هموار است. طول آن ۵۵/ ۲ متر، و عرض آن ۸۳/ ۱ متر، و ارتفاعش ۹۵/ ۰ متر است. لب‌های سرپوش صندوق، با خط نسخ، جدای از هم، در داخل کادری زیبا تزیین شده و سر صندوق که به اندازه سه سانتیمتر از سطح اطراف آن برآمدگی دارد، با کنده‌کاری‌های زیبا آراسته گردیده است. در چهار طرف

۱- نگاهی گذرا به زندگانی امام جواد علیه السلام ص ۷۱- ۷۰، با دخل و تصرف.

ص: ۱۰۱

آن، نوشته‌هایی با خطوط بزرگ و برجسته کوفی در نهایت زیبایی و ابتکار نقش بسته است. این خطوط، در میان طرح‌هایی به شکل درخت و گُل که از سطح نوشته پایین‌تر است، کنده‌کاری گردیده است و هر سطری از این خطوط، در داخل حاشیه‌های مستطیل شکل که از خود چوب‌ها نقاشی شده، قرار گرفته است. در میان کنده‌کاری‌ها، عبارت زیر به خط کوفی برجسته و طلایی نوشته شده است:

«بسم‌اللَّه الرحمن الرحیم؛ هذا ضریح الامام ابوالحسن موسی بن جعفر بن محمّد بن علی بن ابی‌عبداللَّه حسین بن علی بن ابی‌طالب علیهم السلام».

زمینه این کتیبه، دارای کنده‌کاری‌های مُذَهَّب است. در حواشی صندوق، کتیبه‌ای منبت و برجسته به خط ثلث قرار دارد که نام بانی و تاریخ ساخت صندوق بر آن حک شده است. این صندوق بعد از آن‌که شاه اسماعیل صفوی صندوق‌های جدیدی را بر روی تربت‌های شریف قرار داد، به مداین انتقال یافت و روی قبر حضرت سلمان فارسی گذاشته شد. چهار قرن بعد، اداره آثار قدیمی عراق آن را از مرقد برداشته و به موزه دارالآثار عربی انتقال داد.

۲. مسجد جامع صفوی

این مسجد از آثار عصر شاه اسماعیل صفوی، و از با

ص: ۱۰۲

شکوه‌ترین و وسیع‌ترین مساجد است که در سال ۹۲۶ ه. ق. بنای آن گذاشته شد. ساختمان مسجد دارای استحکام شگفت‌انگیزی است. پس از چهار قرن و نیم، هنوز آجری از سقف و پایه‌های آن فرو نیفتاده و احتیاج به مرمتی نیافته است. عرض مسجد از شمال به جنوب، ۳۶ متر، و طول آن از شرق به غرب، ۶۰ متر است. مسجد، دارای ۷۶ ستون آجری است. در ضلع شمالی مسجد که به رواق حرم متصل است، مقصوره شکوهمند و مرتفعی قرار دارد. در جنوب غربی مقصوره، منبری ارزشمند، از آجرتراش با دوازده پله و به ارتفاع ۶ متر واقع است. این منبر از بناهای سلطان سلیم عثمانی است که در سال‌های ۹۲۶ تا ۹۷۷ ه. ق. سلطنت می‌کرد. «(۱)»

گنجینه به غارت رفته

آنچه از تاریخ کاظمین بر می‌آید این است که خزانه حرم باید مالامال از هدایا و گنجینه‌های نفیسی باشد که علاقه‌مندان به حرم اهدا نموده‌اند. از جمله این هدایا، چلچراغی برنجی و چهارگوش و زیبا بود که به دست توانای «ابن وصیف ناشی» شاعر اهل بیت (م ۳۶۵ ه. ق.) ساخته شد.

۱- تاریخ کاظمین، ص ۲۴۸

ص: ۱۰۳

در نیمه اول قرن پنجم، چلچراغ‌ها، محراب‌هایی از طلا و نقره، پرده‌های قیمتی و دیگر اشیای گرانبها در حرم موجود بود. در اوایل قرن ششم هم اشیای نفیس و چلچراغ‌هایی از نقره و پرده‌هایی از ابریشم خالص در حرم به چشم می‌خورد. در قرن هفتم چند کتاب خطی نفیس به این گنجینه افزوده شد. «ملاحم» بطائنی، «اقبال» سید بن طاووس و «مُنیهٔ الداعی و غیبهٔ الواعی» به حرم اهدا شد.

کتاب اخیر را «ابی‌یلمیش» وقف حرم نمود. سجاده‌ها، پرده‌ها، شمعدان‌ها و نفایس دیگری به حرم هدیه شد. در سال ۱۱۵۳ ه. ق. هدایای نادرشاه افشار به عتبات رسید.

نجف در سال ۱۲۱۶ ه. ق. در معرض تهاجم وهابیون قرار گرفت. از این رو خزانه حرم حضرت علی علیه السلام را به حرم کاظمین انتقال دادند.

درون ضریح نقره‌ای دو صندوق بوده که نسخه‌های ارزشمندی از قرآن کریم در آن جای داشت. اما اکنون از آن همه آثار گرانبها و آن خزانه، خبری نیست، جز دو شمشیری که با یاقوت و سنگ‌های قیمتی آراسته شده است؛ این شمشیرها اهدایی انور پاشا، از وزرای جنگ ترکیه بود، و چهار شمعدان نقره‌ای که توسط ناصرالدّین شاه قاجار هدیه شده بود. «(۱)»

۱- تاریخ حرم کاظمین، ۲۶۷- ۲۶۵

ص: ۱۰۴

علّامه محمدرضا شیبی می گوید:

بعد از برپایی انقلاب علیه پادشاهی در عراق، برخی از گنجینه‌های خزانه حرم امام علی علیه السلام را در اموال به جا مانده از خانواده سلطنتی و دیگر حاکمان عراق دیدم.

حوزه علمیه کاظمین

از زمانی که ابن‌قولویه از طرف معزالدوله به بغداد فراخوانده شد تا زمان شیخ طوسی، کاظمین می‌رفت تا در بلندای معرفت دینی قرار گیرد، امّا با اوج گیری تعصب‌های دینی در زمان شیخ، و مهاجرت اجباری او به نجف اشرف، از اهمیت حوزه کاظمین رفته رفته کاسته شد. تا این که اوایل قرن ۱۳ ه. ق. سید محسن اعرجی اقدام به تأسیس مدرسه علمیه نمود، و کاظمین با حضور بزرگان علوم اسلامی به سوی اقتدار دوباره می‌رفت. «(۱)» امّا توسعه روز افزون بغداد، شهر را تحت تأثیر قرار داد و آن شکوه معنوی گذشته را از شهر گرفت. علاوه این که شهرت همه گیر نجف یارای آن را نمی‌داد تا فروغ دانش اسلامی آن طور که باید در کاظمین افروخته شود. فیض در تاریخ خود سه مدرسه را برای کاظمین بر شمرده است:

۱- دائرةالمعارف الشیعیه، ج ۳، ص ۳۴۹

ص: ۱۰۵

۱. مدرسه سید محسن اعرجی؛ چنان که ذکر شد، این مدرسه سنگ بنای حوزه علمیه کاظمین بوده ولی اکنون خراب گشته است. «(۱)» ۲. مدرسه سید حیدر؛ این مدرسه وسیع بوده و حجره‌های متعددی را در خود جای داده است. کتابخانه آن کتابخانه جامعی است و کتب نفیسی را دارا می‌باشد. این مدرسه توسط آیهٔاللّٰه سیدمهدی حیدری بنیان گذارده شد.

مقبره خانوادگی سادات آل‌حیدر نیز در جنب این مدرسه قرار گرفته است.

۳. مدرسه آیهٔاللّٰه شیخ مهدی خالصی؛ این مدرسه از آن جهت که در نزدیکی باغ‌های کاظمین قرار گرفته، فضای روح‌انگیز و دلگشایی دارد. این مدرسه در زمان آیهٔاللّٰه مهدی خالصی از رونق خوبی برخوردار بوده و او خود در آن به تدریس می‌پرداخته است. این مدرسه بعدها به دانشگاه بدل شد و «مدینهٔالعلم» نامیده شد. این دانشگاه در عهد پادشاهی عراق، مجله «مدینهٔ العلم» را انتشار می‌داد که پس از چند شماره، از انتشار آن جلوگیری شد.

بعد از این مجله، دانشگاه مزبور مجله «الاسلام فوق کل شیء» را منتشر ساخت و انتشار آن تا هفت شماره ادامه یافت. این دانشگاه اسلامی در دوران انقلاب اسلامی

۱- تاریخ کاظمین، ص ۲۵۳

ص: ۱۰۶

ایران، زمانی که امام در عراق غریبانه به حیات خود ادامه می‌داد، به نشر و توزیع کتاب مهم «ولایت فقیه» ایشان پرداخت.

مدینهٔالعلم در سال ۱۴۰۳ ق. آماج خشم رژیم بعث قرار گرفت. کتاب‌های خطی نفیس این دانشگاه اسلامی غارت شد و اساتید آن به زندان افتادند و همه دانش‌پژوهانش پراکنده گردیدند و یا در زندان افتادند و جمعی نیز اعدام شدند. «(۱)»

کتابخانه‌ها

وجود نسخه‌های کمیاب همچون نسخه کامل‌العین منسوب به خلیل ابن احمد فراهیدی در برخی از کتابخانه‌های کاظمین اعتبار شایانی را به کتابخانه‌های شهر داده است.

۱. کتابخانه سید حسن صدر؛ جرجی زیدان در توصیف این کتابخانه ارزشمند می‌گوید: «این کتابخانه نفایسی از کتاب‌های خطی علوم لغت، تاریخ و شعر را در خود گرد آورده که مانند و همتا ندارد. چهار یا پنج کتاب آن یتیمهٔالدُّر در بلادند. مانند مجموعهٔ فی الحکم و الدر المسلوک که در شرح حال پیامبران، اوصیا و پادشاهان

۱- الجمعهٔ المجاهده، ص ۲، ۳ و ۳۹

ص: ۱۰۷

است. این کتاب نوشته احمد بن حسن حر عاملی است و غیر این‌ها. «(۱)» گفته شده که این کتابخانه از بزرگ‌ترین کتابخانه‌های جهان اسلام است و بیش از ده هزار جلد کتاب مخطوط دارد. «(۲)» ۲. کتابخانه سید مهدی خوانساری؛ خزانه کتب مؤلف خزانه بزرگی است که در کاظمین همتا و مانند ندارد. «(۳)» ۳. کتابخانه عمومی جوادین؛ که از بزرگ‌ترین کتابخانه‌های کاظمین است. محلّ آن ساختمان قدیمی و زیبایی است که اصل بنای آن در نیمه دوم قرن دهم ه. ق.

از طرف عثمانی‌ها برای صوفیان بکتاشیه ساخته شد و در سال ۱۲۹۸ ه. ق. توسّط فرهاد میرزا بازسازی گردید. این کتابخانه در زاویه شرقی حرم مطهّر قرار دارد و به همت دانشمند فرزانه سید هبهٔ‌الدین شهرستانی تأسیس شد.

۴. کتابخانه عمومی امام حسن علیه السلام؛ این کتابخانه مجله‌ای به نام الکتاب را منتشر می‌کرد. «(۴)» ۵. کتابخانه عمومی نجاح.

۶. کتابخانه عمومی امام رضا علیه السلام.

۷. کتابخانه آرامگاه سید مرتضی. این کتابخانه در این

۱- تاریخ آداب اللغهٔ العربیهٔ، ج ۴، ص ۱۲۸- ۱۲۷

۲- مجله هنر مردم، شماره ۷۲، ص ۵۵

۳- . احسن الودیعهٔ، ج ۲، ص ۲۰

۴- تاریخ حرم کاظمین، ص ۲۹۰ منابع کتاب

ص: ۱۰۸

آرامگاه واقع گردیده و کتب نفیسی در آن گردآوری شده است.

۸. کتابخانه امام صادق علیه السلام.

۹. کتابخانه سبزواری؛ از کتاب‌های منتشر شده آن می‌توان دوحهٔالوزرا شیخ رسول کرکولی را نام برد. «(۱)»

خاندان‌های کاظمین

۱. آل‌ابی‌الوَرْد (آل‌وردی)

آن‌ها از قدیمی‌ترین خاندان‌های علمی شیعه در بغداد و کاظمین، و از ذریه رئیس الطالبین و نقیب النقباء شمس‌الدین ابی‌عبداللَّه احمد (م ۴۷۲ ه ق.) هستند. «(۲)» ۲. آل‌اخباری

آن‌ها از خاندان‌های علم و فضل و حدیث و دارای زعامت فرقه اخباریه در کاظمین و بغداد بوده‌اند. «(۳)» ۳. آل‌اسدی

این طایفه از ذریه شیخ اسداللَّه تستری کاظمی (م ۱۲۳۴ ه. ق.) هستند. «(۴)»

۱- لمحات اجتماعیهٔ من تاریخ العراق الحدیث، ج ۳، ص ۲۴۵

۲- دائرهٔالمعارف تشیع، ج ۱، ص ۱۴۱

۳- همان، ص ۱۳۲

۴- همان، ص ۱۴۴

ص: ۱۰۹

۴. آل‌اعرجی

اینان از قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین خاندان‌های علمی شیعه در ایران، عراق و لبنانند. این طایفه از ذریه عبیداللّه اعرج فرزند حسین اصغر پسر حضرت امام سجاد علیه السلام هستند. «(۱)» ۵. آل‌جمالی

از خاندان‌های علمی کهن شیعه بوده و از ذریه جمال‌الدین، متولی و کلیددار آستانه ابویوسف، در سال ۱۰۲۱ ه. ق. هستند. «(۲)» ۶. آل‌حیدری

خاندانی از سادات کاظمین که اخیراً به بغداد کوچیده‌اند. «(۳)» ۷. آل‌خالصی

این خاندان به ناحیه خالص، واقع در شرق بغداد، منسوبند. «(۴)» ۸. آل‌سلماسی

این طایفه از احفاد میرزا محمدباقر سلماسی کاظمی، از شاگردان آقاباقر بهبهانی، هستند. «(۵)»

۱- دائرۀالمعارف تشیّع، ج ۱، ص ۱۴۵

۲- همان، ص ۱۶۰

۳- همان، ص ۱۶۵

۴- همان، ص ۱۶۶

۵- همان، ص ۱۷۸

ص: ۱۱۰

۹. آل‌صدر

اینـان از مشـهورترین خانـدان‌های علمی و فقهی شیعه بـوده که بارهـا مرجعیت شـیعه را در ایران، عراق و لبنـان بر عهـده گرفته‌انـد. صدری‌های کاظمین از ذریه صدرالدین محمد (م ۱۲۶۳ ه. ق.) فرزند سـید صالح فرزند سید محمد شرف‌الدین هستند که از علمای زمـان خویش به شـمار رفته و نسـبش، به امـام موسـی کـاظم علیه السـلام می‌رسـد. این سلسـله بـا آل‌شـرف‌الدین در لبنان در نسـب مشترکند. «(۱)» ۱۰. آل‌عطار

خانـدان بزرگی از سادات حسـنی مقیم شـهر کاظمین و بغـداد. جـدّ این خانـدان، سـید محمد عطّار است که نسـبش از طریق‌عبداللّه محض بن حسن مثنی به امام حسن علیه السلام می‌رسد. «(۲)» ۱۱. آل‌عبدالنبی کاظمی

از خاندان‌های علمی شیعه در کاظمین و جبل عامل، که افتخار خدمت آستانه کاظمین را دارا بودند. «(۳)» ۱۲. آل‌عُطَیْفَه

از خاندان‌های علمی تهران و کاظمین و از خدمتگزاران آستانه کاظمین. این طایفه از نسل ابومحمد عزّالدین

۱- دائرةالمعارف تشیّع، ج ۱، ص ۱۹۳

۲- . همان

۳- همان، ص ۱۹۷

ص: ۱۱۱

شریف مکّه‌اند که در سال ۷۲۰ ه. ق. از حجاز به عراق هجرت نمود. «(۱)» ۱۳. آل کاظمی

از خاندان‌های علمی شیعه در کاشان و کاظمین. این طایفه از ذریه شیخ محمد و فرزند کلب‌علی کاشانی از علمای بزرگ شیعه در قرن دوازده هجری‌اند. این سلسله را از ذریه شهید کربلا حبیب بن مظاهر اسدی دانسته‌اند، ولی نسابه مشهور، سید جعفر اعرجی، نسب این خاندان را به صحابی معروف ابوذر غفاری می‌رساند. «(۲)» ۱۴. آل کاظمی [/ آل‌وندی- آل‌حاج کاظم]

این خاندان را از ذرّیه شیخ مفید دانسته‌اند. «(۳)» ۱۵. آل‌معتوق

این طایفه از تبار شیخ سلیمان (م ۱۲۲۷ ه. ق.) است. «(۴)» ۱۶. آل‌یس

نیای این خاندان یاسین بن محمدعلی کاظمی است. «(۵)»

فرزانگان کاظمین

شریف محمد بن محسن بن یحیی بن عبداللَّه جعفر

۱- دائرة المعارف تشیّع، ج ۱، ص ۲۰۰

۲- همان، ص ۲۵۸

۳- همان، ص ۲۰۸

۴- همان، ص ۲۲۲

۵- همان، ص ۲۲۸

ص: ۱۱۲

ابوتراب بن الامام الهادی علیه السلام «(۱)»؛ شریف علی بن جعفر «(۲)»؛ نجم‌الدین ابونصیر محمد بن موسوی «(۳)»؛ محمود کاظمی (۱۰۸۵ ه. ق.) «(۴)»؛ فاضل جواد «(۵)»؛ محمد کاظمی (معاصر شاه سلیمان صفوی ۱۱۰۵ ه. ق.) «(۶)»؛ مولی مقدس محمدامین (قرن یازده ه. ق.) «(۷)»؛ شیخ محمد شریف (م ۱۱۶۶ ه. ق.) «(۸)»؛ شیخ عبدالنبی کاظمی (۱۱۹۸- ۱۲۵۶ ه. ق) «(۹)».

شیخ محمد حسن آل یاسین (۱۲۲۰- ۱۳۰۸ ه. ق.)؛ تحصیلات مقدماتی خود را در کاظمین آغاز کرد. پس از آن به کربلا هجرت کرد و در حوزه درس صاحب فصول و شریف العلماء به تحصیل پرداخت. بعد از کربلا به نجف رفت و آموخته‌های خویش را نزد بزرگانی چون صاحب جواهر تکمیل نمود. در ۱۲۵۵ ه. ق. به وطن بازگشت و عهده‌دار زعامت دینی مردم کاظمین شد. او از مشکلات

۱- تاریخ حرم کاظمین، ص ۲۱۵ به نقل از عمدةالطالب، ص ۱۸۹

۲- همان، ق ۲، ص ۳۴۲- ۲۳۵

۳- همان، ص ۲۱۵

۴- طبقات اعلام الشیعه، ج ۵، ص ۵۵۴- ۵۵۳

۵- همان، ص ۱۲۷- ۱۲۶

۶- همان، ص ۵۳۷- ۵۳۶

۷- مقدمه کتاب هدایهٔ المحدثین، ص ۱۲- ۱۱

۸- همان، ص ۳۴۱

۹- نقباءالبشر، ج ۲، ص ۸۰۰- معجم مؤلفی الشیعه، ص ۳۴۰

ص: ۱۱۳

مادی مردم غافل نبود. در قداست نفس کم‌نظیر بود. در داستان تشرّف حاج علی بغدادی به خدمت صاحب امر (روحی فداه) در کاظمین، حضرت وکالت او را از طرف خود تأیید نمود. اسرار الفقاهۀ در ۸ جلد بزرگ، از نوشته‌های فقهی اوست. «(۱)» شیخ سلیمان کاظمی (۱۲۲۷ ه. ق.) «(۲)»؛ سید محمد رضا شُبّر (م ۱۳۳۰ ه. ق) «(۳)»؛ شیخ اسداللَّه دزفولی کاظمی (۱۲۳۴ ه. ق) «(۴)»؛ شیخ امین کاظمی (م ۱۲۲۲ ه. ق) «(۵)»؛ سید حسن اعرجی (م ۱۲۲۷ ه. ق) «(۶)»؛ سید عبداللَّه شبّر (۱۱۸۸– ۱۲۴۲ ه. ق) «(۷)»؛ شیخ باقر دزفولی کاظمی (۱۲۵۵ ه. ق) «(۸)»؛ صالح تمیمی (م ۱۲۶۱ ه. ق)؛ شیخ حسین محفوظ (۱۲۶۲ ه. ق) «(۹)»؛ شیخ حسن دزفولی آل کاظمی (بعد

۱- نقباء البشر، ج ۱، ص ۸۷۵- معجم مؤلفی الشیعه،، ص ۳۴۱- علمای بزرگ شیعه، ص ۲۱۹

۲- همان، ج ۲، ص ۶۱۲

۳- فوائد الرضویه، ص ۵۳۴- ۵۳۳- نقباء البشر، ج ۲، ص ۵۶۵

۴- علمای بزرگ شیعه، ص ۲۱۸

۵- تکملهٔ امل الآمل.

۶- معجم مؤلفی الشیعه، ص ۴۱

۷- نقباء البشر، ج ۲، ص ۷۷۷- موسوعهٔ العتبات المقدسهٔ، ج ۱۰، ق ۳، ص ۹۶- معجم مؤلفی الشیعه، ص ۲۲۳

۸- کرام البرره، ج ۱، ص ۱۷۰

۹- همان، ص ۴۰۹- ۴۰۶

ص: ۱۱۴

۱۲۶۲ ه. ق) «(۱)»؛ شیخ حبیب بغدادی (م بعد از ۱۲۶۳ ه. ق) «(۲)»؛ شیخ حسن کاظمی (م بعد ۱۲۷۰ ه. ق) «(۳)»؛ شیخ محمد حسین کاظمی (۱۳۰۸ ه. ق) «(۴)»؛ شیخ جابر کاظمی (م ۱۳۱۳ ه. ق) «(۵)»؛ شیخ جعفر رشتی کاظمی (... بعد از ۱۲۴۱ ه. ق) «(۶)»؛ سید حیدر بغدادی کاظمی (۱۲۰۵- ۱۲۶۵ ه. ق) «(۷)»؛ شیخ محمد حسین همدانی (۱۳۱۶ ه. ق) «(۸)»؛ سید علی کاظمی (۱۳۲۰ ه. ق) «(۹)»؛ شیخ کاظم ازری (۱۳۳۰ ه. ق) «(۱۰)»؛ سید مهدی حیدری حسنی (...- ۱۳۳۶ ه. ق) «(۱۱)»؛ محقق اعرجی (۱۳۴۰ ه. ق) «(۱۲)»؛ سید جعفر اعرجی (۱۲۷۴- ۱۳۳۲ ه. ق.) «(۱۳)»؛ عبدالمحسن کاظمی

۱- کرام البررة، ج ۱، ص ۴۳۰

۲- همان، ص ۲۹۳- ۲۹۲

۳- همان، ص ۳۵۴- معجم مؤلفی الشیعه، ص ۱۸۹

۴- نقباء البشر، ج ۲، ص ۶۶۵- معجم مؤلفی الشیعه، ص ۳۴۱

۵- الذریعه، ج ۸، ص ۱۳۲

۶- کرام البرره، ج ۱، ص ۲۷۱

۷- همان، ص ۴۴۹- ۴۴۷

۸- نقباء البشر، ج ۲، ص ۱۵۶- ۱۵۵

۹- همان، ج ۴، ص ۱۴۳۸

۱۰- موسوعة العتبات المقدسة، ج ۱۰، ق ۳، ص ۷۹- مراقد المعارف، ج ۱، ص ۱۳۹- ۱۳۸

۱۱- معارف الرجال، ج ۳، ص ۶۵ و ج ۲، ص ۴۳

۱۲- علمای بزرگ شیعه، ص ۲۲۱- معجم مؤلفی الشیعه، ص ۴۲۰

۱۳- . اعیان‌الشیعه، ج ۴، ص ۱۵۴

ص: ۱۱۵

شاعر عرب (۱۲۸۷– ۱۳۵۴ ه. ق.) «(۱)»؛ شیخ علی نقی خالصی «(۲)»؛ شیخ باقر تستری کاظمی (۱۲۵۸– ۱۳۲۶ ه. ق.). «(۳)» سید حسن صدر (۱۲۷۳– ۱۳۵۴ ه. ق.)؛

از بزرگان خاندان صدر در کاظمین. او از آل‌شرف‌الدین بود، ولی به خاطر پدرش، به صدر اشتهار یافت. از آثار اوست: قاطعهٔ اللجاح فی ابطال طریقهٔ اهل الاعوجاج در رد فرقه اخباریه، و نزههٔ اهل الحرمین فی تواریخ المشهدین بالنجف و کربلا که در لکنهوی هند به چاپ رسید.

تأسیس الشیعهٔ الکرام لعلوم الاسلام المأئهٔ الثامنهٔ و الشیعهٔ و فنون الاسلام– مختصر تأسیس– که نقش شیعه را در شکل‌گیری علوم اسلامی بیان نموده است، ذکری محسنین شرح حال سید محسن الاعرجی، تکملهٔ امل‌الآمل در رجال و مجالس المؤمنین فی وفیات ائمه المعصومین از دیگر آثار اوست. اعیان الشیعهٔ ۴۷ اثر از برای او برشمرده است. «(۴)» سید اسماعیل صدر (...– ۱۳۳۷ ه. ق)؛ از مراجع

۱– معجم مؤلفی الشیعه، ص ۳۴۰– نقباء البشر، ج ۳، ص ۱۲۳۵

۲– مستدرک اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۱۵۱

۳– نقباء البشر، ج ۱، ص ۲۰۵

۴– همان، ص ۴۴۸، اعیان الشیعهٔ، ج ۵، ص ۳۲۶

ص: ۱۱۶

بزرگ دینی در قرن چهاردهم، بیش‌ترین بهره‌های علمی او از میرزای دوم شیرازی بود. آیـۀاللَّه سـید صدرالـدین، پـدر شـهید سـید موسـی صـدر، و آیـۀاللَّه سـید حیـدر، پدر شـهید سـید محمد باقر صدر، از فرزندان این مرجع بزرگ بودند. «(۱)» سید حیدر صدر (۱۳۰۹ ه. ق)؛ از آثار اوست:

الاوضاع اللفظیه، حاشیه بر کفایۀ الأصول، الشبهۀ الحیدریۀ فی بغیۀ الراغبین و شرح حال شرف‌الدین. او پدر شهید آیۀاللَّه سید محمد بـاقر صـدر است. «(۲)» شیخ مهدی‌خالصی (۱۲۷۶ – ۱۳۴۳ ه. ق) «(۳)»؛ سیدحسن ابی‌الـورد (۱۳۱۰ – ۱۳۵۹ ه. ق) «(۴)»؛ شیخ ضیاءالدین خالصی (۱۳۱۵ – ۱۳۷۰ ه. ق.)؛ علی نقی حیـدری (۱۳۲۵ ه. ق.) «(۵)»؛ سـید حسن حیدری (۱۳۳۲ ه. ق.). «(۶)» سید ابوالحسن صدر (۱۳۱۸- بعد ۱۳۶۴ ه. ق)؛ از نوادگان سـید اسـماعیل صـدر. او عالمی بزرگوار، ادیبی پرعاطفه و شاعری ارزشـمند بود. «(۷)»

۱- علمای بزرگ شیعه، ص ۳۶۴

۲- نقباء البشر، ج ۲، ص ۶۸۳

۳- اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۵۷- معارف الرجال، ج ۳، ص ۱۵۰- ۱۴۷- علمای بزرگ شیعه، ص ۲۷۲

۴- معجم مؤلفی‌الشیعۀ، ص ۳۴۰- نقباء البشر، ج ۱، ص ۴۳۰

۵- مستدرک اعیان الشیعۀ، ج ۲، ص ۲۰۱- کرام البررۀ، ج ۱، ص ۴۴۸

۶- مستدرک الأعیان، ج ۲، ص ۹۵

۷- شعرای بغداد، ۲۰۷- ۲۰۶

ص: ۱۱۷

سید صدرالدین صدر (۱۲۹۹- ۱۳۷۳ ه. ق.) در سال ۱۲۹۹ ه. ق. در کاظمین متولّد شد. با تمایل آیهٔاللّه حایری، در سال ۱۳۴۹ ه. ق. به قم آمد. بعد از وفات او، از مراجع سه گانه گشت و با آمدن آیهٔاللّه بروجردی با نهایت تواضع محلّ نماز خود را به او واگذاشت. در سال ۱۳۷۳ ه. ق. وفات یافت و در حرم حضرت معصومه سلام‌اللّه علیها به خاک سپرده شد. یادگار بزرگ او امام موسی صدر بود. کتاب حقوق او در سال ۱۳۲۱ ه. ق.

چاپ شده است. تاریخ اسلام و «خلاصهٔالفصول» در علم اصول، از دیگر آثار اوست. «(۱)» سید مهدی خوانساری (۱۳۱۹- ۱۳۹۱ ه. ق) «(۲)»؛ احمد امین کاظمی (۱۳۲۴- ۱۳۹۰ ه. ق). «(۳)» سید اسماعیل صدر (۱۳۴۰ ه. ق)؛ برادر بزرگ شهید محمد باقر صدر. او بعد از احراز رتبه اجتهاد، به کاظمین بازگشت و رهبری آن جا را به عهده گرفت. او در حقیقت، مربی فکری و روحی شهید صدر بود. از آثار اوست:

تعلیقه بر کتاب التشریع الجنایی عبدالقادر عونه؛ کتاب التشریع بر اساس فقه چهارگانه اهل سنت در مسائل قضایی و در مقایسه با قوانین امروزی جهان نوشته شده است.

۱- نقباءالبشر، ج ۳، ص ۹۴۳

۲- علمای بزرگ شیعه، ص ۴۳۲- معجم مؤلفی الشیعه، ص ۱۶۵

۳- تراجم الرجال، ج ۱، ص ۶۳

ص: ۱۱۸

صـدر در تعلیقه خود، نظریات فقهی شـیعه را مطرح نموده است. محاضـرات؛ در تفسـیر قرآن کریم در یک مجلد. «(۱)» سید محمد باقر صـدر؛ او در بیست و پنج ذی حجه ۱۳۵۳ ه. ق. در کاظمین تولّـد یافت. سـید محمد باقر، در سه سالگی پدرش را از دست داد. پس از پدر، مادرش، دختر عالم فرزانه، شـیخ عبدالحسین آل‌یاسین، و برادر بزرگ و عالمش، سید اسماعیل، در تربیت او کوشیدند. از همان آغاز تحصـیل در مـدرسه ابتـدایی کاظمین، شـگفتی همگان را برانگیخت. در سال ۱۳۵۶ ه. ق. بـه همراه برادرش بـه نجف رهسپار شد. در آن جا او علاوه بر مطالعه سـطوح عالی فقه و اصول، در درس فقه دایی‌اش فقیه نامور، شـیخ محمد رضا آل‌یاسین و درس آیـهٔاللّٰه خویی حضور یـافت و در سن ۱۹ سـالگی از آیـهٔاللّٰه خویی اجـازه اجتهاد گرفت. اجتهاد زودهنگام و نیز مرجعیت این فقیه جوان برای مردم عراق و دیگر سرزمین‌های عربی، آن هم پیش از سن چهل سالگی، از رویدادهای شگرف در تاریخ شیعه بود. از تلاش‌های فرهنگی او، می‌توان به نظارت بر روش تدریس در مدرسه علوم اسـلامی آیهٔاللّٰه حکیم و شرکت فعال در گروه جماعهٔ العلمای نجف و انتشار مقالاتی در نشریه آن جماعت به نام «اضواء»، یاد کرد. در

۱- فصلنامه بینات، شماره ۱، ص ۱۷۶-/ ۱۷۴

ص: ۱۱۹

سن یازده سالگی، کتابی در منطق، در هفـده سالگی کتاب فـدک در تاریخ و در نوزده سالگی الدروس «(۱)» را در علم اصول فقه به نگارش درآورد. در بیست و چهار سالگی نیز فلسـفتنای خود را با درخواست آیهًاللَّه حکیم به پایان برد و در پی آن برای نخستین بار در جهان اسـلام، به معرفی سیستم‌های اقتصادی مطلوب جامعه اسلامی در کتاب ارزشمندش اقتصادنا پرداخت. (الاسس المنطقیه للاسـتقراء) از جمله کتب مهم این متفکر پرارج دینی است. «(۲)» آمنه بنت الهدی صدر (۱۳۵۶– ۱۴۰۰ ه. ق.)؛ او در سال ۱۳۵۶ ه. ق. در شـهر کاظمین تولّد یافت. علوم اسـلامی را نزد برادرش آیهًاللَّه شهید صدر آموخت. با نگارش مقالاتی در روزنامه‌های عراقی با امضای بنت‌الهدی، برای بالا بردن اندیشه اسلامی گام‌های مؤثری برداشت. نقش بیدارگرایانه‌اش در کنار برادرش موجب

۱– هم اینـک از این کتـاب که به حلقات الأصول مشـهور است، در برخی از حوزه‌های درسـی، به عنوان کتاب درسـی دوره سـطح استفاده می‌شود

۲– تاریـخ پربار زنـدگی سیاسـی آیهًاللَّه صدر تا شـهادت او در بخش تاریخ معاصـر سیاسـی کاظمین آمده است؛ المجموعهٔ الکاملهٔ لمؤلفات سید محمد باقر صدر، ج ۱– مقدمه– سنوات الجمر، ص ۱۵۹– ۱۵۷– شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، ص ۱۵۷– ۱۵۵

ص: ۱۲۰

شـد تا رژیم بعث تاب تحمّل این بلنداندیش را نیز از دست بدهد و او را به همراه برادرش در جمادی‌الأولی ۱۴۰۰ ه. ق. به شهادت برساند. از نوشته‌های اوست:

دعوة الامرأة المسلمة؛ بطوله المرأة المسلمة؛ الفضیلة تنتصر؛ المرأة و حدیث المفاهیم الاسلامیه و صراع (مجموعه قصه) که اکثر آن‌هابه فارسی ترجمه شده‌اند.

آرامگاه‌ها

ابویوسف پیشوای دوم حنفیان

از بزرگانی که در کاظمین دارای آرامگاهند، قاضی ابویوسف است. او شاگرد ابوحنیفه (م ۱۵۰ ه. ق.) است.

او و استادش از علمای برجسته سنیان حنفی شمرده می‌شوند.

ابویوسف اولین کسی است که نام قاضی‌القضاة را به خود گرفت. «(۱)»

ابن‌قولویه

ابوالقاسم جعفر بن محمد بن موسی، معروف به ابن‌قولویه، از بزرگانی است که آرامگاهش در کاظمین قرار دارد. ابن‌قولویه که به او صدوق هم اطلاق شده، از بزرگان

۱- موسوعة العتبات المقدّسة، ج ۱۰، ق ۲، ص ۲۶۵

ص: ۱۲۱

حدیث است. شیخ طوسی (ره) درباره او گفته: او به شماره کتب فقه، تألیفات دارد. نجاشی در توثیق او نیز چنین نوشته است:

«از افراد مورد اعتماد اصحاب ما و از اجلای آنان در حدیث است.»

ابن‌قولویه استاد شیخ مفید بود و خود از کلینی روایت می‌کرد. پدرش نیز از جمله مشایخ کشی و یاران خوب سعد ابن عبداللّه اشعری قمی بود. ابن‌قولویه در سال ۳۶۸ ه. ق.

در گذشت و در پایین پای امام جواد علیه السلام دفن گردید. «(۱)»

شیخ مفید

شیخ مفید از بزرگ‌ترین علمای شیعه به شمار می‌آید.

رجالی سترگ، نجاشی درباره او گفته است:

«فضل و برتری شیخ مفید در فقه و کلام و حدیث و اعتماد و وثاقت او مشهورتر از آن است که وصف شود.» «(۲)»

۱- هزاره شیخ طوسی، ج ۱، ص ۳۸۴- تاریخ حرم کاظمین، ص ۲۵۴- طبقات اعلام‌الشیعهٔ القرن الرابع، ص ۷۶- روضات، ج ۲، ص ۱۷۱- موسوعهٔ العتبات المقدّسهٔ، ج ۱۰، ق ۲، ص ۴۷- ۴۶- احسن الودیعه، ج ۱ و ۲، ص ۳۵۷

۲- موسوعهٔ العتبات المقدسهٔ، ج ۱۰، ق ۲، ص ۵۳. به نقل از رجال نجاشی، ص ۲۸۷- ۲۸۳. تاریخ حرم کاظمین، ص ۲۵۸- ۲۵۷

ص: ۱۲۲

در حال حاضر آرامگاه شیخ مفید در کنار قبر استادش (ابن‌قولویه)، در رواق شرقی، رو به روی ایوان شاه اسماعیل، قرار دارد. «(۱)

آرامگاه‌های دو برادر

سید رضی و سید مرتضی، دو تن از علمای بزرگ شیعه‌اند که در کاظمین دارای آرامگاهند. در این فصل خلاصه‌ای از زندگی این دو بزرگ مرد بیان خواهد شد.

سید رضی

نامش محمد، و لقبش ابوالحسن است و با پنج واسطه، نسب شریفش به امام موسی کاظم علیه السلام می‌رسد. در سال ۳۵۹ ه. ق. در بغداد متولّد شد و در سن ۴۷ سالگی- روز یکشنبه ۲۶ محرم سال ۴۰۶ ه. ق.- در آن شهر دیده از جهان فرو بست. مرگ برادر چنان بر سید مرتضی گران بود که او طاقت نیاورد که در مراسم خاکسپاری شرکت کند و به حرم کاظمین پناه برد تا خود را التیام دهد. از این رو فخرالملک بر او نماز گزارد. او را در خانه‌اش، در نزدیکی مسجد انباریین، در محله کرخ، دفن کردند. برخی گفته‌اند که بعد از مدتی جنازه او را به کربلا انتقال دادند تا در کنار جد خود، ابراهیم مُجاب، یکی از فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام، در حایر حسینی دفن کنند. سید رضی در طول

۱- تاریخ کاظمین، ص ۱۸۸- ۱۸۶

ص: ۱۲۳

حیات خویش عهده‌دار مسؤولیت‌هایی شد، از جمله:

نقابت نقباء، ریاست دیوان مظالم، سرپرستی حاجیان. او نخستین سید طلبه‌ای است که عمامه سیاه بر سر نهاد.

چیره‌دستی‌اش در شعر چنان بود که او را برتر از متنبی، شاعر بزرگ عرب، دانسته‌اند. از آثار برجسته او، گردآوری نهج‌البلاغه است. «(۱)» سید مرتضی

سید مرتضی لقبش علم‌الهدی، و برادر بزرگ سید رضی است. او در رجب سال ۳۵۰ ه. ق. در بغداد به دنیا آمد و در سال ۴۳۶ ه. ق. در سن ۸۶ سالگی در آن شهر درگذشت. پسرش بر او نماز گزارد. و او را در محله کرخ دفن نمود. او بعد از رحلت سید رضی، مسؤولیت‌های برادر را پذیرا گشت. علم‌الهدی، از شاگردان بزرگ شیخ مفید، و استاد برجسته شیخ طوسی است. او در زمان حیات خود توانست مرجعیت عامه شیعه را به دست آورد. سید مرتضی در فقه و کلام آثار برجسته‌ای از خود به جا نهاد.

تألیفاتش بالغ بر هشتاد اثر می‌شود. «(۲)» هم اینک مقبره سید مرتضی در جنوب شرقی صحن کاظمی قرار گرفته است. این آرامگاه، در گذشته دارای

۱- روضات الجنات، ج ۶، ص ۱۹۷- تاریخ کاظمین، ص ۸۳- ۸۲- مراقد المعارف، ج ۱، ص ۳۰۵- ۲۰۷

۲- تاریخ کاظمین، ص ۸۵- مراقدالمعارف، ج ۲، ص ۳۰۴

ص: ۱۲۴

بنایی قدیمی و گنبدی سفید بود. در این بنا سنگ قبر در درون صندوقی گذارده شده بود و در مجموع حرم کوچکی را تشکیل می‌داد که عابران به هنگام عبور از بازار می‌ایستادند و در کنار پنجره‌های مقبره فاتحه می‌خواندند، تا این‌که در سال ۱۳۸۵ ه. ق. سید عبدالوهاب مشاط و محامی سید هاشم این آرامگاه را وسعت دادند و گنبد آن را با کاشی آراستند و به این گونه آرامگاه سید مرتضی به صورت شایسته‌ای درآمد. پس از بازسازی، نماز جماعت در آن جا برقرار و مباحث علمی و تدریس دروس اسلامی در آن جا انجام می‌گرفت؛ هم‌چنین کتابخانه‌ای در این آرامگاه به وجود آمد تا اهل علم و ادب از آن بهره برند.

این کتابخانه کتب ارزشمندی را در خود جای داده و مورد استقبال جوانان می‌باشد. هم اکنون این آرامگاه، از غرب درب جنوبی صحن کاظمی تا شرق پل اعظمیه امتداد داشته و خیابان رضی را قطع می‌کند. «(۱)» در ۱۰۰ قدم آن طرف‌تر، رو به روی آرامگاه سید مرتضی، مقبره سید رضی واقع است. این بنا هم در سابق گنبدی داشت، تا این‌که در عصر حاضر بنای آن تجدید گردیده است. حالا این بنا دارای صحنی زیبا، سردری مجلّل و قبه‌ای بسیار زیبا و کاشیکاری شده‌است که قاعده

۱- . تاریخ کاظمین، ص ۸۵- مراقدالمعارف، ج ۲، ص ۳۰۴

ص: ۱۲۵

آن مثمّن و تماشایی است. در فاصله‌های موجود بین آجرهای تراش و رنگی، قطعاتی از آیینه به زیبایی کار گذاشته شده است.»(۱)

خواجه نصیر و توفیق بزرگ

خواجه نصیرالدین طوسی، از کسانی است که توفیق یارش گشته و در نزدیکی مشهد کاظمین در آرامش ابدی خویش فرو رفته است.

خواجه، پس از هفتاد سال و هفت ماه و هفت روز اوج گیری در اندیشه اسلامی، سرانجام در ۱۸ ذی‌حجه ۶۷۶ ه‍ ق. در بغداد وفات یافت. در آخرین بیماری که موجب مرگ خواجه شد، از او خواستند وصیت کند که جسدش را به نجف ببرند. اما خواجه در جواب گفت: نه، من چنین وصیت نمی‌کنم؛ چون از آقایم امام موسی بن جعفر شرم دارم.»(۲)» روز دفن خواجه حادثه شگفتی رخ نمود. موقعی که به حفر قبر خواجه مشغول شدند، سردابه‌ای ساخته و پرداخته از خاک نمودار گشت. دیوارهای این سردابه با بهترین کاشی‌های عصرش آراسته شده بود. پس از تحقیق، معلوم گشت که آن‌جا را خلیفه ناصر برای مدفن خویش مهیا

۱- مراقد المعارف، ج ۱، ص ۳۰۵

۲- روضات الجنات، ج ۶، ص ۳۱۹

ص: ۱۲۶

ساخته بود و چون عباسیان بر کینه‌های دیرینه خود با علویان پای می‌فشردند، آن مکان از او دریغ شد و او در رصافه دفن گردید. جالب آن‌که در آن سردابه، قطعه سنگی بود که بر روی آن تاریخ احداث سردابه نوشته شده بود و تاریخ مزبور برابر بود با ۱۱ جمادی‌الاولی ۵۹۷ ه‍ ق.

و آن روز تولّد خواجه بود.

اکنون مقبره خواجه نصیر در رواق غربی، قرینه مقبره شیخ مفید رحمهٔ‌اللَّه واقع است و در گذشته هم در آستانه مدخل حرم قرار داشت. اما بعد که در ورودی حرم را تغییر دادند، درب‌هایی را در طرفین مقبره خواجه گشودند.

این مقبره در ایوان مستقلی که سرتاسرش کاشیکاری شده، قرار دارد. در وسط آن، کتیبه‌ای است از کاشی با زمینه لاجوردی به خط ثلث سفیدی که تاریخ بنا و بانیش در آن ذکر شده است. از کتیبه چنین بر می‌آید که کاشیکاری و تعمیر این مقبره، از طرف فرهاد میرزا به سال ۱۳۰۴ ه‍ ق. انجام شده است.

در جلوی مقبره خواجه‌نصیر، ضریحی برنجی، ولی ساده و بدون کتیبه، وجود دارد. روی تربت او نیز صندوقی نهاده شده و با پارچه مشکی آن را پوشانده‌اند. در ایوان مقبره، قابی نصب کرده و شرح حال خواجه را به تقریر علامه شهیر سید هبهٔ‌الدین شهرستانی بر آن نوشته‌اند. «(۱)»

۱- تاریخ کاظمین، ص ۱۹۳- احسن‌الودیعهٔ، ص ۳۵۷

ص: ۱۲۷

بخش پنجم کاظمین، از حماسه تا سال‌های فروغ

[تاریخ سیاسی معاصر شهر کاظمین

] این بخش گـذری خواهد داشت بر تاریخ سیاسی معاصر شهر کاظمین، آن زمان که قامت راست کرد و هویت اسلامی- شیعی خود را در عرصه سیاسی عراق نشان داد؛ شهری کوچک که سرافرازانه در برابر استعمار ایستادگی کرد و تأثیرات مهم و غیرقابل انکاری را در سرنوشت عراق به جا گذاشت. هر چند شیعه در عراق هماره مظلوم بوده، امّا ستاره‌های تابناک شیعی هماره صفحات تاریخ عراق را آذین کرده‌اند.

باشد که روزی مردم مسلمان و شیعه عراق، آرزوی دیرین خود را که تحقق حکومت الهی در آن سرزمین مقدس است، شاهد باشند.

ص: ۱۲۸

حماسه کاظمین

در ادامه جنگ جهانی اول، در سال ۱۳۳۲ ه. ق.

انگلیس به سرزمین عراق هجوم برد. با صدور فرمان جهاد، عشایر به دفع تهاجم بیگانه فرا خوانده شدند.

با رسیدن خبر هجوم انگلیس، شوری جهادی در کاظمین برپا گشت. آیهٔ‌اللّه شیخ مهدی خالصی، عالمان شهر را به گرد هم فرا خواند تا گفتگوهایی درباره جهاد انجام شود. در این جلسه، بیش‌تر حاضران و در رأسشان، آیهٔ‌اللّه سید مهدی حیدری، بزرگ عالمان شهر، رأی به وجوب جهاد دادند. آیهٔ‌اللّه حیدری علاوه بر این، مصمّم شد خود نیز در صحنه نبرد شرکت جوید. این در حالی بود که او در سن هشتاد و سه سالگی به سر می‌برد. او علمای دیگر را از این عزم خود خبر داد و تلگرام‌هایی را به این منظور به نجف، کربلا و سامرا ارسال کرد. آیهٔ‌اللّه حیدری، در گردهمایی که به دستور وی در صحن حرم کاظمین برپا شد، مردم را به شرکت در جهاد فرا خواند. شهر را ولوله‌ای از شور جهاد در بر گرفت. خیمه‌هایی برافراشته شد و اسب‌سواران به نمایش‌های جنگی پرداختند. در خلال دهه اول محرم، این شور، نمایان‌تر گردید و در دسته‌های عزا با همان ویژگی سنتی چنین شعار می‌دادند:

سید مهدی رکن الدین نمشی للجهاد ویّاه

ص: ۱۲۹

نمشی بقوتک یا دین نحرق راس من عاداه

حیدر یا غزّنا و سور لنا! بحلق الفاو یحقّ طوب لنا «(۱)» «(۲)»

و سرانجام عصر سه شنبه ۱۲ محرم ۱۳۳۳ ه. ق. آیهٔاللّه حیدری با گروهی از مجاهدان شهر عازم جبهه نبرد شد.

اهالی کاظمین این کاروان را تا بغداد بدرقه کردند. آنان در این بدرقه شکوهمند فریاد می‌زدند:

حجهٔالاسلام طالع للجهاد محصن بموسی بن جعفر و الجواد «(۳)» «(۴)»

بعد از اعزام اولین دسته جهادی، کاظمین برای استقبال از گروه برجسته‌ای از علمای نجف و کربلا که رهسپار جبهه نبرد بودند، آغوش گشود. تا اواخر صفر همان سال، این شهر از جوانان خالی شد و تنها پیران و کودکان در آن باقی

۱- لمحات اجتماعیهٔ من تاریخ العراق الحدیث، ج ۴، ص ۱۳۲.

۲- سید مهدی رکن دین است و ما با او به جهاد می‌رویم و با نیروی دین، سر هر کسی را که با او دشمنی ورزد، خواهیم سوزاند. حیدرا ای عزت و مدافع ما! آزادی فاو را چون حلقه‌ای بر گردن ما بیاویز

۳- مستدرک اعیان الشیعهٔ، ج ۲، ص ۳۳۴- ۳۳۳، موسوعهٔ العتبات المقدسهٔ، ج ۹، ص ۱۳۲ به نقل از الامام الثائر.

۴- حجت الاسلام در پناه موسی بن جعفر و جواد علیهما السلام به جهاد روانه است

ص: ۱۳۰

ماندند و تمامی مردان به میدان رزم شتافتند. «(۱)» آیهٔالله حیدری تا رسیدن خود و گروه همراه به شهر عماره، از تب و تاب نایستاد و فراخوان جهادش را پیوسته تکرار کرد. سرانجام با توافقی که بین او و فرمانده سپاه عثمانی، سلیمان عسکری بک، انجام گرفت، قرار شد آنان در قلب جبهه نبرد، قرنه، مستقر گردند. «(۲)» در همین مکـان بود که نبرد تاریخی «نهر روطه» «(۳)» در روز چهارشنبه ۵ ربیع‌الاول ۱۳۳۳ ه. ق. رخ نمود. این نبرد تاریخی، از آن جا شروع شد که «بارت» فرمانده قوای تجاوزگر انگلیس با احساس حمله قریب‌الوقوع سپاه ترک، پیش‌دستی کرد و نیروهـای سپاه خود را از دو طرف رود دجله، و بـا کشتی‌هـای جنگی، از «مزیرعه» روانه «روطه» کرد. «(۴)» از طرفی بعد از تقسیم نیروها، آیهٔالله حیدری به همراه دیگر مجاهدان کاظمینی و عشایری که به او پیوسته بودند با بلم‌ها و قایق‌هایشان روانه جبهه قرنه شدند.

هنوز آن‌ها به محلّ استقرار خود نرسیده بودند که شب

۱- . لمحات اجتماعیه ..، ج ۴، ص ۱۳۴- ۱۳۰، موسوعهٔ العتبات المقدسهٔ، ج ۹، ص ۲۶۵

۲- مستدرک اعیان الشیعهٔ، ج ۲، ص ۳۳۴

۳- روطه، کانال آبی بود که در جانب شرق دجله در ۲۵ کیلومتری شمال شهر قرنه قرار داشت

۴- لمحات‌اجتماعیه ..، ج ۴، ص ۱۳۶- موسوعهٔ العتبات المقدسهٔ، ج ۹، ص ۱۴۱ به نقل از همان

ص: ۱۳۱

فرا رسید و آنان مجبور شدند در موقعیتی نامعلوم اردو بزنند. فردای آن روز، فرزندان آیهٔ‌اللّه حیدری جهت پی بردن به موقعیت اردوی خود به اطراف خیمه‌ها رفتند و به ناگاه دریافتند که پیشقراولان سپاه انگلیس که با کشتی‌ها، توپ‌ها و سایر ادوات جنگی حمایت می‌شدند، رو در رویشان قرار گرفته‌اند. اردوی آن‌ها سه کیلومتر جلوتر از مقر خودی‌ها واقع بود و به جبهه دشمن نزدیک‌تر می‌نمود. دشمن فرصت تفکّر را به نیروهای عثمانی نداد و از همان صبح هجوم غافلگیرانه خود را شروع کرد. چون مجاهدان همراه آیهٔ‌اللّه حیدری در دید و تیررس دشمن بودند. توپ‌ها نخستین نشانه‌روی‌های خود را بر این اردو تمرکز دادند.

با رو به وخامت نهادن اوضاع، تنی چند از یاران آیهٔ‌اللّه حیدری، از او درخواست نمودند که عقب‌نشینی کند، امّا آیهٔ‌اللّه حیدری با آنان مخالفت کرد و گفت:

«این خیمه‌ها باید برای روحیه دادن به نیروهای پشت سر بر جای بماند.»

او این سخنان را با اطمینان شگرفی ادا کرد. اطمینان او از آن جا ناشی می‌شد که او پیش‌تر برای دور افکندن تردید در، ماندن یا نماندن، استخاره کرده و در استخاره‌اش به قرآن به پیروزی مجاهدان در این نبرد پی برده بود. آیهٔ‌اللّه

ص: ۱۳۲

حیدری پا را فراتر نهاد و در آن هنگامه آتش و دود، به سان شیر با شمشیری آویخته و قرآنی در دست، به میان یاران مجاهدش رفت و آنان را به صبر و پایداری دعوت کرد.

آتش جنگ تا زوال آن روز افروخته ماند و دشمن که گمان نمی‌کرد با چنین ایستادگی رو به رو شود، با تحمّل خسارت‌هایی قابل توجّه؛ نزدیک به ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر کشته و مجروحانی افزون‌تر از این شمار عقب نشست. در عوض، تنها چهارده نفر از سپاه ترک شهید شدند و پانصد نفر هم مجروح، و به آیهٔ‌اللّه حیدری و همراهان مجاهدش که در وسط معرکه درگیر بودند، هیچ آسیبی نرسید. «(۱)» در نگاه سپاهیان عثمانی این پیروزی کرامتی برای آیهٔ‌اللّه حیدری و یارانش شمرده شد. آن‌ها می‌گفتند:

«وقتی فشار توانفرسایی از جانب دشمن به ما وارد گشت، تصمیم گرفتیم عقب بنشینیم، اما وقتی خیمه‌های افراشته گروه مجاهدان آیهٔ‌اللّه حیدری را در پیشاپیش نبرد دیدیم، عزممان قوت گرفت و یأس و ناامیدی از ما رخت بربست.» «(۲)»

۱- لمحات اجتماعیه ...، ج ۴، ص ۱۳۹- ۱۳۸- مستدرک اعیان الشیعهٔ، ج ۲، ص ۳۳۴- موسوعهٔ العتبات المقدسهٔ، ج ۹، ص ۱۴۰- ۱۳۹ به نقل از الامام الثائر

۲- همان، ج ۴، ص ۱۳۹

ص: ۱۳۳

پس از این نبرد، آیهٔاللّه حیدری و یاران مجاهدش، چند ماهی را در این جبهه به سر بردند تا این‌که دشمن به حمله گسترده دست یازید و با فایق آمدن بر دو جناح چپ و راست، به جبهه مرکزی، قرنه، هجوم برد. گستردگی عملیات چنان بود که مقاومت در برابر آن سودی نداشت و قوای عسکری بیگ و مجاهدان حمایتگر به ناچار به عقب نشستند. در این عقب‌نشینی دشوار، آیهٔاللّه حیدری و رزم‌آوران همراهش در سفری پر مخاطره و در حالی که نزدیک بود در پنجه اسارت گرفتار گردند، به شهر حیّ که هنوز به تصرف اشغالگران در نیامده بود، رفتند و بعد از گذشت هفت روز، در سوم شعبان ۱۳۳۲ ه. ق. به جبهه کوت عزیمت نمودند تا به مدافعان عثمانی بپیوندند، امّا پس از چهارماه مقاومت، این جبهه نیز تاب نیاورد و در برابر حملات بی‌امان دشمن تسلیم گشت و سپاه عثمانی باز خطوط دفاعی‌اش را عقب‌تر کشاند. آیهٔاللّه حیدری که به بیماری سختی مبتلا شده بود، به همراه یاران مجاهدش پس از چهار روز، در بیست و هشتم ذی‌الحجه ۱۳۳۲ ه. ق. به شهر کاظمین رسید. «(۱)»

کم‌کم تب جهاد فروکش می‌کرد که علم حیدری به میدان آمد. علم حیدری چاره‌ای بود که عثمانی‌ها برای

۱- مستدرک اعیان الشیعهٔ، ج ۲، ص ۳۳۵- ۳۳۴

ص: ۱۳۴

برانگیختن شور دوباره جهاد در شیعیان عراق و متحد کردن مجاهدان سنی و شیعه در جهاد با کافران اندیشیده بودند. این علم در مسیر انتقال به جبهه جنگ، در روز جمعه بیست محرم ۱۳۴۴ ه. ق.، به کاظمین برده شد.

استقبال از علم حیدری در کاظمین چشمگیر بود. علم آن روز در مرقد شریف کاظمین به امانت نهاده شد و عصر آن روز، علمای شهر به دعوت بزرگان و عالمان اهل سنت اعظمیه، به زیارت آرامگاه ابوحنیفه رفتند. در مسجد جامع ابوحنیفه، مراسمی آکنده از روح وحدت و برادری برگزار گشت. این رخداد در نوع همزیستی شیعه و سنی در عراق کم‌نظیر بود. اهالی اعظمیه از این حرکت علمای کاظمین تشکّر نمودند ...

با این حرکت تاریخی حماسه کوت شکل گرفت. در بهمن ۱۲۹۴ ه. ش. نیروهای نظامی انگلیس در کوت العماره به محاصره درآمدند و سرانجام در نوزده اسفند ۱۲۹۴ ه ش. دوازده هزار انگلیسی و هندی خود را تسلیم ارتش عثمانی کردند، تلفات اشغالگران بیش از چهار هزار نفر بود که بیش‌ترشان انگلیسی بودند. «۱» این شکست بزرگ، مانع پیشروی نیروهای انگلیس از سمت جنوب شد و آن‌ها به ناچار با تغییر جبهه جنگ از ناحیه جبل حمرین،

---

(۱). لمحات اجتماعیه ...، ج ۴، ص ۲۴۰ تا ۲۴۳

ص: ۱۳۵

از طرف سوریه به بغداد حمله‌ور شدند. با این حمله غافلگیرانه، ارتش عثمانی که از ناتوانی‌های درونی‌اش رنج می‌برد و فرصت‌های پیروزی را یکی پس از دیگری از دست داده بود، پـذیرای شـکست گردیـد. از حوادث شـگفت این بود که کـاظمین شاهـد آخرین روز حضور ترک‌ها در شـهر بغداد بود. مردم شـهر که با حضور خود در صـحنه‌های جهاد، حماسه آفریده بودند، به خیزشی عمومی در آمدند و با بردن مقدار فراوانی نان و خرما، به یاری گروهی از سـربازان ترک که در صحن حرم در حالت ناگواری از گرسنگی و جان دادن بودند، شتافتند.

فریاد استقلال

در غروب ۱۷ جمادی‌الاولی ۱۳۳۵ ه. ق. کاظمین به اشـغال قوای انگلیس در آمد. اشـغالگران در آغاز سیطره خود بر شهر، مبادرت به دسـتگیری برخی از اهالی شـهر نمودند. هیأت مدیره مدرسه ایرانی اخوت و عده‌ای از بزرگان کاظمین از دسـتگیرشدگان بودند. اتهام آنان طرفداری از نهضت مشروطه در ایران و تلاش جهادی عراق بود. «(۱)»

۱- از دسـتگیرشدگان تنها دو تن آن هم به شـفاعت یکی از کارگزاران دولت بریتانیا آزاد، و باقی آنان به هنـد تبعید شدند و مدت بیست ماه در تبعید به سر بردند

ص: ۱۳۶

با این همه، کاظمین پذیرای شکست نبود و با تمام توان به مقاومت در برابر اشغالگران پرداخت.

در واقع، این مقاومت، مرهون تلاش مردان بزرگی چون، آیهٔاللَّه سید ابوالقاسم کاشانی، آیهٔاللَّه شیخ مهدی خالصی و پسرش شیخ محمد و سید محمد صدر بود. در آغاز، این تلاش‌ها حرکتی بود که از طرف آیهٔاللَّه کاشانی به وقوع پیوست. کاشانی که به همراه پدرش، بعد از پایان جهاد، کاظمین را محل اقامت خود قرار داده بود، با چاپ و توزیع نوشته‌هایی به نام جمعیت اسلامی عربی، آرامش اشغالگران را بر هم زد.

اشغالگران انگلیسی ابتدا کوشیدند با وعده‌هایی چون آزادسازی عراق از سلطه ترک‌ها و حکومت ملی، زمینه شکست رقیب خود را فراهم آورند، امّا بعد از پایان جنگ جهانی ناچار شدند با انجام نظرخواهی عمومی، تحت‌الحمایه بودن عراق را به رأی بگذارند، تا از این رهگذر حکومت خود را از اتهام اشغالگری مبرّا سازند.

«ویلسون»، حکمران انگلیسی عراق، کوشید که نتیجه این نظرخواهی در حمایت از تحت‌الحمایگی باشد. کاظمین از محدود شهرهایی بود که در مقابل این اندیشه به مقاومت دست زد. در پایان نظرخواهی‌ها، جز شهرهای نجف،

ص: ۱۳۷

کربلا، کاظمین، بغداد، دیگر شهرهای عراق با تمهیداتی که نمایندگان ویلسون از پیش تدارک دیده بودند، موافقت خود را با تحت‌الحمایه بودن عراق اعلام داشتند و سرانجام مطابق مقررات سان‌ریو تحت‌الحمایه بودن عراق به اطلاع جهانیان رسید. «(۱)» با این همه، مبارزه با اشغالگران ادامه یافت.

رخداد بزرگ دیگر، نزدیکی شیعه و سنی بود. پیدایش این نزدیکی، ناقوس مرگ را برای اشغالگران نواخت.

این نزدیکی با حضور برادران اهل‌سنت در مجالس بزرگداشت رحلت آیهٔاللّه سید محمد کاظم یزدی، در تابستان ۱۳۳۸ ه. ق. آغاز گشت. مجالس نزدیکی بعد از آن نیز در ماه مبارک رمضان ادامه یافت. در تاریخ عراق، تشکیل چنین مجالسی با این گستردگی بی‌سابقه بود. در این گردهمایی‌ها، هم مولودیه «(۲)» اهل سنت خوانده می‌شد و هم سوگ‌سرودهای شیعه. «(۳)»

مجالس نزدیکی جدای از ویژگی‌های مذهبی خود، جهتی سیاسی را دارا بود. این ویژگی بالأخره باعث شد، دشمن تاب و حزم خود را از دست بدهد. در یکی از این

۱- لمحات اجتماعیه ...، ج ۵، قسم اول، ص ۷۸- موسوعهٔ العتبات المقدسهٔ، ج ۹، ص ۲۸۵

۲- سرودهای مذهبی که به مناسبت میلاد پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله خوانده می‌شود

۳- . لمحات اجتماعیه ...، ج ۵، قسم اول، ص ۱۷۳- ۱۷۲

ص: ۱۳۸

مجالس که در ۶ رمضان ۱۳۳۸ ه. ق. در جامع حیدرخانه بغداد برگزار شد، عیسی عبدالقادر ریزلی یکی از کارمندان اداره اوقاف، با این که برنامه‌ای در آن مجلس نداشت، بلند شد و قصیده‌ای را که در ۲۴ بیت سروده بود، قرائت کرد. او در شعر خود مسلمانان را به اتحاد فرا خواند و در پایان آن نیز به صراحت از استقلال عراق سخن گفت.

انگلیسی‌ها بی‌درنگ حکم به دستگیری ریزلی دادند.

دستگیری ریزلی، بازتاب گسترده‌ای در بین مردم بغداد و کاظمین داشت. آیهًاللَّه شیرازی در نامه‌ای خطاب به مردم عراق، حمایت خود را از حرکت آغاز شده، اعلام نمود. او این حرکت مردم بغداد و کاظمین را حرکتی در جهت استیفای حقی قانونی که در آخر به استقلال عراق در پناه حکومت اسلامی منجر می‌شود، قلمداد کرد. نامه آیهًاللَّه شیرازی مسیر آینده نهضت را تعیین کرد و هیأت پانزده نفره که در راستای آزادی ریزلی تشکیل شده بود، اهداف برجسته‌تری را دنبال کرد.

انگلیسی‌ها در برابر این خواسته‌های به حق مردم عراق نتوانستند منطقی عمل کنند و همین باعث شد که خشم مردم، به ویژه عشایر فرات میانی، لهیب کشد و این زمانی بود که آیهًاللَّه شیرازی اجازه دفاع مسلحانه در برابر تجاوز به حقوق قانونی و شرعی را به مردم داده بود و بدین گونه انقلاب ۱۹۲۰ م. عراق، یکی از بزرگ‌ترین انقلاب‌های

ص: ۱۳۹

معاصر شکل گرفت. در این مبارزه پرشکوه، مردان کاظمین عرصه‌آرا بودند. سید محمد صدر که با برگزیدن روش جنگ مسلحانه، از همتاهای روحانی خود ممتاز گشته بود، در آغاز انقلاب ۱۹۲۰ م. به منطقه دیالی رفت.

صدر سفیر انقلاب بود و توانست عشایر را به نفع انقلاب بسیج کند. بعدها تحرکات او از منطقه دیالی فراتر رفت و او انقلاب را به سامرا برد و در آن‌جا با ایجاد اتحاد بین عشایر، آنان را بر هجوم به پایگاه‌های دشمن در سامرا برانگیخت. «(۱)» فرد برجسته دیگر کاظمین که توان معنوی او بسیار فزون‌تر می‌نمود، آیۀاللَّه شیخ مهدی خالصی بود. او که از آغاز رهبری آیۀاللَّه میرزا محمد تقی شیرازی به جمع مشاوران فرا خوانده شده بود، در کنار رهبر انقلاب نقش مهمی را در ستیز با اشغالگران ایفا کرد. شیخ محمد خالصی فرزند آیۀاللَّه خالصی نیز نقش برجسته‌ای در انقلاب ۱۹۲۰ م.

داشت و نامش در زمره رهبران این انقلاب می‌درخشید.

سخنرانی حماسی او بر ضدّ سلطه انگلیس در صحن کربلای معلی، روح مقاومت و بیداری را در عراقی‌ها دمید. انقلاب ۱۹۲۰ هر چند به پیروزی نهایی دست نیافت، ولی راه پیروزی را هموارتر ساخت و دولت انگلیس متأثر از فشار افکار عمومی مجبور شد از اعمال سلطه به شکل

۱- لمحات اجتماعیۀ ...، ج ۵، قسم دوّم، ص ۵۰

ص: ۱۴۰

مستقیم پرهیز کند. آن‌ها در پی تشکیل نوعی دولت ملی برای عراق، «فیصل» را روانه عراق نمودند. «فیصل» در ۹ رمضان ۱۳۳۹ ه. ق. به عراق رسید و در ۱۵ رمضان به بغداد آمد. روز بعد از رسیدن به بغداد، او به کاظمین شتافت و در آن جا با استقبال گرم کاظمینی‌ها رو به رو گشت. «(۱)» حمایت از «فیصل» با آن که فرد مطلوبی به نظر نمی‌آمد، تنها برای این بود که به گونه‌ای با اشغال مطلق کشور مخالفت شود و عراق در مسیر استقلال قرار گیرد.

سال‌های فروغ (۱۳۶۸ ه. ق.- ۱۴۰۰ ه. ق.)

فروغ دوباره شهر کاظمین در صحنه سیاسی را باید از آغاز حکومت عبدالکریم قاسم دانست. او در سال ۱۳۶۸ ه. ق. با چهره‌ای پیشرو و چپ‌گرا علیه حکومت پادشاهی عراق کودتا کرد و قدرت را به دست گرفت.

کمونیست‌ها با بهره‌گیری از این فرصت، در صحنه سیاسی عراق فعال شدند و با دادن رنگ مذهبی به ایده‌های خود، دامنه نفوذ خود را حتی به شهرهای مقدس کشاندند.

عالمان آگاه و متعهد شیعه که می‌دیدند، اسلام عزیز با آن چهره غبار گرفته از تحریف و دسیسه، در برابر این امواج نوین الحاد یارای ایستادگی ندارد، به ترسیم اسلام واقعی

۱- . لمحات اجتماعیهٔ، ج ۶، قسم اول، ص ۹۳

ص: ۱۴۱

روی آوردند تا آن را به عنوان مکتبی سازنده و دین زندگی، مطرح کنند. تأسیس جماعهٔ العلمای نجف اشرف، اولین گام در این راه بود. آیهٔاللّه شیخ مرتضی یاسین که در نجف اشرف اقامت داشت، بنیان‌گذار این گروه بود. در این جمع، مجتهدان برجسته دیگری هم‌چون: محمد رضا آل‌یاسین، شیخ محمد رضا مظفر، سید محمد مهدی حکیم نیز حضور داشتند. سید محمد باقر صدر نیز که با داشتن سن کم، شرایط عضویت جماعت را دارا نبود، پنهانی در رهبری جماعت نقش‌آفرین بود. اولین بیانیه جماعت و بسیاری دیگر از نوشته‌های آن، توسّط او به نگارش درآمد.

از دیگر تلاش‌های همسوی او با حرکت جماعت، انتشار دو اثر برجسته‌اش، فلسفتنا (فلسفه ما) و اقتصادنا (اقتصاد ما)، بود. او در این کتاب‌ها با شیوه تطبیقی به نقد و بررسی افکار الحادی و ارائه نظر اسلام پرداخت.

در چهاردهم رمضان ۱۳۴۱ ه. ق. باز کودتایی خونین در عراق رخ داد. این کودتا با رهبری ملی‌گرایان انجام گرفت. در رأس این حرکت، سرهنگ دوم عبدالسلام عارف و هم‌پیمانان جدید بعثی‌اش قرار داشتند. کودتای جدید، فترتی خشونت‌بار را به همراه آورد. در این فترت، سرزمین عراق شاهد سیل خون و موج پرده‌دری‌هایی بود که کرامت و ارزش انسان در آن نادیده گرفته شده بود.

ص: ۱۴۲

گروه شبه نظامی گارد ملی، مجری عملیات نظامی حزب بعث، عامل این خیانت‌ها بود. گروه‌های اسلامی نیز از آسیب این جنایات بی‌نصیب نماندند. در اعتراض به این رویداد تلخ، رهبر سترگ شیعه و مرجع بیدار آن، آیهٔ‌اللَّه سید محسن حکیم، مسافرتی را از نجف به مقصد کربلاـ و از آن‌جا به سوی کاظمین و سامرا آغاز نمود. جنبش اسلامی عراق نیز با بسیج توده‌های مردم، به تأیید موضع رهبر خود پرداخت. در آخرین روز جمادی‌الأولی ۱۳۸۳ ه. ق. آیهٔ‌اللَّه حکیم و همراهانش در مسیر حرکت خود، به سوی کاظمین وارد بغداد شدند. بسیاری از مردم بغداد به استقبال آنان شتافتند و سرانجام بعد از ظهر همان روز آیهٔ‌اللَّه حکیم و گروه همراهش، در میان شعارهای مردم کاظمین وارد آن شهر شدند. او پس از رسیدن، به زیارت حرم رفت و بعد از انجام زیارت، در منزل یکی از دوستدارانش در شهر سکنی گرفت. از آن وقت بود که سیل جمعیت در قالب هیأت‌های زیارت‌کننده تا هنگام نماز مغرب و عشا، به زیارت مرجعشان آمده، بیعت خود را با او اعلام می‌نمودند. بعد از برپایی نماز جماعت به امامت آیهٔ‌اللَّه حکیم، مداحان و شعرا محفل‌آرا شده و یکی از واعظان به ایراد سخن می‌پرداخت. این مراسم تا شش شب ادامه داشت. در واپسین روز حضور آیهٔ‌اللَّه حکیم در کاظمین، امواج مهارناشدنی مردم چنان به خیابان‌ها ریختند

ص: ۱۴۳

که راه عبور ایشان بسته گردید ...

این سفر ۲۴ روزه آیـةاللَّه حکیم که قدرت و شکوه رهبری اسلامی را در عراق بیان می کرد، حکومت کودتا را واداشت تا اسلوب تازه‌ای را در برابر جنبش اسلامی عراق در پیش گیرد و از درگیری با آن اجتناب ورزد. «(۱)» با شروع نهضت عظیم انقلاب اسلامی ایران به رهبری امـام خمینی قـدس سره، کاظمین در چهره علمای خود با این انقلاب هم‌آوا بود و در پی تبعیـد حضـرت امام قـدس سره به ترکیه، علمـای برجسته این شـهر و شـهر بغـداد بـا ارسـال تلگرامی به رئیس جمهور ترکیه از او خواستند تا با وی به صورت شایسته‌ای رفتار شود. «(۲)» هنگامی که حضـرت امام قدس سـره از ترکیه به عراق تبعید گشت، کاظمین اولین آغوش مهری بود که بر ایشان گشوده شـد. ترکیه که بی سر و صـدا و حتی بدون پرداخت هزینه به امام و فرزندشان حاج آقا مصـطفی، آن‌ها را به بغداد انتقال داده بود، موجب شد که امام و فرزندشان در فرودگاه بغداد سرگردان بمانند؛ چون نه کسـی را می‌شناختند و نه کرایه ماشین داشـتند که به کاظمین برونـد تا آن‌که دست خدا به یاریشان شـتافت و یکی از دوسـتداران امام که با ماشـینش از آن‌جا می گذشت، ایشان را شناخت و

۱- سنوات الجمر، ص ۶۰- ۵۹- سید محسن حکیم مرزبان حوزه نور، تألیف عباس عبیری، ص ۶۲- ۶۱

۲- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۷۶۱

ص: ۱۴۴

به کاظمین برد. وقتی امام قدس سره به کاظمین رسیدند، بی‌درنگ به حرم مشرف شدند. بعد از این زیارت بود که شامه مسلمانان عراق عطر دل‌نواز حضور امام را یافت. پس از آن، توده‌های مردم شهر کاظمین در اجتماعی بزرگ گرد هم آمده، به ایشان خوش آمد گفتند. گروهی هم به نمایندگی از اهالی شهر به نزد امام رفتند و اعلام نمودند که همه امکانات و توانایی‌های خود را در اختیار ایشان می‌گذارند «(۱)» ...

عبدالسلام عارف سیاست تازه‌ای را نسبت به شیعیان در پیش گرفت و با شروع این سیاست بسیاری از تنگناهای گذشته که فعالیت‌های اسلامی را با مشکل رو به رو می‌کرد، از بین رفت. تأسیس جماعت علمای کاظمین و بغداد، رخدادی در این سو بود. این جماعت که الگو گرفته از جماعت العلمای نجف اشرف بود، تلاش خود را تنها در فعالیت‌های فکری و فرهنگی محصور نساخت. بلکه عمل خود را به صحنه سیاسی کشاند. جماعت علمای مزبور با بهره‌گیری از حضور دانشوران فرزانه‌ای چون: سید مرتضی عسکری، سید اسماعیل صدر، سید مهدی حکیم، شیخ علی صغیر، شیخ محمد حسن آل‌یاسین، شیخ موسی سودانی، شیخ جواد ظالمی و شیخ عارف بصری بسیار توانا

۱- در سایه آفتاب، ص ۱۰۵- ۱۰۴- سنوات‌الجمر، ص ۶۵- ۶۴

ص: ۱۴۵

می‌نمود. از اسناد ارزشمندی که پیرامون تلاش‌های دینی این جماعت وجود دارد، متن یادداشتی است که آنان در تاریخ ۱۸ رمضان ۱۳۸۳ ه. ق. خطاب به عبدالسلام عارف نوشته‌اند. در این یادداشت که امضای ۲۸ تن از علمای برجسته کاظمین و بغداد را در ذیل خود داشت، آمده است:

«هم اکنون که دولت در صدد تصویب قانون برای عراق است، به خواسته‌های آنان نیز توجّه گردد. این خواسته‌ها عبارتند از:

۱. الغای قانون احوال شخصی و باز گردانیدن محکمه‌های شرعی،

۲. در نظر گرفتن احساسات ملت در تصویب قانون و عدم وضع قانونی که با احکام قرآن کریم و سنت مطّهر نبوّی مباین باشد و علاوه بر آن، وضع ماده قانونی صریح مبنی بر آن که نباید هیچ قانونی مخالف با احکام اسلامی تصویب گردد،

۳. گسترش عدل و مساوات بین گروه‌های مختلف امت،

۴. مبارزه با اضمحلال اخلاقی جامعه که استعمارگران کوشیده‌اند آن را از مسیر تلویزیون، رادیو، شراب و مانند آن ایجاد نموده و به توسعه آن بپردازند و از این راه کیان اجتماعی امت را از بین ببرند،

ص: ۱۴۶

۵. مناسب نمودن برنامه‌های تعلیمی و تربیتی به‌گونه‌ای که وسیله‌ای برای نشر معارف راستین در جامعه گردد و آنان را به اخلاق اسلامی رهنمون سازد و نسلی مسلمان و شایسته در شهرها بپرورد. «(۱)» در سال ۱۳۸۷ ه. ق. هم که اسرائیل بیت‌المقدس و کرانه باختری، صحرای سینای مصر و بلندی‌های جولان سوریه را به اشغال خود در آورده و در حالی که از دولت عبدالرحمن عارف که پس از کشته شدن برادرش در ۱۳۸۶ ه. ق. به قدرت رسیده بود و دیگر دولت‌های جهان عرب کاری ساخته نبود، صدای رسای اعتراض جماعت العلمای کاظمین و بغداد نسبت به این حادثه تلخ پر طنین بود. آن‌ها درخواست عقب‌نشینی اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی را تسلیم دبیرکل سازمان ملل و دیگر سازمان‌های جهانی کردند و علاوه بر این، با فرستادن یک هیأت چهار نفره شامل دو نفر از اهل سنت و دو نفر از شیعیان عراق، عبدالعزیز بدری، مهندس عبدالغنی شندله، دکتر جلیل عطار و سید عدنان بکا، به پایتخت‌های کشورهای اسلامی، از ایران تا مالزی، به اعلام موضع پرداختند. «(۲)» بالندگی حضور کاظمین در عرصه سیاسی پس از این، مرهون تلاش‌های آیةاللّٰه سید محمد باقر صدر بود. او اوج

۱- سنوات الجمر، ص ۴۲۱- ۴۱۹

۲- همان، ص ۶۷ به نقل از الحرکة، خطیب بن نجف، ص ۷۰

ص: ۱۴۷

آفرین این حضور بود. در راستای این تلاش‌ها بود که در هفده ربیع‌الأول سال ۱۳۷۷ ه. ق. در خانه یکی از مجتهدان بزرگ نجف اشرف و در حضور ۸ تن از علما و متفکران عراقی «حزب دعوت اسلامی» تأسیس گشت. مدیریت این جلسه بر عهده آیهٔالله صدر بود. او بـا پی‌ریزی بنیادهای فکری و اساس تشکیلاتی حزب دعوت و تعیین بستر حرکت و همین‌طور شکل دادن به نخستین هسته تشکیلاتی، به این تلاش ژرفا داد. دعوتگران نخست و مؤسسان حزب، بیش‌تر از شاگردان و پیروان شهید صدر بودند. با این همه با آن‌که تأسیس حزب در اواخر عهد پادشاهی عراق انجام یافت، اما شکل نهایی حزب و آغاز فعالیت تشکیلاتی آن، بعد از کودتای قاسم بود. کودتای قاسم هر چند منجر به باز شدن فضای سیاسی گشت، ولی تحرّک وسیع نیروهای کمونیستی را هم در پی داشت. امّا حزب، هدف والاتری را تعقیب می‌کرد و آن بازگردندان اسلام به صحنه زندگی مسلمانان و دست‌یابی به حاکمیت بود. تاسیس حزب در جامعه اسلامی آن روز عراق با استقبال رو به رو نشد؛ چرا که جامعه دینی عمل سیاسی را به صورت عام، و فعالیت حزبی را به شکل خاص، ناپسند می‌شمرد، و خیلی‌ها معتقد بودند که نباید در سیاست دخالت کرد. ولی رسوخ چنین اندیشه‌ای مانع تحرّک وسیع حزب نگشت و حزب به گسترش فعالیت‌های

ص: ۱۴۸

خود در میان عالمان متوسّط دینی، دانش‌پژوهان حوزه‌های عراق و دانشجویان دانشگاه‌های بغداد، بصره و موصل پرداخت. از طرفی، حزب دعوت از حمایت رهبران دینی برجسته‌ای چون: آیـﺔالله سید محسن حکیم، آیﺔالله شیخ مرتضی آل‌یاسین و آیﺔالله سید اسماعیل صدر برخوردار بود. «(۱)» «حزب دعوت»، به رغم اوضاع سخت دوران حاکمیت «قاسم»، با انتشار کتب، مجلات و برپایی مجالس، نقش مؤثری را در آمادگی و بسیج توده‌های ایمانی و ایستادگی آنان در برابر تلاش‌های فکری و سیاسی مارکسیست‌ها ایفا نمود. آیـﺔالله صدر که از آغاز بنیاد حزب دعوت، از عناصر اصلی حزب بود، بعدها با قرار گرفتن در بلندای رهبری دینی، به پیشنهاد آیﺔالله حکیم، از عضویت رسمی حزب کناره گرفت. اما از حمایت آن دریغ نورزید و پیوندهای فکری و رهبری خود را با حزب، از مسیر نماینده‌ای ویژه حفظ نمود. «(۲)» تلاش فزاینده «حزب دعوت» و دیگر گروه‌های مبارز مسلمان بر ضدّ استبداد حاکم، موجب شد که رژیم بعث در سال ۱۳۹۲ ه. ق. اقدام به بازداشت وسیع نیروهای مسلمان کند. آیﺔالله صدر هم که در بیمارستان نجف اشرف بستری

۱- سنوات الجمر، ص ۳۱- ۳۵

۲- همان، ص ۵۲- ۵۰

ص: ۱۴۹

بود، از موج این دستگیری‌ها در امان نماند و در همان حال بیماری، به بخش نظامی بیمارستان کوفه انتقال داده شد. اعتراض مردم که تنی چند از عالمان برجسته نیز در میانشان بودند، رژیم بعث را واداشت که آیهٔاللّه صدر را از بخش نظامی آن بیمارستان، به بخش بیماران عادی انتقال دهد. «(۱)» این فشارها، نه تنها آیهٔاللّه صدر را از دخالت سیاسی باز نداشت، بلکه او را واداشت، بیش از پیش به فعالیت‌های سیاسی بپردازد. او که از همان سال‌های آغازین انقلاب اسلامی ایران (۱۳۴۲ ه. ش.) با این انقلاب و رهبری سترگش پیوند داشت «(۲)»، به هنگام شکل گیری دوره نوین این نهضت نیز با آن همگام گشت. «(۳)» در همین راستا بود که آیهٔاللّه صدر به نیابت از حوزه نجف اشرف و رهبریت دینی مردم عراق، در نامه‌ای که برای حضرت امام قدس سره به پاریس فرستاد، نوشت:

۱- شهیدصدر بر بلندای اندیشه وجهاد، مصطفی قلی‌زاده، ص ۶۴- ۶۳

۲- همان، ص ۳۹- ۳۷

۳- تبلور این احساس را می‌توان در جوانان شهر آیهٔاللّه صدر، کاظمین، سراغ گرفت. هنگام بازگرداندن امام از کویت و بازگشت دوباره ایشان به عراق، او در حرم کاظمین مورد استقبال پرشور جوانان کاظمینی قرار گرفت. آن‌ها با گفتن تکبیر و دادن شعار، شور احساس خود را به ایشان نشان دادند و نیروهای بعثی به رغم حضور خود در آن جا، نتوانستند مانع آنان گردند و جوانان کاظمینی را از گرد امام جدا سازند. صفحات سوداء من بعث العراق،، ج ۲، ص ۱۱

ص: ۱۵۰

«ما در نجف اشرف با قلب‌هایمان با مردم ایران زندگی می‌کنیم و در دردها و آرمان‌هایشان با آنان شریکیم.» «(۱)» در پی پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز او با ارسال تلگرامی به رهبر انقلاب با ایشان بیعت نمود و اعلام داشت:

«همه هستی خود را پیشاروی امام قرار داده‌ام.» «(۲)» این سخن گویای آن بود که شهید صدر کیان مرجعی خود را در اختیار ایشان گذاشته و این خود رویداد بس نادری بود که مرجعی چنین بیعت مطلقی را با مرجع دیگر انجام دهد. اعتقاد او به همه‌گیر بودن گستره ولایت فقیه، به گونه‌ای که علمای دینی را نیز در بر گیرد، منشأ رفتار این چنینی او بود. در فردای پیروزی انقلاب، آیهٔ‌اللّٰه صدر علاوه بر اعلان تعطیلی حوزه درسی خود، به مدت سه روز برای بزرگداشت این پیروزی، از همه ملت عراق خواست که در حمایت از این انقلاب، تظاهراتی را در شهرهای خود به پا دارند. در پاسخ به این درخواست، راهپیمایی‌های باشکوهی در نجف، کربلا و دیگر

۱- سنوات الجمر، ص ۱۴۶

۲- . همان، ص ۱۴۸- ۱۴۷

ص: ۱۵۱

شهرهای عراق به وقوع پیوست. «(۱)» آیهٔ‌اللّٰه صدر که تجربه پیروزی اسلامی در ایران را فراروی خود داشت، بر آن شد که گام‌های نوینی را برای تحقق چنین انقلابی در عراق بردارد. از جمله این گام‌ها، تحریم هر نوع ارتباط با حزب بعث بود و این در حالی بود که رژیم بعث می‌کوشید همه افراد جامعه را به شکلی به حزب بعث پیوند دهد. نخستین اثر برجسته این تصمیم، آن بود که از اضمحلال جامعه شیعی در موج پان عربیسم که مظهرش در عراق همان حزب بعث بود، مانع گردد. از دیگر گام‌های مهم آیهٔ‌اللّٰه صدر، گسیل شاگردانش به عنوان نماینده خود، به سرتاسر عراق بود. او بسیاری از دانش‌پژوهان را از درس خواندن بازداشت و به مرحله عمل فراخواند. این گام‌های روشن آیهٔ‌اللّٰه صدر در مسیر انقلاب، از اوایل ربیع‌الثانی ۱۳۹۸ ه. ق. آغاز شد. ترس از بدل شدن آیهٔ‌اللّٰه صدر به خمینی عراق، موجب شد که امریکا و دیگر هم‌پیمانان آن، شدت عمل بیش‌تری را در برابر این تحرکات از نظام بعث عراق خواهان شوند. «(۲)» با شدت‌یابی برخورد رژیم بعث با اقدامات آیهٔ‌اللّٰه صدر، خبر هجرت او به ایران شیوع یافت.

امام خمینی که خواهان تداوم حضور آیهٔ‌اللّٰه صدر در عراق بود، به محض شیوع این خبر، او را از این کار بازداشت.

۱- سنوات الجمر، ص ۱۴۷- ۱۴۸

۲- همان، ص ۱۶۲

ص: ۱۵۲

آیـهٔاللّه صـدر که در واقع چنین انگیزه‌ای را نـداشت؛ چنان‌که هیـچ یک از شاگردان و نزدیکانش از این قصـد او خبر نداده‌انـد، در عراق به فعالیت‌هـایش ادامه داد. نهضت اسـلامی عراق تصـمیم گرفت برای ابراز وفـاداری به رهـبر خود، آیـهٔاللّه صـدر، هیأت‌هـای نماینـدگی را از همـه شـهرهای عراق رهسپار نجـف اشـرف کنـد. رژیـم بعـث که انتظـار چنین واکنشـی را از طرف مردم نـداشت، توقف‌گاه‌هـای بازرسـی را در کلیه راه‌هـای منتهی به خانه شـهید صـدر تـدارک دیـد و در این بین، مبادرت به دسـتگیری در برخی هیأت‌هـا نمود. هیأت‌هـای بیعت که گویـا نشاط نهضت اسـلامی عراق بودنـد، تأثیر فراوانی در داخل و خارج عراق بر جای نهادنـد. یـک روز پس از پایـان یـافتن ایـام بیعت، رژیم بعث که از این حرکت به وحشت افتـاده بود، بـا نیروهـای امنیتی و گروهی از جیش شعبی خود که بالغ بر دویست تن می‌شدند، خانه آیهٔاللّه صدر را به محاصره خود در آوردند و در ۱۷ رجب ۱۳۹۹ ه. ق. در حرکتی شتـاب‌آلود به آن خـانه هجوم بردنـد تـا او را دسـتگیر کننـد. در این میـان، فریـاد پرطنین خواهرش، بنت‌الهـدی، در حرم نجف، جوّ سکوت را شـکست و در نتیجه، مردم از این رویـداد تلـخ آگـاه شدنـد. در همان روز پس از خوانـدن دعای فرج در حرم، تظاهرات آرامی در نجف شکل گرفت. راهپیمایان شعار آزادی صدر را سر دادند. جمعیت

ص: ۱۵۳

راهپیمایان به چند صد تن می‌رسید که در آن زمان شمار قابل توجّهی بود. امّا آرامش حاکم دیری نپایید و نیروهای مسلح رژیم با راهپیمایان درگیر شد و زد و خوردهایی بین طرفین روی داد.

«حزب دعوت» نیز پس از دستگیری آیهٔ‌اللّه صدر، بی‌درنگ از همه گروه‌های سازمان یافته خود در شهرهای دیگر عراق خواست در این راستا تظاهرات کنند. در پی این درخواست، توده‌های موّاج مردمی در شهرهای الثوره، کاظمین و غیر آن‌ها به راه افتادند. رژیم بعث عراق که تاب این خشم گسترده را نداشت، تنها بعد از گذشت ساعاتی از دستگیری آیهٔ‌اللّه صدر، او را آزاد کرد. این آزادی، به شکل محدود بود و آیهٔ‌اللّه صدر، در خانه محاصره‌شده‌اش محبوس ماند و از تماس با خارج آن منع گردید. وضعیت به گونه‌ای بود که از حضور پزشکان بر بالین او که حال مساعدی نداشت، جلوگیری می‌شد. هرچه بود، آیهٔ‌اللّه صدر، عزم خود را در هماوردی با دژخیمان بعث، راسخ‌تر کرد و پس از گذشت سه روز از قیام مردم برای آزادیش، حکم جهاد مسلحانه با رژیم بعث را داد. از دستاوردهای دیگر قیام مردم، علنی شدن عملیات «حزب دعوت» پس از بیست و دو سال فعالیت مخفیانه بود و رهبری حزب هم با طراحی قیام بیست و پنج رجب ۱۳۹۸ ه. ق. در راستای گرایش جدید حزب و تحقق حکم

ص: ۱۵۴

جهاد آیهٔ‌اللَّه صدر به فعالیت پرداخت. بر اساس این طرح قرار بود راهپیمایی بیست رجب شهر کاظمین، بدل به یک قیام کوبنده شود. این راهپیمایی، سنتی سالانه بود «(۱)» که در گرامیداشت شهادت امام کاظم علیه السلام در شهر کاظمین برپا می‌شد. در این روز، هیأت‌های سوگواری از همه جای عراق به این شهر می‌آمدند و از میدان عبدالمحسن کاظمی تا حرم مطهر، اقدام به راهپیمایی می‌کردند. برای اجرای این طرح باید دوازده هزار نفر از اعضای «حزب دعوت» و هوادارانش در نقطه آغاز این راهپیمایی جمع می‌شدند و پس از رسیدن تعداد آنان به صد هزار نفر، راهی بغداد می‌گشتند. قیامگران مسلح می‌خواستند مؤسسات مهم دولتی مانند: کاخ ریاست جمهوری، رادیو تلویزیون و سایر مراکز مهم پایتخت را به تصرف درآورند. در همان حال گروه‌های ویژه چریکی، عملیات خود را برای فتح پادگان‌های نظامی و جلوگیری از رسیدن کمک به حاکمان بعث و دستگیری سران برجسته آن انجام می‌دادند. همگام

۱- میرزا محمد رضا شیرازی متخلص به سراج در شعری ماده تاریخ بنیان‌گذاری این سنت را چنین سروده است:

پی تاریخ تأسیس عزا جمع محبان را بگویم کردیم عام قبل تأسیس عزاداری

این ماده تاریخ مطابق، با سال ۱۳۴۱ ه. ق. است. الذریعه الی تصانیف الشیعهٔ، ج ۲۶، ص ۱۷۶

ص: ۱۵۵

با این حرکت، حرکت‌های دیگری در استان‌های عراق می‌شد تا هدف براندازی حکومت بعث تحقق یابد.

«حزب دعوت اسلامی» برای عملی ساختن این نقشه خود، طرح عملیاتش را به همه رده‌های حزبی اعلان نمود. از آن پس بود که عناصر حزب از نقاط مختلف عراق به شهر کاظمین روانه شدند. نزدیک به زمان شروع راهپیمایی از میدان کاظمی، رژیم بعث که گویی به اهداف راهپیمایی مزبور پی برده بود، هزاران تن از افراد شبه نظامی خود را که از سوی نیروهای امنیتی و نظامی حمایت می‌شدند، در تمامی مسیر راهپیمایی مستقر ساخت. گردانندگان راهپیمایی با آن‌که از همان آغاز راهپیمایی با تجمع وسیع نیروهای خود مواجه شده بودند، اما چون می‌دیدند که رژیم به هدف آنان پی برده، راهپیمایی را لغو کردند.

نیروهای بعثی پس از آن، به دستگیری شبانه هزاران جوانی که پیرامون حرم بودند، مبادرت ورزیدند. این دستگیری‌ها با برخوردهای مسلحانه شدیدی بین طرفین همراه گشت. (۱) وقایع رجب، تأثیر عمیقی بر حکومت بعث نهاد. صدام با فرمان انگلیس بر آن شد تا قدرت را در انحصار خود در آورد. وی نام سیصد نفر از شخصیت‌های اسلامی عراق را

۱- سنوات الجمر، ص ۳۳۶- العراق الواقع و آفاق المستقبل، ص ۳۶۸

ص: ۱۵۶

که نام آیـهٔاللّه صـدر در آغاز آن آمـده بود، به رئیس جمهور عراق، احمد حسن البکر، ارائه کرد تا آن‌ها را از میان بردارد. اما او از پـذیرش آن خودداری ورزیـد. اکثریت اعضـای شورای رهبری حزب بعث هم زیر بار این پیشـنهاد نرفتنـد. صـدام که مترصـد چنین فرصـتی بود، بـا این حربه به تصـفیه بسـیاری از مخالفـان خود در نهادهـای دولتی و حزب بعث پرداخت، «بکر» هم در بیست و سوم شعبان از سمت خود برکنار شد. در هیجده رمضان ۱۳۹۹ ه. ق. بیست و دو تن از سرکردگان حزب و دولت، اعدام شدند و گروهی نیز به زندان افتادند.

صـدام در آغـاز، اغواگرایـانه نمـایش شـیعه بودن را از خود نشـان داد و به گونه بی‌سـابقه‌ای به زیارت اماکن مقـدس شـیعه رفت و زنـدانیان سیاسـی را که شـیعیان هم در میانشـان بودنـد، آزاد ساخت. «(۱)» امابـا این ترفنـدها، اوضـاع سیاسـی کشور آرام نگرفت و تظاهرات پرشوری در بیست و هفت رمضان ۱۳۹۹ ه. ق. در شهرک الثوره بغداد انجام شد.

تظاهرکننـدگان در این راهپیمایی مخالفت خود را با حکومت، و حمایتشان را از آیـهٔاللّه صدر اعلام نمودند. «(۲)» در ماه شوال هم بعد از گذشت دو هفته از عملیاتی که در کربلا رخ داد، در همان شهرک به مقرّ جیش شعبی حمله شد. در

۱- سنوات‌الجمر، ص ۱۸۰- ۱۷۹

۲- همان، ص ۱۸۲

ص: ۱۵۷

پی ایـن حملـه، دفـتر امنیـتی شـهر کـاظمین، هـدف تهـاجمی دیگر قرار گرفت. همگـام بـا این حرکت‌هـا، راهپیمایی‌هـای آرامی در شهرهای بصره و عماره به وقوع پیوست. «(۱)» حکومت بعث که خود را در رویـارویی با این خیزش، ناتوان می‌یافت، موج خشونت تازه‌ای را به بار آورد و دوره‌ای از اعـدام‌های گروهی را به راه انـداخت. آیـهٔاللّه صـدر هم از این خشونت جدید بی‌نصـیب نماند و محاصـره خـانه‌اش بـا شـدت بیش‌تری ادامه یـافت. آب و برق خـانه قطع شـد و تا هفته‌ها از رسـیدن غـذا به آن جلوگیری شـد. او و خانواده و بسـتگان نزدیکش که با وی در خانه به سر می‌بردند، به وضـعیت ناگواری دچار شدند. این در حالی بود که شمیم عاطفه از دسـتان آیـهٔاللّه صـدر بر نیروهـای محاصـره‌کننده جـاری بـود و رژیم مجبور گشت، بارهـا این نیروهـا را تعویض کنـد، تـا این‌که نیروهایی از اسـتان‌های غربی عراق که از عوامل حزب بعث بودنـد، جایگزین نیروهای قبلی شدنـد. این نیروها، محاصـره را به شدت اجرا نمودند و در این راستا به اعمال خشونت‌باری دست یازیدند. «(۲)» در هشت جمادی‌الأولی ۱۴۰۰ ه. ق. رژیم در ادامه این موج جدید خشونتش، اعلام کرد که افرادی را که با حزب

۱- سنوات الجمر، ص ۱۸۴- ۱۸۳

۲- همان، ص ۱۸۹- ۱۸۸

ص: ۱۵۸

دعوت اسلامی مرتبط باشند، اعدام خواهد کرد. به دنبال این فرمان که شکل قانونی به خود گرفته بود، ده‌ها هزار نفر دستگیر شدند. در تداوم این خشونت‌ها، حکومت بعث در نوزدهم این ماه، آیهًْاللَّه صدر را که نه ماه در محاصره بود، به کاخ جمهوری برد. دشمن که فریادهای بیدارگر خواهرش بنت‌الهدی را در دستگیری پیشین از یاد نبرده بود، این بار او را هم با برادر همراه ساخت. بعثی‌ها در ابتدا کوشیدند، با تحمیل خواسته‌هایشان چون، بازپس‌گیری حکم تحریم همکاری با حزب بعث و اعلام تنفّر از انقلاب اسلامی ایران، او را به سازش وادارند؛ اما او که شهادت را از جدش امام حسین علیه السلام به ارث برده بود، شکوه سازش‌ناپذیری را به رخ آنان کشید. دشمن که خود را در برابر این شکوه، بسیار خرد و ناتوان می‌دید، دستانش را به خون او و خواهرش آغشت.

کاظمین در سوگ این فرزند راستینِ خود، باز به خروش درآمد؛ پرچم مبارزه را بار دیگر افراشت و مردم غیورش با یورش به مرکز پلیس شهر که نزدیک حرم مطّهر واقع بود، آن را آماج خشم خود ساختند. کاظمین، در مسیر عشق به رهبر سترگش، آیهًْاللَّه صدر و نهضت اسلامی عراق، با تقدیم شهیدانی، عزم راسخش را در پویش این راه نمایاند. گروهی از این شهدا که استوانه‌های سبز رویش

ص: ۱۵۹

فردای پیروزی در عراقند و نامشان در کتاب سنوات‌الجمر «(۱)» آمده، اینانند: ۱. سید نجاح موسوی، از علمای شهر حرّیه ۲- سید قاسم مبرقع، نماینده شهید صدر در شهرک الثوره ۳. سید جاسم مبرقع، از علمای شهرک الثوره ۴. شیخ فرحان بغدادی، از علمای کاظمین ۵. سید محمد طاهر، مجتهد و از علمای برجسته کاظمین ۶. سید حسن حیدری، مجتهد و از علمای فرزانه کاظمین که در سن هفتاد سالگی به شهادت رسید ۷. سهل طاهر العلی، مدرس علوم دینی.

سقوط دیکتاتور

سرنوشت برای دیکتاتور عراق رقم خورده بود.

دوستانش نیز از او در هراس بودند. پس از سال‌ها تجاوز و گردنکشی، او دیگر غیر قابل دفاع می‌نمود. او که با آن همه حمایت‌هایی که از او شده بود، نتوانسته بود جلوی موج بیداری را که از انقلاب اسلامی برخاسته بود بگیرد، با شکست در تهاجم هشت ساله‌اش به ایران، با تهاجم به کویت، آهنگ مرگ خود را نواخت. بوش پدر که تا مرز نابودی دیکتاتور عراق پیش رفته بود، تنها به سرکوب این تهاجم و محدود کردن دیکتاتور بسنده کرد. اما بوش پسر که با حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر، زوال قدرت جهانی

۱- سنوات الجمر، ص ۴۵۸- ۴۵۴

ص: ۱۶۰

خود را احساس می‌کرد، انگشت اتهام را نخست به افغانستان، طالبان متحد با القاعده، و سپس به عراق که سال‌ها بود که از آن شکوه گذشته، تنها خواب و سرابی بیش برایش نمانده بود، نشانه رفت تا شاید بتواند با چنین تهاجم‌هایی غرور شکسته‌اش را ترمیم دهد و اعتماد ملی و جهانی را به خود به عنوان ابرقدرت بی‌رقیب بازسازی کند.

در این هیاهو، کاظمین هنوز به نظاره نشسته بود. هر چند حضور سیاسی شیعیان پس از قرن‌ها مظلومیت در صحنه قدرت عراق، می‌توانست امیدهای فردا را در دل همه منتظران ظهور حقیقت و زوال باطل روشن کند.

سال‌های دیکتاتوری به پایان رسیده بود و کاظمین شاهد اعدام دیکتاتور گردید.

صدام در ساعت شش بامداد به وقت محلی در تاریخ ۹ دی ۱۳۸۵ در صبح روز عید قربان به دار آویخته شد.

مراسم اعدام، در اردوگاه عدالت در شهر کاظمین، برگزار شد. شیعیان عراق اعدام صدام را جشن گرفتند. «(۱)» در مراسم سالروز شهادت امام موسی کاظم علیه السلام در روز دوشنبه سی‌ام مهر ۱۳۸۵ در وحشیانه‌ترین حملات گروه‌های سلفی بر ضدّ شیعیان، آمار شهیدان به ۸۴۱ نفر و مجروحان به ۳۲۳ نفر بالغ شدند. این تلفات وسیع، بر اثر انفجارها، ریزش بخش‌هایی از پل ائمه بر اثر ازدحام ناشی

۱- ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد

ص: ۱۶۱

از این انفجارها و خوردن غذاهای مسمومی که تروریست‌ها در خیابان منتهی به حرم پخش کرده بودند، رخ داد. حزب اسلامی عراق از اهالی سنی منطقه اعظمیه خواست دست به دست هم به برادران خود و قربانیان کمک کنند.» (۱)

۱- خبرگزاری مهر به نقل از شبکه خبری العربیه

ص:۱۶۲

ص: ۱۶۳

فهرست منابع

۱. آرامگاه‌های خاندان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و بزرگان صحابه تابعین، سید عبداللّه کُمّونه حسینی، ترجمه عبدالعلی صاحبی، چاپ اول، آستان قدس رضوی، مشهد. ۱۳۷۱ ش.

۲. احسن الودیعهٔ فی تراجم مشاهیر مجتهدی الشیعهٔ، سید محمد مهدی خوانساری، چاپ دوم، حیدریه، نجف ۱۳۸۸ ق.

۳. الأصول من الکافی، کلینی، چاپ سوم، دارا لکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸. ق.

۴. اطلس بغداد، احمد سوسه، مطبعهٔ مدیرهٔ المساحهٔ العامه، بغداد، ۱۳۷۱ ق.

۵. اعیان‌الشیعهٔ، سید محمد محسن امین، دارالتعارف، بیروت، ۱۴۰۲ ق.

۶. الامام الجواد من المهد الی اللحد، سید محمد کاظم قزوینی، چاپ اول، الرساله.

۷. بحارالأنوار الجامعهٔ لدُرر اخبار الأئمه الأطهار، علامه شیخ محمد باقر مجلسی، چاپ سوم، وفا، بیروت، ۱۴۰۳ ق.

۸. البدایهٔ و النهایهٔ، ابن کثیر.

۹. بیّنات، فصلنامه، شماره ۱، سال اول، معارف اسلامی امام رضا علیه السلام، بهار ۱۳۷۳ ش.

۱۰. تاریخ آداب اللغهٔ العربیهٔ، جرجی زیدان، دارالهلال.

ص: ۱۶۴

۱۱. تاریخ الامامین الکاظمین علیهما السلام، جعفر نقدی.

۱۲. تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن هفتم هجری، رسول جعفریان، چاپ اول، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸.

۱۳. تاریخ حرم کاظمین، شیخ محمد حسن آل‌یاسین، ترجمه غلامرضا اکبری، کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، مشهد، ۱۳۷۱ ش.

۱۴. تاریخ کاظمین، عباس فیض، قم.

۱۵. تراجم الرجال، سید احمد حسینی، کتابخانه آیهٔالله مرعشی، ۱۴۱۴ ق.

۱۶. جغرافیهٔ الاجتماعیهٔ مدینهٔ الکبری الکاظمیه، نسرین محمود حمزه، چاپ اول، دارالحریه، بغداد، ۱۹۷۵.

۱۷. الجمعهٔ المجاهدهٔ، حرکت اسلامی عراق، ۱۴۰۰ ه. ق.

۱۸. دائرهٔ المعارف بستانی، پطرس بستانی، دارالمعرفه، بیروت.

۱۹. دائرهٔ المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی، بهاءالدین خرمشاهی و کامران وفایی، بنیاد اسلامی طاهر، تهران، ۱۳۶۶.

۲۰. دائرهٔ المعارف الشیعیه، حسن الأمین، چاپ دوم، دارالتعارف، بیروت، ۱۴۰۱ ق.

۲۱. در سایه آفتاب، محمد حسن رحیمیان، پاسدار اسلام، قم، ۱۳۷۱ ش.

۲۲. الذریعهٔ الی تصانیف الشیعهٔ، آقا بزرگ تهرانی.

۲۳. رؤساء العراق ۱۹۲۰- ۱۹۵۸، سلیم الحسینی، دارالحکمهٔ، بیروت، ۱۴۱۳ ق.

۲۴. روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات، میرزا محمد باقر

ص: ۱۶۵

خوانساری، اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۰ ق.

۲۵. زندگانی تحلیلی پیشوایان ما، ائمه دوازده‌گانه، عادل ادیب، ترجمه اسداللَّه مبشری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۲۶. سفرنامه ادیب الممالک به عتبات (دلیل الزائرین) ۱۲۷۳ ه. ق، تصحیح مسعود گلزاری، دادجو، ۱۳۶۴ ش.

۲۷. سفرنامه سیف‌الدوله (سفرنامه مکّه)، سیف‌الدوله سلطان محمّد، تصحیح و تحشیه علی اکبر خداپرست، نی، تهران، ۱۳۶۴ ش.

۲۸. سنوات الجمر- مسیرةالحرکة الاسلامیة فی العراق ۱۹۵۷- ۱۹۸۶، علی مؤمن، دارالمیسره، لندن، ۱۹۹۳ م.

۲۹. سید محسن حکیم مرزبان حوزه نور، عباس عبیری، چاپ اوّل، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۲ ش.

۳۰. شعراء بغداد، علی خاقانی، بغداد.

۳۱. شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، مصطفی قلی‌زاده، چاپ اول، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۲ ش.

۳۲. صفحات سوداء من بعث عراق، عبدالحمید عباسی، چاپ اول، دارالتراث العربی، لندن، ۱۴۰۸ ش.

۳۳. طبقات أعلام الشیعة، شیخ آغابزرگ، چاپ دوم، اسماعیلیان، قم.

۳۴. العراق الواقع و آفاق المستقبل، ولید الحلبی، دارالفرات، بیروت، ۱۴۱۳ ق.

۳۵. علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی، م. جرقادنی، ۱۳۶۴ ق.

۳۶. عنصر مبازره در زندگانی ائمه علیهم السلام

۳۷. فتوح الحرمین، محیی الدین لاری، تصحیح علی محدث، چاپ اول، اطلاعات، تهران، ۱۳۶۶ ش.

ص: ۱۶۶

۳۸. فوایدالرضویه در احوال علمای مذهب جعفریه، شیخ عباس قمی.

۳۹. کرام البرره فی القرن الثالث بعد العشره، آغا بزرگ تهرانی، چاپ دوم، دارالمرتضی، مشهد، ۱۴۰۴ ش.

۴۰. لمحات اجتماعیهٔ من تاریخ العراق الحدیث، علی وردی، ادیب، بغداد، ۱۹۶۸ م.

۴۱. المجموعهٔ الکاملهٔ لمؤلفات سید محمد باقر صدر، دارالتعارف، بیروت.

۴۲. مرآت الأحوال جهان نما، احمد بن محمد علی بهبهانی، تصحیح و حواشی علی دوانی، چاپ اوّل، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۰.

۴۳. مراقدالمعارف، محمد حرزالدین، چاپ اول، سعید بن جبیر، قم، ۱۳۷۰.

۴۴. مستدرک اعیان الشیعهٔ، حسن امین، چاپ اول، دارالتعارف، بیروت، ۱۴۰۸.

۴۵. مصنفات شیخ مفید، چاپ اول، المؤتمر العالمی لألفیهٔ شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.

۴۶. معارف الرجال فی تراجم العلماء و الأدباء، شیخ محمد حرز الدین، کتابخانه آیهٔاللّه مرعشی (ره)، قم، ۱۴۰۵ ق.

۴۷. معجم البلدان، یاقوت حموی، دارالصادر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.

۴۸. معجم مؤلفی الشیعهٔ.

۴۹. منتهی‌الآمال، شیخ عباس قمی، علمیه اسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ ش.

۵۰. موسوعهٔ العتبات المقدسهٔ، جعفر الخلیلی، اعلمی، بیروت، ۱۴۰۷ ق.

۵۱. مسیر طالبی (سفرنامه میرزا ابوطالب خان)، به کوشش حسین خدیوجم، چاپ دوم، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی،

ص: ۱۶۷

تهران، ۱۳۶۳ ش.

۵۲. نزهة القلوب، حمداللّه مستوفی، تصحیح گای استرانج، چاپ اوّل، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۲ ش.

۵۳. نقباءالبشر فی القرن الرابع عشر، شیخ آقا بزرگ تهرانی، چاپ دوّم، دارالمرتضی، مشهد، ۱۴۰۴ ق.

۵۴. نگاهی گذرا بر زندگانی امام جواد علیه السلام، سید عبدالرزاق مقرم، ترجمه پرویز لولاور، آستان قدس، مشهد، ۱۳۷۰.

۵۵. نورالاسلام، مجله، شماره ۵۳ و ۵۴، سال چهارم، مؤسسهٔ الامام الحسین علیه السلام، بیروت، ۱۹۹۴ م.

۵۶. نهضت اسلامی شیعیان عراق، جویس ان- ویلی، ترجمه مهوش غلامی، چاپ اول، اطلاعات، تهران، ۱۳۷۳ ش.

۵۷. نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق، عبداللّه فهد نفیسی، ترجمه کاظم چایچیان، چاپ اول، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴ ش.

۵۸. هدایهٔ المحدثین الی طریقهٔ المحمدین، محمد امین، تحقیق سید مهدی رجایی، کتابخانه آیهٔ‌اللّه مرعشی، قم، ۱۴۰۵ ق.

۵۹. هزاره شیخ طوسی، تهیه و تنظیم علی دوانی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲ ش.

۶۰. هنر و مردم، شماره ۷۲، وزرات فرهنگ و هنر سابق.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹